

ماهنامه جلال

نیاز اندیشه روز

این شماره: چهره انسانی جامعه

شماره بیستم :: آبان ماه ۱۴۰۰
ترسیم اندیشه‌های سازنده برای زندگی در حال تحول





ماهنامه جلا :: نیاز اندیشه (روز)

Brilliance Monthly

آینده و تفکر به هم پیوند فورده اند

● مدیر مسئول: شهرزاد تولیت

● سردبیر: محسن فردرو

● با همکاری گروه نویسندگان - گروه کارشناسی دفتر آینده پژوهی

● امور اجرایی: مریم علاءالدینی

● هماهنگی: سارا فردرو

● طراحی و صفحه آرایی: محبوبه براهیمیان

● اطلاع رسانی: محمدرضا پیری

● نشانی پایگاه اینترنتی: Fekrvarzi.ir

علاقتمندان می‌توانند مطالب، دیدگاه‌ها و آثار فرهنگی و هنری خود را برای
انتشار به آدرس Fekrvarzi@gmail.com ارسال نمایند

فهرست مطالب

۴	- سخن سردبیر.....
۵	- اهمیت مفاهیم در درک جهان اجتماعی.....
۸	- نقشه ذهنی ما از فرهنگ.....
۱۰	- تحلیل قدرت در عرصه زندگی.....
۱۲	- انسان گذشته با انسان امروز متفاوت است.....
۱۳	- نقش های تعیین کننده در تولید و ترویج معرفت.....
۱۴	- تغییرات اساسی که بر زندگی بشر اثر می گذارد.....
۱۶	- جایگاه و قدرت رسانه ها در شکل گیری افکار عمومی.....
۱۸	- رقابت، ماهیت اصلی رفتار اجتماعی در جوامع انسانی.....
۱۹	- راهکارهایی برای افزایش هوش هیجانی.....
۲۰	- نشاط اجتماعی در دوران پسا کرونا.....
۲۲	- چطور حس بهتری نسبت به خودم داشته باشم؟.....
۲۵	- اقتصاد شادمانی.....
۲۶	- توازن بین ترس و شجاعت.....
۲۸	- چگونه در شرایط بد اقتصادی، رئیس خوبی باشیم؟.....
۲۹	- اصل کاهش وابستگی ها.....
۳۰	- اقلیت قدرتمند.....
۳۲	- آینده تان را شکل دهید.....
۳۳	- از خود بیگانگی اجتماعی و سیاسی.....
۳۴	- روبرویی با بحران.....
۳۶	- تقاضای فزاینده آب.....
۳۸	- برات ؛ میراثی معنوی از عهد باستان.....
۴۱	- رشد حیرت انگیز فین تک.....
۴۱	- نمادهای فرهنگی.....

- ۴۲موزه رسانه‌ای برای نمایش گذر فرهنگی
- ۴۴پر طرفدارترین شغل‌ها
- ۴۶پر درآمدترین مشاغل خانگی جهان
- ۴۸ایالات متحده در برابر چین
- ۵۲روبات‌ها جایگزین انسان‌ها
- ۵۴پرینت سه بعدی و معماری مسکونی
- ۵۷ماهیت انرژی مثبت
- ۵۸هشت قانون سختگیرانه
- ۶۰عمارت منظرالملوک
- ۶۳در آن کوچه پس کوچه‌ها
- ۶۴دل نوشته نسرین رضایی نیا
- ۶۵معرفی کتاب فیروزه جان
- ۶۵یاعلی گفتیم و عشق آغاز شد
- ۶۶از عمری که سپری نمودی چه چیز یادگرفتی؟
- ۶۷حامیان این شماره ماهنامه

سخن سردبیر

محسن فردرو



این شماره مجموعه ای شامل یادداشت های اینجانب در کتاب ها و مقالات متعدد و مطالعاتی است که دوستان و کارشناسان همکار، تنظیم و ارسال نموده اند و چهره انسانی جامعه را مورد مطالعه قرار می دهد. در جوامع امروزی که ماشین و صنعت و فناوری چهره غالب شده است گاه فراموش می کنیم که انسان محور همه فعالیت ها می باشد. جوامع برای رشد و پیشرفت به مشارکت اثر بخش همه اعضای آن نیازمند است و همه تلاش ها بایستی در راستای ایجاد سازگاری بین نیازهای افراد جامعه با اهداف جوامع باشد. محیط زندگی ما زمینه بالندگی و ارتقاء افراد را فراهم می سازد و ارتباط سازنده و صادقانه ما محیط را بارور می سازد. همه افراد جامعه به معرفت نیاز دارند. معرفت مشترک اساس تحول جامعه و موجب همدلی در اهداف می شود. دوستی می گفت ما باید در مورد شکاف همدلی صحبت کنیم. شکاف همدلی موجب بی تفاوتی نسبت به مشکلات افرادی که متفاوت به نظر می رسند، یا متفاوت زندگی می کنند یا متفاوت از ما هستند، می شود. چهره انسانی جامعه یعنی تشخیص چهره آینده خودمان در جامعه، یعنی آینده همگی ما، از فیلسوفی نقل قول شده است که ما خود آینده مان را نادیده می گیریم شاید بدین دلیل که مغز ما در مورد خود آینده مان همانطور فکر می کند که در مورد غریبه ها فکر می کند و اینجاست که شکاف همدلی ظاهر می شود. اهمیت دادن به نسخه ای از خود که هنوز آن را ندیده ایم ممکن است برای ما مشکل باشد. اکنون چه می توانیم انجام دهیم برای اینکه بعدها با خود آینده مان مهربان باشیم. وقتی پیر شویم، ما و جامعه ما چه شکلی خواهد بود؟ چقدر خوب می شود اگر ما بتوانیم بیست سال بعد از خود و جامعه ای که دوست داریم در آن زندگی کنیم را تصور کنیم. یک شخص ۲۰ ساله بیست سال بعد چه شکلی می باشد؟ کجا زندگی می کند؟ چه شغلی دارد؟ آیا از کارهای خود لذت می برد؟ آیا شریک زندگی دارد؟ آیا فرزندی دارد؟ آیا خوشحال است؟ آیا سالم هست؟ جامعه و محیط زندگی ما چگونه است؟ آیا شرایط زندگی کردن انسانی در آن وجود خواهد داشت؟

بهتر است سعی کنیم آینده مان را تصور کنیم و از همین حالا برای داشتن جامعه ای بهتر تلاش کنیم. محقق گفته است: "ما همین لحظه در حال گفتگو با آینده مان هستیم، می خواهیم چه چیزهایی به دست آوریم؟ و در چه محیطی زندگی کنیم؟" شروع آن از توجه به چهره انسانی جامعه آغاز می شود. جامعه ای که زنده و پویاست و همدلی و همکاری انسان ها موجب رشد و تعالی آن می شود. جامعه ای که بر اساس معرفت انسانی بنا شده است و سرنوشت اعضای آن بهم گره خورده است. امیدوارم علاقمندان، ما را با ارسال دیدگاه ها و نظراتشان یاری دهند.





اهمیت مفاهیم در درک جهان اجتماع

شخص یا یک رفتار را توصیف کند.

مفاهیم آجرهای بنای شناخت هستند. مفهوم بازنمایی ذهنی یک مقوله، یا به عبارت دیگر، مجموعه ای از اشیاء با امورات که ما گمان می کنیم به یکدیگر مربوط هستند. در فرصتی دیگر به این سؤال باز خواهیم گشت که چه چیز به ما می باوراند که مجموعه ای از اشیاء یا امور یا اشخاص در قالب یک مجموعه معنادار به هم می پیوندند؛ اینک صرفاً مهم است که بدانیم یک مفهوم، بازنمایی چنین مجموعه ای در ذهن ما است. دانش ما درباره آن مجموعه و اعضای آن در مفهوم خلاصه می شود. برای مثال، مفهوم ما از "وکیل" ممکن است شامل این موارد باشد: اسندهایی که فکر می کنیم می توانیم به آن دسته از افراد بدهیم (باهوش، اهل مباحثه و جدل)؛ فرضیه هایی درباره این که چگونه این اسندها با یکدیگر و با آن مجموعه (طبقه) به عنوان یک کل پیوند می خورد (آنها باید باهوش باشند تا بتوانند وارد مدرسه حقوق شوند)؛ و نمونه ای از وکلای خاصی که برحسب اتفاق آنها را می شناسیم (وکیلی که در یک برنامه تلویزیونی شرکت کرده، یا وکیلی که هنگام خرید خانه فعلی خود به او مراجعه کرده بودیم). مفاهیم الزاماً چپستی واقعی اشیاء، امور، افراد یا موقعیت ها را نشان نمی دهد؛ بلکه آن چیزی را نشان می دهد که ما درباره آنها گمان می کنیم. برخی مفاهیم نظیر سیب یا سخنرانی، شاید از وضوح کاملی برخوردار باشند. برخی دیگر مانند ماه عسل یا کتابدار، دقت کمتری دارند. مفاهیم الزاماً واقعیت را به اجزاء کاملاً جدا از هم تقسیم نمی کند بلکه اشیاء، امور، افراد یا رخدادها را به دسته ها یا مجموعه هایی گروه بندی می کند که به طور عینی، دارای معنا هستند. بسیاری از آنها بازتاب برداشت هایی از گروه بندی هایی است که معنادارتر است افراد را هم می توان براساس رنگ پوست شان مقوله بندی کرد و هم بر حسب اندازه کفشی که می پوشند. نظرات ما درباره جهان پیرامون، سبب می شود که تصور کنیم طبقه بندی افراد بر اساس رنگ پوست، معنادارتر است. ...

روانشناسان از واژه های بسیاری برای اشاره به مفاهیم بهره جسته اند. بعضی از آنها آنقدر کلی هستند که بتوان به هر نوع مفهومی

ما برای درک جهان اجتماعی خود، متکی به مجموعه ای از مفاهیم هستیم. مفاهیمی داریم که مربوط به خصلت های شخصیتی است، نظیر شرمگین یا مسئولیت پذیر؛ نیز مفاهیمی داریم که به دسته بندی مردمان جامعه مربوط می شود، مانند دانشجویان یا آمریکایی های آفریقایی تبار، و مفاهیمی داریم که به رخدادهای اجتماعی مربوط می شود، مانند مراسم ختم فرد مرحوم. ... بحث درباره شیوه های مختلفی که مفاهیم در درک جهان اجتماعی به ما کمک و ما را در قضاوت های خود راهنمایی می کنند، آغاز می شود. پیش از آن که مفهومی در قضاوت های ما پدیدار شود، ابتدا باید به ذهن ما بیاید. ... بافت های اجتماعی پیرامون ما و نیز تجربیات، منش و هدف های اخیر ما می تواند بر نحوه فعال شدن و به کارگیری مفاهیم در ذهن ما، در یک موقعیت معین، تأثیر بگذارد.

برای فهم این که افراد چگونه مفاهیم را به کار می گیرند، لازم است که بدانیم چگونه آنها را بازنمایی می کنند. آیا ما در ذهن خود تعریف هایی برای دانشجو، مجموعه متداول ترین اسندهای آنها، یا چپستی و چگونگی آنها داریم؟ ... لازم است دریابیم که سازمان بندی مفاهیم چگونه است و چه نوع ارتباط های درونی بین آنها حکم فرماست. ... چگونه الگوهای غالب درباره شیوه ارتباط درونی مفاهیم می تواند نشان دهد که چرا اندیشیدن به یک مفهوم، سبب به خاطر آوردن مفاهیم مرتبط با آن می شود. برای مثال، اگر شما به صورت کلیشه ای، وکلا را افرادی پرخاشگر بدانید، دیدار یک وکیل، می تواند مفهوم خشونت را در ذهن شما فعال کند، و این به خودی خود ممکن است شما را بدان سو سوق دهد که کنایه طنزآمیز یک دوست را یک توهین، و نه یک شوخی، قلمداد کنید.

مفاهیم چیستند؟ ... چرا دفاتر سازمان بهزیستی در آمریکا به مراکز کارایی، مراکز اشتغال "یا" آژانس نیازمندی های خانواده تغییر نام داده اند؟ این تغییرات در عنوان و اختلاف نظر بر سر واژه شناسی، غیرمعارف نیست. ... هر یک از این مثال ها بیانگر جستجو برای مفهومی است که به بهترین نحو یک موضوع، یک

اطلاق شان کرد. از جمله این واژه ها می توان به بازنمایی های ذهنی، ساختارهای دانش و طرح واره ها اشاره کرد. برخی از واژه ها شامل فرض های خاصی درباره ماهیت بازنمایی است. نمونه هایی از این گونه واژه ها شامل پیش الگو و چارچوب است. برخی دیگر به انواع خاصی از اشیاء و امور اشاره می کنند. ... در بین روانشناسان اجتماعی، متداول ترین واژه برای بازنمایی ذهنی، طرح واره بوده است. با این وجود، محققان مختلف، این واژه را در معانی گوناگونی به کار برده اند. بسیاری آن را در کلی ترین معانی اش استفاده می کنند، یعنی به شکلی که می توان عبارات بازنمایی ذهنی یا مفهوم را به جای آن به کار برد. اما دیگران معنای طرح واره را هم چنین مشتمل بر فرضیه های خاص درباره ماهیت بازنمایی، قلمداد می کنند. ... ماهیت بازنمایی ها خود منشاء بحث ها و جدل های مختلفی بوده است، ... برای مثال، فرض کنید اگر در یک مجلس عروسی شرکت می کردید، بدون این که هیچ تصویری از برخی مفاهیم محوری در این زمینه مانند ازدواج، عروس، پیش خدمت، رقص، عکاس یا هدیه در ذهن داشته باشید، چه قدر گیج و سرگردان می شدید. ... از اصلی ترین کارکردهای مفاهیم شامل طبقه بندی، استنتاج اسنادهای تکمیلی هدایت توجه و تعبیر، برقراری ارتباط، و استدلال است. ...

هنگامی که با اشیاء، افراد یا رفتاری روبه رو می شویم، آنها را به عنوان نمونه هایی از یک مفهوم خاص در ذهن خود طبقه بندی می کنیم. بخش عمده این کار به صورت خودکار انجام می شود، ما هرگز یک شیء دراز زرد رنگ با نوارهای تیره نمی بینیم، بلکه یک موز را می بینیم. به همین ترتیب افسران پلیس، گداها، رفتارهای محجوبانه، اقدامات یاری دهنده، بیان سرمستانه و فریادی خشم آلود را می بینیم... این کار کردها، یعنی امکان شناسایی سریع و آسان نمونه ها و هدایت توجه به سوی اطلاعات مرتبط به آنها، از اهمیت بسیاری برخوردار است. این کار کردها فرآیندهای شناخت را آسان تر و تلاش لازم برای درک جهان اطراف و معنابخشی به آن را کمتر می کند و به این ترتیب سبب دستیابی به منابع شناختی گرانمایی می شود که برای انجام وظایف سنگین، مرتبط با قضاوت ها و ارزیابی های ما، به آنها نیاز داریم.

... آنها هم چنین به ما امکان می دهند رخدادها و رفتارهایی را درک کنیم که در غیر این صورت بی معنا به نظر می رسید. اما، این کارکرد رایگان به دست نمی آید. مفاهیم ممکن است موجب شود که ما اطلاعات دریافتی را سوء تعبیر کنیم، و جزئیات به ظاهر نامربوط، ولی واقعا مهم را نادیده انگاریم. بهایی که از این بابت می پردازیم، زمانی نگران کننده می شود که از کلیشه ها برای تعبیر رفتار افراد استفاده کنیم، موضوعی که به

پیش داوری و تبعیض می انجامد.

طبقه بندی از آن رو مهم است که به ما امکان می دهد اشیاء یا امور مختلف را در یک قالب در نظر بگیریم و از دانش خود درباره طبقه بندی ها برای درک اعضای منفرد این طبقه ها بهره ببریم. هنگامی که مفهوم پزشک را برای کسی که گواشی طبی به گوش دارد، استفاده می کنیم، بهتر می توانیم رفتار او را درک کنیم. هنگامی که برای کمک به حمل خواروبار یک پیرمرد، مفهوم "کمک رسانی را به کار می بریم میتوانیم قصد نهفته در پشت این مفهوم را بهتر درک کنیم. ...

... اگر جانوری را به عنوان سگ طبقه بندی کنیم، می توان نتیجه گرفت که این موجود، قادر به پارس کردن و گاز گرفتن نیز هست. اگر شخصی را به عنوان پزشک طبقه بندی کنیم، می توانیم فرض کنیم که این شخص تحمیل کرده و پول دار نیز هست. اگر بیماری کسی را به عنوان افسردگی طبقه بندی کنیم، یک متخصص بالینی احتمالا فرض خواهد کرد که بیمار در خطر اقدام به خودکشی است و احتمالا به کمک شناخت درمانی و دارو معالجه خواهد شد. ... مفاهیم چارچوبی را برای درک اطلاعات دریافتی (ورودی) و معنابخشی به آنها، فراهم می کند.

هنگامی که وارد یک کلاس درس می شوید، مفاهیمی نظیر سخنرانی، استاد و دانشجو به شما کمک می کند که بفهمید ماجرا از چه قرار است. بدون این مفاهیم، تعامل با محیط، به نظر عجیب می آید. ما اغلب تنها زمانی از وابستگی شدید خود به مفاهیم آگاه می شویم که گام در یک محیط فرهنگی کاملا متفاوت می گذاریم و در می یابیم که هیچ سرنخی برای فهم رخدادها، اطراف، در دست نداریم. ... مفاهیم فقط در شناسایی اشیاء و رخدادها و افرادی که با آنها برخورد می کنیم به ما کمک نمی کنند، بلکه همچنین بر واقعیت اطراف ما سایه افکنده است. افرادی که مفاهیم مختلفی را برای رخدادی یکسان به کار می برند، احتمالا درک متفاوتی از آن رخداد به دست می آورند. این موضوع به ویژه در جهان اجتماعی مصداق پیدا می کند،

جایی که احتمالا بسیاری از رفتارها و روابط میان فردی، در هاله ای از ابهام قرار دارد. مفاهیمی را که در موقعیت های اجتماعی به کار می بریم، به ما کمک می کند که بفهمیم کدام یک از این معناها، احتمالی چندگانه، برای موقعیت حاضر مناسب ترین است، چرا که یک رفتار خاص اگر از دریچه مفاهیم مختلف نگریسته شود، می تواند معنایی کاملا متفاوت داشته باشد. اگر زنی را ببینیم که در مراسم تدفین، گریه می کند، این رفتار را نشانه غم و اندوه تلقی می کنیم. با این وجود، عین همین رفتار را در یک مجلس عروسی، گریه ای از سر شادی

...مفاهیمی که در یک موقعیت خاص به ذهن می آید، نقش عمده ای در چگونگی درک ما از آن رخدادها و افرادی که در آن موقعیت به آنها برخورد ایم، ایفا می کند. بنابراین خیلی جالب است که تعیین کنیم چه چیزی سبب فعال شدن و کاربرد بعضی مفاهیم در هر موقعیت خاص می شود. به چه سبب یک فرد در دو زمان متفاوت، در موقعیت مشابه، از مفاهیم مختلفی استفاده می کند؟ برای مثال، چرا لبخند جان را دوستانه می پندارم، اما لبخند ادموند را تحقیر آمیز قلمداد می کنم؟ چرا دو فرد برای درک و توصیف موقعیتی مشابه، مفاهیم گوناگونی را به کار می برند؟ برای مثال، چرا برخی افراد، "نه" را همان "نه" درک می کنند، اما بعضی دیگر "نه" را به معنای "بیشتر سعی کند می فهمند؟ فعال شدن یک مفهوم در ذهن، در یک موقعیت خاص، نتیجه تأثیر مشترک جنبه های مختلف محرک، ابعاد مختلف بافتی که محرک در آن مشاهده میشود و ویژگی های شخص ناظر است.

... ویژگی های یک محرک، آشکارا، تعیین می کند که چه مفاهیمی به کار گرفته شود. دشوار است فردی با پوستی چروکیده را جوان بنامیم یا رفتاری پر شور و نشاط را نشانه گوشه گیری تلقی کنیم. ... شاید به این دلیل که امری بسیار بدیهی است؛ یا شاید هم به دلیل علاقه بیشتر روانشناسان اجتماعی به اثبات چگونگی تأثیرگذاری ویژگی های فرد شاهد (ادراک کننده) با جنبه های مختلف موقعیت بر فعال سازی یک مفهوم در ذهن بوده است. چنین تأثیری، به خصوص زمانی محتمل است که محرک را بتوان به طور منطقی، در قالب بیش از یک مفهوم توصیف کرد؛ از این رو که ماهیت آن مبهم است یا از این بابت که به چند طبقه تعلق دارد. ... بافت موقعیت می تواند برخی ویژگی های فرد را برجسته تر از دیگر ویژگی ها کند. کسی که از یک بعد خاص، با سایر افراد در موقعیت، متفاوت است. ... اگر به تازگی مقاله ای درباره روابط نژادی خوانده باشید، احتمالاً یک فرد سیاه پوست را یک آمریکایی آفریقایی تبار فرض خواهید کرد (و نه به عنوان مثال، یک زن، یک پزشک یا یک دوست). و اگر اخیراً فکر شما مشغول رفتارهای خشونت آمیز بوده است، امتناع یک شخص را از پرداخت اجاره بها، تا زمانی که آپارتمانش دوباره رنگ شود، پرخاشگرانه (و نه رفتاری منصفانه یا حاکی از اعتماد به نفس) تلقی می کنید. ... اکنون شواهد آشکاری وجود دارد که صفات راه انداز نظیر "پرخاشگر" یا "بی ملاحظه" و کلیشه های راه انداز مانند "آمریکایی آفریقایی تبار" یا "سالمند" می تواند بر تعبیر یک رفتار نسبتاً مبهم در آینده، تأثیر بگذارند. برگرفته از کتاب : شناخت اجتماعی نوشته زیوا گاندا ترجمه حسین کاویانی انتشارات مهر کاویان

می پنداریم. به همین ترتیب، اگر سفید پوستی را ببینیم که شخص دیگری را هل می دهد، رفتار او را شوخی دوستانه ای می انگاریم، حال آن که اگر همین رفتار از سیاه پوستی سر بزند، کار او را رفتاری خشن قلمداد می کنیم.

... هنگام مشاهده جهان اجتماعی، ما صرفاً واقعیت عینی را که در مقابل چشم داریم، نمی بینیم. بلکه هر یک از ما در شکل دادن به واقعیت خاص خودمان، نقش ایفا می کنیم؛ مفاهیمی که ما به رخدادها منتسب استناد می کنیم، تعیین کننده معنایی است که ما از رخدادها برداشت می کنیم.

... هر فرد مفاهیمی در ذهن دارد که همیشه در دسترس هستند و در صورت لزوم به کار می روند. برای فردی "هوش به صورت عادت در دسترس است. این شخص مایل است که افراد را باهوش یا کودن و رفتارهای شان را خردمندانه یا احمقانه طبقه بندی کند. برای شخصی دیگر مفهوم "جنسیت"، به صورت عادت، در دسترس است. این شخص به احتمال زیاد افراد و رفتارها را به دو دسته مردانه و زنانه طبقه بندی می کند. چنان چه مفاهیم در تعریف شخص از خویشتن به کار رود و مهم نگریسته شود یا همواره در توصیف های فرد از دیگران پدیدار شود، دسترسی به آنها به صورت عادت درمی آید.

... در حقیقت، زمانی که درگیر گفتگویی هستیم، فرض ما بر این است که هر دو طرف معنای مفاهیم مورد استفاده در گفتگو را کاملاً می فهمند. برای مثال اگر شما از من بپرسید چرا میدود؟ و من بگویم "یک مار بزرگ دیدم"، پاسخ من برای شما کافی است. دانش مفهومی غنی شما، قادر تان می سازد که بی درنگ دریابید که من گمان می کنم مار ممکن است با من چه کند و از دوییدن چه قصدی دارم: مفاهیم سبب ارتباط کارا می شود زیرا به گوینده امکان می دهد بسیاری از جزئیات را از گفته های خود حذف کند، چرا که فرض بر این است که شنونده آنها را می داند. اما درست به همین دلیل، مفاهیم ممکن است سوء تعبیرها را دامن بزند، به ویژه زمانی که گوینده و شنونده، هر یک مفاهیم متفاوتی در ذهن داشته باشند یا بازنمایی های ذهنی آنها از یک مفهوم، با هم فرق داشته باشد. ... مفاهیم اجزای تشکیل دهنده اندیشه هستند. ما می توانیم مفاهیم موجود را با یکدیگر ترکیب کنیم تا به انگاره های تازه ای برسیم و اشیاء یا موقعیت های جدید را توصیف کنیم. برای مثال، شاید ترکیب جدیدی نظیر "نجار فارغ التحصیل از هاروارد" را، به راحتی، درک کنیم، چرا که هم نجارها و هم فارغ التحصیلان هاروارد را می شناسیم؛ در اینجا مفاهیم مرتبط دیگر هم به درک ما کمک می کند. برای مثال، شاید نتیجه بگیریم که چنین فردی، آدم باهوشی است، چرا که از هاروارد فارغ التحصیل شده است، و آدم چندان مادی ای هم نیست، چرا که تصمیم نگرفته است شغل پردرآمدتری را انتخاب کند.

نقشه ذهنی ما از فرهنگ

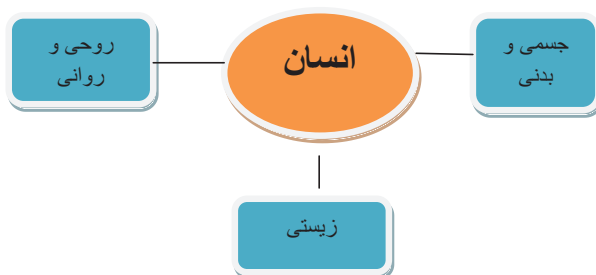
نقشه ذهن برای سازماندهی فکر و یادگیری ساده است که بوسیله دسته بندی اطلاعات مانند یک الگوی ساده عمل می کند. برای مثال نقشه ذهنی ما از درخت شامل ریشه ها و بدنه درخت و شاخ و برگ هاست که الگوی ساده یک درخت را تشکیل میدهد. نمونه دیگر نقشه یک شهر است که نشان دهنده راههای اصلی و مناطق مختلف شهر و نحوه دسترسی به اماکن مختلف است. نقشه ذهنی یک رمان داستان نیز بصورت فشرده طرح و ترتیب حوادث داستان و شخصیت ها و موقعیت و زبان و سبک و موضوع و نشانه ها و دیدگاه نویسنده را بصورت ساده و دسته بندی شده نشان می دهد.

نقشه ذهنی از فرهنگ نیز با دسته بندی اطلاعات موجود به ما یک دید کلی از اجزاء فرهنگ و ارتباط آنها می دهد و امکان انتخاب مسیرها و برنامه ریزی را برای ما فراهم می نماید.

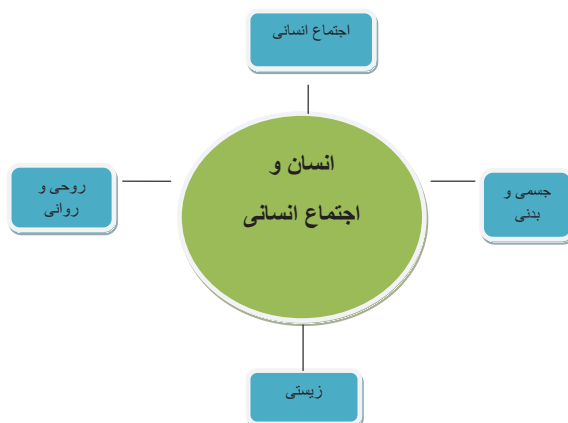
در نقشه ذهنی ما از فرهنگ ، انسان در وسط یک جمع انسانی قرار دارد. آنهایی که در وسط نقشه فقط انسان را قرار می دهند و به جامعه یا اجتماع انسانی توجه نمی کنند ، مسیر دیگری را خواهند پیمود.



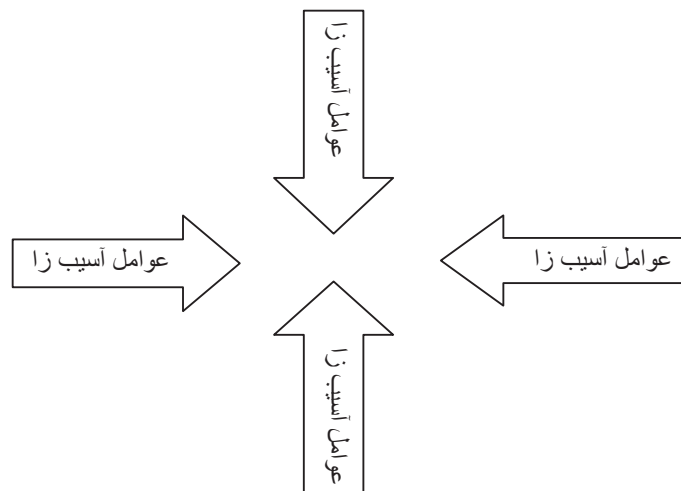
انسان را می توان از جنبه جسمی و روانی و زیستی بررسی نمود و رشد و تحول او را در طبیعت و در طول تاریخ مطالعه کرد.



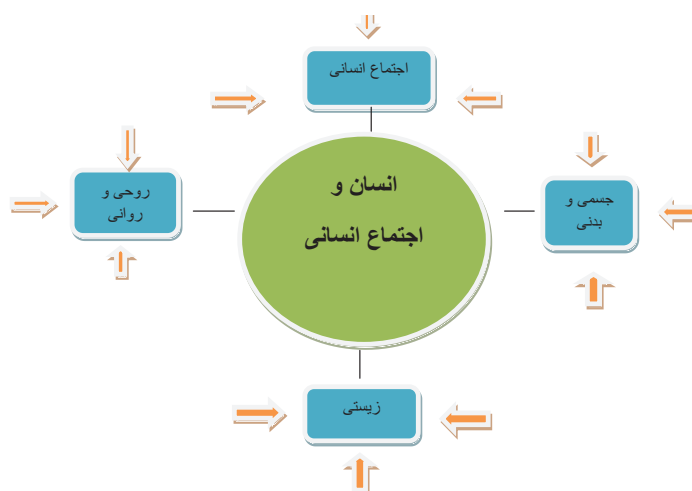
اما نیاپستی جنبه اجتماعی انسان و رشد او در جامعه را فراموش نمود.



انسان موجودی اجتماعی است و ناچار باید در اجتماع زندگی کند. با مردم زندگی کند و با آنها در ارتباط باشد. زندگی جمعی نیازمند حفظ تعادل است. تعادل درونی و تعادل بیرونی. انسان ها می توانند از طریق فرهنگ، راه و روش حفظ تعادل را در زندگی کسب نمایند. همه انسان ها در زندگی اضطراب، آشفتگی، ناهماهنگی و درد را تجربه می کنند. این ها حاصل عوامل مختلف درونی و بیرونی در انسان و جامعه انسانی هستند و میتوان به آنها عوامل آسیب زا نام نهاد. جنگ ها، بحران های طبیعی و غیر طبیعی، موانع دست یابی به خواسته ها، کمبود منابع و ... است.



عوامل آسیب زا، انسان ها و جامعه انسانی را احاطه کرده اند.



یک راه حل برای حفظ آرامش و تعادل این است که از بروز حوادث نامطلوب در زندگی جلوگیری کنیم، اما در واقع چنین چیزی بصورت صد در صد ممکن نیست. هیچ وقت همه رویدادها نمی توانند مطابق میل ما باشند. راه حل دوم نیز این است که در مقابل حوادث نامطلوب زندگی فرار کنیم و یا آنها را نادیده بگیریم. این راه نیز نمی تواند بصورت اساسی مشکل ما را حل نماید بلکه مشکلات و ناملایمات بصورت یک کوه آتشفشان در مقابل ما قرار می گیرد و می تواند به یکباره کل هستی ما را نابود نماید.

اما راه حل اساسی برای مقابله با عوامل نامطلوب و آسیب زا درونی و بیرونی، بهره گیری از راهکارهای فرهنگی است. فرهنگ ها راه حل روبرو شدن با عوامل آسیب زا درونی و بیرونی را به ما می آموزند.

فرهنگ های متعالی به ما می آموزند که از مقابل عوامل نامطلوب و آسیب زا فرار نکنیم و با بهترین شیوه ای که می توانیم با آن ها روبرو شویم. بدین ترتیب به کمک فرهنگ، فراگیری حفظ تعادل در برابر آسیب ها از طریق حفظ و ثبت تجربه های درونی و بیرونی و انتقال به نسل بعد امکان پذیر می شود.

بدین تعریف فرهنگ شیوه زندگی کردن و حفظ تعادل در برابر آسیب های مختلف است.

تحلیل قدرت در عرصه زندگی



قدرت بدین دلیل ارزشمند است که به شکل فایده‌مندی ما را در دستیابی به آرزوها و آرمان‌هایمان کمک می‌نماید. فایده‌گرایی و رفاه از عناصر قابل پذیرش در عصر حاضر است که مورد تشویق و ترغیب بسیاری از نخبگان سیاسی و اجتماعی قرار گرفته و تبلیغ می‌شود. از سوی دیگر می‌توانیم ارزش واقعی قدرت را در توانایی دستیابی به اهداف جمعی اجتماعی و دستیابی به حقوق انسانی و اهداف نیک انسانی تلقی نماییم. دستیابی به ارزش‌های اخلاقی، دستیابی به نظام اجتماعی پیشرفته و یا به نظام اقتصادی اصلاح‌گر و بسیاری از اهداف و آرمان‌های ارزشمند را می‌توان شمارش کرد که قدرت می‌تواند برای تحقق آنها مؤثر و کارساز باشد. آیا ارزش واقعی قدرت در دستیابی به خواسته‌هاست؟ این‌گونه تصور از قدرت مانند این است که در مورد زندگی بگوییم ارزش زندگی به دستیابی به رفاه یا دستیابی به حقوق انسانی است. اگرچه این گفته غلط نیست اما نگاهی ناقص به زندگی است. قدرت به‌عنوان عرصه زندگی بستر است برای جریان یافتن توانایی‌های بشر در راستای اهداف مورد نظر، اگر این اهداف عالیه باشد بستر قدرت در خدمت اهداف عالیه قرار می‌گیرد و بالعکس.

ادیان الهی تلاش کرده‌اند عرصه زندگی را در خدمت دستیابی به اهداف عالیه الهی قرار دهند و بالطبع قدرت نیز بستر برای تحقق اهداف عالیه الهی است. این سؤال را می‌توان مطرح کرد که آیا بدون داشتن قدرت می‌توان زندگی نمود؟ اساس زندگی و هدایت الهی براساس کسب توانایی‌ها و مواهب الهی است و خداوند برای انجام هر کار تدبیر و مسیری را مشخص نموده است که نیازمند کسب و صرف قدرت است. (البته مفهوم قدرت در آنچه ما تعریف کردیم و آنچه دیگران به‌عنوان زور و اجبار و برتری و

قدرت عرصه‌ای جدا از زندگی روزمره نمی‌باشد و تمام فعالیت‌های روزانه مردم جز با بهره‌گیری از قدرت امکان‌پذیر نمی‌باشد، قدرت بیولوژیک، قدرت اجتماعی، قدرت منابع انسانی، قدرت تولید، قدرت ارتباط و هزاران نوع از قدرت عرصه واقعی زندگی است. کسانی که کوشش کرده‌اند قدرت را در حوزه سیاسی و در حکومت یا دولت و در حوزه اجبار و زور و سخت افزار تعریف نمایند موجب شده‌اند که تعریف ناقصی از قدرت در یک حوزه پذیرش عمومی یابد. در حالی که هرگونه فعالیت انسان‌ها نیازمند تخصیص منابع و خارج کردن منابع از قوه به فعل و همسو کردن اجزاء به سمت اهداف به معنای تولید قدرت می‌باشد. قدرت می‌تواند در خانواده، در گروه، در کارخانه، در روستا، در شهر، در دولت و در هر نقطه زمانی و مکانی و در هر سطحی جریان داشته باشد. هر فرد، گروه، انجمن، سازمان یا نهادی که بتواند با سازماندهی امکانات و ابزارها منابع را به جریان اندازد و جریان را اداره نماید؛ وارد عرصه قدرت شده است. عدم تعریف نظام مند در حوزه قدرت؛ موجب پدید آمدن رهیافت‌های گوناگون در علم سیاست شده است که در اکثر موارد گرفتار توجه روابط و رفتار سیاسی در سطح اولیه فردی و جمعی می‌شوند و از تحلیل رول‌های قدرت در عرصه زندگی باز می‌مانند. گروهی بکارگیری اندیشه اخلاقی در عرصه روابط و عمل سیاسی را بررسی می‌کنند و گروهی به مطالعه نهادهای سیاسی و قواعد و رویه‌ها و سازمان‌های رسمی نظام سیاسی می‌پردازند و گروهی نیز به رفتارها و انتخاب عقلانی در علوم سیاسی می‌پردازند... در حالیکه شناخت دقیق از قدرت می‌تواند در کلیه رهیافت‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی پاسخگو باشد. ارزش واقعی قدرت در چیست؟ ممکن است معتقد باشیم که

وحی و نبوت کارکردی مستقل و مجزا از تأثیر اجزاء و تعادل یک مجموعه ندارد و با دیگر اجزاء و کل جامعه ارتباط و نقش مؤثر و قوام بخش و متعادل کننده دارد.

قدرت در حوزه تمدنی بشر؛ گام به گام در تسخیر طبیعت مؤثر بوده است و در بسترسازی تمدن ها نقش اساسی داشته است. علم و دانش، کار و پیشرفت، فرهنگ و قلم و صنعت و معدن و نجوم و طب و حساب همگی از مصادیق قدرت تمدن ساز بشر بوده اند. از آنجا که پیامبران الهی در بسترسازی همه موارد مذکور نقش مؤثر داشته اند می توان گفت که پیامبران در قدرت سازی حوزه تمدنی بشر نقش مؤثر و کارساز داشته اند.

وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا (نبا آیه ۱۱)

وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ (جاثیه ۱۳)

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ وَكُلَّهَا (بقره ۳۱)

وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيَتَحَضَّكُم مِّن بَاسِكُمْ (انبیاء ۸۰)

وَالنَّارُ لَهُ الْحَدِيدُ (سبا ۱۲)

واضع الفلك باعیننا و... (هود ۳۷)

أَطْلَبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ (حدیث نبوی)

پیامبران الهی خود زمینه ساز قدرت برای بشر بوده اند، قدرت جذب و جلب نظر کردن و نفوذ و متقاعد ساختن دیگران در دست پیامبران آشکار و روشن است. سرچشمه های فزاینده قدرت نزد پیامبران فرهنگ سازی و ایجاد جذابیت ارزش ها و تضعیف عملکردهای ناسازگار و بکارگیری سیاست های فراگیر و مشروع و دارای اعتبار اخلاقی و نهاد سازی و اندیشه های جذاب بوده است و مهارت شهودی آنها در تشخیص راهبردها و انتخاب تاکتیک های مناسب را نمی توان فراموش کرد. مگر عمل و رفتار پیامبر سترسازی و بکارگیری قدرت تعبیر دیگری دارد؟ پیامبران الهی تولیدکنندگان رسمی قدرت هستند و آنها را به مومنین آموزش داده اند. مگر پیامبران اساسی ترین نوع قدرت مشروع نبوده اند که توانایی شکل دادن به خواسته های مردم را داشته اند و مگر دین منبع اصلی قدرت و قدرت سازی نیست. در واقع هدایت و قدرت الهی به دست پیامبران صورت عینی و عملی به خود گرفته است و آموزه های مؤثر آنها برای بشر راهنما بوده است. قدرتی که در طول تاریخ و امروزه در دست افراد و جوامع غیردیندار وجود دارد نه از بابت بکارگیری روش های غیردینی است بلکه از آن جهت بدست آمده است که اتفاقاً نتیجه بکارگیری آموزه های دینی است که بجای اهداف الهی اهداف شیطانی جاسازی شده است و متأسفانه به مومنین اجازه فهم دست و برداشت صحیح از قدرت الهی وحی و دین الهی داده نشده است.

بخشی از کتاب کیک قدرت - لطف اله سیاهکلی و محسن

فردرو-۱۳۹۴- انتشارات مه آسا

تحمیل عقاید گفته اند متفاوت است).

هدف از داشتن قدرت چیست؟ و اثر یا منفعت داشتن قدرت کدام است؟ برای آنها که جز هدف مادی و غرض دنیایی هیچ غایتی وجود ندارد؛ داشتن قدرت در راستای تأمین اهداف مادی شان است و هدف آنها از داشتن قدرت رسیدن به بیشترین خواسته های مادی است. پس آنها هدف و غایتی که دنبال می کنند رسیدن به همان فایده و اثر و بهره دنیایی آن است. در این دسته افراد یا جوامع هدف و اثر قدرت با یکدیگر یکی است و هدف تا حد درجه منفعت مادی تنزل یافته است. در حالی که در بین افراد و جوامع الهی هدف و اثر قدرت متفاوت است. داشتن قدرت برای افراد ایمان آورده دستیابی به کمال معرفت پروردگار است و اثر آن ظهور استعداد های بالقوه و رشد و بالندگی و ارتقای بشری و انجام تکالیف و اجرای احکام و تعالیم شریعت است. همچنین داشتن قدرت موجب آرامش روح و اطمینان خاطر و امنیت روانی و اجتماعی می شود و آدمی را در امواج متلاطم دنیایی و در مقابل مسائل و مشکلات زندگی سربلند می سازد. برخلاف تصور برخی تنگ نظران، مومنین آن گروهی نیستند که از کسب قدرت محروم مانده اند و با پستی و خواری و نداشتن امکانات لباس زهد پوشیده اند (نهج البلاغه خطبه ۳۲) و یا آنانی نیستند که شمشیر کشیده و با لشکر کشی سواره و سپاه، شرشان را آشکار نموده اند و در زمین دست به فساد زنند، بلکه مومنین در دینداری و تکلیف مداری نیرومند و دور اندیش و در سختی ها بردبار و مردم به خیرشان امیدوار و مردم از آزار و اذیت آنان در امان هستند و شهوتشان در حرام مرده و دارای نفسی قانع و در عبادت الهی متواضع هستند (نهج البلاغه خطبه ۱۹۳) و در این شرایط صلح و امنیت جوامع بشری را فرا خواهد گرفت. داشتن قدرت در مومنین موجب اقامه قسط و عدالت اجتماعی و حفظ حیات انسانی و ترویج نیکی ها می شود.

قدرت در مرحله اول محصول اعتقادات و ضمیر باطنی افراد و جوامع یا باصطلاح نتیجه رهیافت روان شناختی و انگیزی است. دوم اینکه قدرت محصول کشفیات و ابتکارات بعضی انسان ها و جوامع است و سوم اینکه قدرت محصول تجربه و آگاهی و شعور انسانی است، چهارم، قدرت محصول تکثیر تجارب و دانش و تجمع منابع است و پنجم نتیجه عمل و به جریان انداختن عناصر مذکور است. قدرت برای ایمان آورندگان، دسته ششمی نیز دارد و آن اینکه قدرت محصول و ره آورد وحی و نبوت است. بر این اساس انسان برای داشتن قدرت نیازمند ندای بیرون از عقل و فطرت است و عقل انسانی توانایی شناخت بعضی مصالح و مفاسد دنیایی را به دلیل غریزه خودخواهی و منافع و محدودیت علم بشری ندارد. همچنین اهداف پیامبران فردی نبوده و دنیا، سیاست و حکومت در قلمرو اهداف پیامبران و در مسیر سعادت جمعی بشر و جلوگیری از ظلم و تبعیض است. قدرت در حوزه



انسان گذشته با انسان امروز متفاوت است

مردمان.

تاریخ گذشتگان نشان دهنده سواد و دانش و بینش آنها و یافته هایشان از مبدا و معاد است. ارزیابی میزان گذشت و فداکاری و جود و کرم و احسان و ارزش های انسانی و توجه به منافع جمع در انگیزه ها و اندیشه های آنان است.

بررسی تاریخ بررسی و محاسبه اندیشه سود و زیان افراد و جوامع و نحوه نگرش آنها به منافع فردی و جمعی بوده است. تاریخ بشر نشان دهنده گذشت ها و فداکاری های برخی افراد در از گذشتن منافع خود به نفع دیگران است و برعکس منفعت طلبی برخی در از بین بردن حقوق دیگران برای رسیدن به منافع زودگذر مادی. موضوع تاریخ جنگ ها و اختلافات و درگیری ها نیست بلکه تاریخ بشری تاریخ مسئله هاست. تاریخ معرفت انسانی و تاریخ مسئله های فکری است.

میراث برای ما یک هبه است که بصورت مجانی از گذشتگان به ما هدیه شده است و ممکن است قدر آن را ندانیم چون برای ساختن یا یافتن آن زحمتی نکشیده ایم اما گذشتگان به صرف وقت و هزینه و حل مسائل گوناگون آن را ساخته و به ما هبه کرده اند. هویت ها بدنیاال این هستند که آدم ها را متحول کنند. میراث واقعی هویت ساز است در حالیکه برخی میراث ها فقط مرزبندی ها را مشخص می کنند و آدم ها را متحول نمی کنند. معمولاً میراث دینی و الهی هویت سازند و آدم ها را متحول می سازند و میراث ملی مرزبندی ها را تعیین می کنند اما شخصیت آدم ها را تغییر نمی دهند.

اندیشه های گذشتگان میراثی را ساخته است که دارای محتوا و مغز بوده است و در گذر زمان به مانند یک پوسته به ما رسیده است و ما لازم است دوباره از پوسته ها گذر کنیم تا به اندیشه ها و مغز ها برسیم. ادیان همیشه عنصر هویت ساز تاریخ بوده اند. اما مهمترین نقش آنان حقیقت یابی ادیان بوده است. میراث تاریخی میتواند هویت ساز باشد اما وقتی ارزشمند می شود که حقیقت یاب باشد. چرا که گاه هویت سازی فقط به مرزبندی و اختلاف اندازی و تفکیک خود با دیگران منجر می شود.

در موضوع میراث داستان آثار تاریخی روایت پوسته هاست اما ارزش واقعی آنان در ارائه مغز ها و محتوا و حقیقتی است که از آن سخن به میان آورده اند. میراث واقعی شخصیت ساز و تحول آفرین است و ما را در ساختن و اصلاح و پیشرفت جامعه آینده یاری می دهد. معرفت ساز و سازنده آینده است.

کارشناسان دفتر آینده پژوهی

اگر به تاریخ گذشتگان نگاه کنیم متوجه می شویم که انسان های دیروز با انسان های امروز متفاوت اند. تفاوت ها در ساخت و بکارگیری ابزارها به روشنی قابل مشاهده است اما ریشه تفاوت در ابزارها در مفاهیم و تصورات و پیش فرض ها و در غایات آنها با انسان های امروزی است.

پس ما و آنها در یک سرزمین زندگی کرده ایم اما در دو دنیای متفاوت هستیم. دنیای ما با آنها متفاوت است. کشف تفاوت ها راز و رمز کاوشگری انسان معاصر و جستجوگری اودر میراث گذشتگان برای تغییر شرایط زندگی در آینده است.

از سوی دیگر شباهت هایی هم بین انسان گذشته و انسان امروزی وجود دارد برای مثال همیشه انسان ها در طول تاریخ بدنیاال تصرف در طبیعت و ابزار سازی و افزایش سود و منافع خود بوده اند. اما غایت و اهداف آنها با انسان امروزی متفاوت بوده است. انسان امروزی کثرت طلبی و سود جویی را توجیه اخلاقی کرده و حتی در راستای دستیابی به منافع خود ارزش های اخلاقی را زیر سؤال برده و به منابع طبیعی هم رحم نکرده است. سعادت در تعریف انسان گذشته با تعریف انسان امروزی تفاوت یافته است. انسان تاریخی در مقابل جهان و طبیعت و دیگر افراد، تکلیف مدار است و انسان امروزی خود را از هر تکلیفی آزاد می داند و حق خود می داند که هرگونه بخواهد عمل نماید.

صحبت ما در اینجا و فعلاً از درستی این یا آن یکی نیست. صحبت از تفاوت ها و شباهت هاست و چگونگی نتیجه گیری کردن و بهره گیری از تجربه تاریخی و مطالعه گذشتگان و تاریخ است.

انسان گذشته در دو مقوله انگیزه ها و اندیشه ها با انسان امروزی متفاوت است. انگیزه ها هم از اندیشه ها تاثیر می گیرند و منشا عمل و تاثیر در جهان می شوند. بررسی تاریخ گذشتگان حکایت انگیزه ها و اندیشه های خوب و بد است که نتایج خوب و بد در عالم داشته است.

تاریخ گذشتگان حکایت کاربرد یا عدم کاربرد عقل و اخلاق در زندگی آدمیان است و داوری و ارزیابی اعمال آنها با عقل و اخلاق جامعه امروزی و نسبت سنجی بین اعمال گذشتگان و اعمال آدمیان و جوامع امروزی و تطبیق آنها با آراء دینی و الهی و بررسی میزان تاثیر گذاری پیام پیامبران الهی در جوامع گذشته.

نگاه به تاریخ می تواند حکایت شهوترانی های گذشتگان و خودخواهی و غضب و طمع فرمانروایان و جهل و جدال بین حق و باطل باشد. حکایت گره زدن عقل شیطانی به مشکلات و مسائل انسان ها و یا گشودن گره ها توسط عقل و اندیشه الهی بین

نقش های تعیین کننده در تولید و ترویج معرفت



شفاهی مورد بررسی قرار گرفته است. بالا رفتن رفاه و سطح زندگی از نیمه سده گذشته برنامه های ورزشی و تفریحی و گذران اوقات فراغت نیز در حوزه فعالیت های فرهنگی قرار گرفته است و مورد توجه می باشد. میزان استفاده از کالاهای فرهنگی و هنری و تفریحی و ورزشی تحت عنوان الگوی مصرف کالاهای فرهنگی میزان دسترسی و استفاده از این کالاها را سنجش می نماید. میزان استفاده افراد از انواع خدمات و تولیدات و کالاهای فرهنگی می تواند در شکل گیری شخصیت و معرفت آنها موثر باشد. مهم تر اینکه فعالیت های مصرفی کالاهای فرهنگی امروزه منشا مدرن ساختار هویتی افراد و گروه ها به شمار می رود و سبک زندگی ابزار توانمندی برای تحلیل الگوی های مصرف و تشخیص تمایز بین گروه های اجتماعی می باشد. بدین ترتیب مصرف کالاها در سبک زندگی بعنوان منبع هویتی و منبع معرفتی شناخته می شود و امروزه سبک زندگی نشان دهنده معرفت مشترک افراد در گروه های اجتماعی است. مصرف مبتنی بر نوعی ارزش گذاری آگاهانه و ناخودآگاه است و نمادی از قضاوت افراد و ذوق و سلیقه و حساسیت آنان و نشانه های از هویت و سطح و موقعیت فرد و دسترسی و انتخاب شخصی و گروهی است.

در برخی دیدگاه ها از فرهنگ به عنوان "معرفت مشترک" نام می برند. معرفت مشترک هنگامی شکل می گیرد که منابع تولید معرفت نیز مشترک باشند. منابع تولید معرفت منابعی هستند که فرهنگ را باز تولید، نشر و ترویج می دهند. ابزارهای فرهنگی نوعی منبع تولید معرفت به شمار می روند. در واقع اگر هر یک از ما منابع معرفتی جداگانه داشته باشیم و از منابع معرفتی متفاوت استفاده کنیم و این منابع معرفتی به یکدیگر نزدیک نباشند هر یک از ما بتدریج معرفتی حاصل می کنیم که با دیگری تفاوت دارد و بتدریج از یکدیگر دور می شویم.

استفاده از منابع تولید معرفت در چارچوب الگوی بهره مندی از ابزارهای فرهنگی تعریف می شود. در جهان امروز که رسانه ها نقش تعیین کننده در تولید و ترویج معرفت آحاد مختلف جامعه دارند؛ هر یک از ما ساعات و فرصت هایی را به استفاده از انواع رسانه ها اختصاص می دهیم. اختصاص زمان و فرصت استفاده از رسانه ها دانسته یا نادانسته از الگوهایی تبعیت می کند که به آن الگوی مصرف کالاهای فرهنگی و هنری نیز می گویند. ... کالاهای فرهنگی معمولاً در چهار محور رسانه های نوین؛ رسانه های سنتی؛ کالاها و تولیدات و فعالیت های فرهنگی و هنری؛ مکان ها و موقعیت های ارائه سنن

این گفته که «فقط وقتی آن را باور کن که آن را بینی» مدتهاست بی اعتبار شده است. امروزه، ۹۹ درصد تغییرات اساسی که بر زندگی بشر اثر می گذارد به شکل نامرئی به وقوع می پیوندد. آلبرت اینشتین متذکر شده است که «یک قدرت تصور شجاعانه» لازم است تا بتوان درک کرد که نه رفتار اجسام بلکه رفتار عاملی بین آنها، یعنی حوزه یا میدان، مهم است. ... با به کار بردن قدرت تصور، می توان درکی از آنچه در عمیق ترین سطوح طبیعت وجود دارد به دست آورده آن را در درون چارچوبی قرار داد که این کشفیات را بتوان در زندگی عادی به نحو مؤثرتری به کار برد. نیاز حیاتی برای گذار از نقطه انفصال عبارت است از تصور آنچه نمی توان دید. فقط به این طریق می توانیم، مانند دانشمندانی که انقلاب تکنولوژیک را خلق کردند، نیروهای طبیعت را آزاد نموده و در زندگی خود به کار بریم. حال نکات کلیدی این جهان بینی را بررسی می کنیم.

اول: چگونه تغییر به وقوع می پیوندد؟

برخلاف جهان بینی منطقی که می گوید: تغییر فرایندی گام به گام و تدریجی است. جهان به صورتی منطقی و عقلانی عمل می کند. جهان بینی خلاق می گوید: فرایند خلاقیت نیروی مجرب کل طبیعت را تشکیل می دهد. فرایند خلاق و پویای طبیعت با امکان پذیر ساختن اتصال تفاوتها - اشیاء، عوامل، و موجودیتهای متفاوت - و بدین ترتیب ایجاد دستاوردهایی کاملاً جدید، تغییرات نقطه انفصالی را ممکن می کند. این که چگونه استعداد هر موجود رشد یابنده، چه یک بلور کوارتز باشد، یا یک فرد یا یک سازمان، تحقق می یابد، نیاز به درک جهان نامرئی اتم ها و نحوه عملکرد آنها دارد. از آنجا که جهان اتم ها و زیر اتم ها (subatoms) اجزای تشکیل دهنده همه چیزهاست، درک این که اتم ها چگونه عمل می کنند برای فهم چگونگی حادث شدن تغییر امری تعیین کننده است. چنین درکی آشکار خواهد ساخت که اعتقاد به پیشرفت منطقی و مرحله به مرحله طبیعت را می توان با دیدگاهی دقیق تر این که همه چیزها در طبیعت به نحوی پویا خلقتند - جایگزین نمود.

در حوزه نامرئی جهانی اتمی، علم جدید کاملاً مفهوم یک جهان مادی علت و معلولی منظم و قابل پیش بینی را فرو ریخته است. آشکار گردیده که ماده در دو حالت همزمان وجود دارد - هم به صورت یک ذره مادی و هم به صورت عاملی جدید که قبلاً دیده نشده بود، عاملی موسوم به موج، معما در آن است که یک ذره از یک جسم مادی، دارای جرمی است که فضایی معین و محدود را اشغال می کند، چیزی شبیه یک توپ بیلیارد. واقعیت موج که به همراه جسم می آید از یک میدان نامرئی تشکیل گردیده، در فضا پراکنده است و نمی توان مانند یک جسم مکان آن را مشخص نمود، و دارای جرم و موجودیت مادی نیست. روشن شده است که همه چیز در جهان ما دارای جنبه هایی است که به نحوی از انحاء همزمان هم جامد و هم نامرئی است. جهان فقط دارای وضعیت مادی نیست که

تغییرات اساسی که بر زندگی بشر اثر می گذارد



ممکن است سؤال کنید چگونه می توانم این اطلاعات را در زندگی خود، در مورد خانواده ام، با کمک به سازمانم به کار برم؟ به عنوان بخشی از طبیعت، شما نیز در دو حالت هم زمان وجود دارید - بودن و شدن... شما آینده خود را در همین لحظه با خود در ذهن تان حمل می کنید. افکار شما امکانات بالقوه - استعدادهای - موجی شما را تشکیل می دهد. حالت موجی نامرئی شما در درون خود حالات احتمالی آینده زندگی بیا را دارد. موج امکانات بالقوه شما، موج کودکان شما، موج سازمان شما، مهم ترین عوامل در خلق آینده در شرف ظهورند.

افرادی که به نحوی خارق العاده موفق اند این واقعیت موجی را از طریق شهودی درک نموده و آن را به کار می برند. هنری فورد چنین اظهار نظر نموده است، «چه فکر کنی می توانی، چه فکر کنی نمی توانی، فکر دقیقاً تحقق خواهد یافت». داستان های فردی بی شماری از دستاوردهای استثنایی و مطالعات پژوهشی بسیاری، قدرت پیش بینی های خود تحقق بخش self-fulfilling prophecy را مورد تأیید قرار داده است. اعتقاد - یا فقدان آن در مورد یک امکان آینده به نحوی پویا در نتایج اثربخش است. سورن کی یر کگارد (Soren Kierkegaard)، فیلسوف دانمارکی، پیوسته افراد را برای آن که به یک «جهش ایمان» مبادرت کنند به چالش می طلبید تا بتوانند منابع خلاقیت خود را به کار گرفته و رؤیاهای خود را تحقق بخشند. ...

هر یک از ما تصویری از این که در این لحظه کی هستیم، و تصویری دیگر از امکانات مان را با خود حمل می کنیم. آن تصویر آینده احتمالی ما نوعی رؤیای مبهم نیست بلکه واقعیت اساسی و پرتوان خود را دارد. تصویر نامرئی درست مانند جهانی که می توانیم لمس کرده، ببینیم و احساس کنیم واقعی است. ما در همه اوقات دو تصویر را با خود حمل می کنیم - آنچه هستیم و آنچه می توانیم باشیم. هر دو به یک اندازه در زندگی دارای اهمیت اند. یکی مرئی و قابل لمس است و دیگری نامرئی و غیر قابل لمس. خلاقیت شما در آن تصاویر تجسم و تبلور یافته است. موج عبارت از امکانات و استعداد های تحقق نیافته هر نظامی است. در موج شدن شما امکانات و استعداد های شکوفا نشده شما نهفته است.

امکانات حالت موجی جهان مادی، از طریق تکنولوژی با ساختن جهانی که حتی انیمیاگران تحقق آن را به خواب نمی دیدند به منصف ظهور درآمده است. چنان که قبلاً دیدیم، ثابت شده که توانایی تبدیلی شدن به تراشه های سیلیسیم حتی از طلا است. با توجه به آنچه به وسیله دانشمندی که در سطوح اتمی و زیر اتمی ما می کنند روشن شده است، مجسم کنید. اگر انسان ها آگاهانه و سنجیده شروع به کاربرد واقعیت موجی خود کنند، به چه دستاوردهای خارق العاده ای نائل خواهند آمد.

وقتی انسان ها استفاده از امکانات و استعداد های ذهنی خود را از طرقی کاملاً جدید آغاز کنند، وضعیت های آینده بشریت را

بتوان با حواس پنجگانه وجود آن را حس کرد. همچنین واضح گردیده است که جهان نه منطقی و نه عقلانی است.

در حیطه علم واژه موج به معنی موجی که از انداختن سنگی در آب پدید می آید نیست بلکه الگویی است در زمان و مکان که به همراه ماده وجود دارد. این نوع موج بیشتر شبیه موج جنایت یا مرج فروش در بازار بورس وال استریت است.

در فیزیک، موج در حقیقت شرحی از وضعیت های احتمالی در زمان های مختلف آینده یک ذره مادی است. کلیه اجزای تشکیل دهنده که دنیای فیزیکی را می سازند در وضعیت حاضر خود موجی از امکانات و استعداد های آینده را با خود حمل می کنند. بدین ترتیب، در آن واحد دارای هر دو وضعیت بودن و شدن هستند.

حالت موجی یک اتم امکان و استعداد نوترون ها، پروتون ها، و الکترون ها را برای نیل به مجموعه امکاناتی عظیم با خود حمل می کند، بدون حالت موجی، امکانات خلاق جدید نمی تواند حادث شود و در آن صورت اتم ها خنثی یا مرده می بودند، فاقد توانایی رشد و اتصال. موج در واقع عبارت از روش طبیعت برای اتصال و گرد هم آوردن اتم ها و مولکول ها است. پدیده موج دنیای ما را منسجم و پیوسته نگاه می دارد. اتم ها بدون موج استعداد های شان به یکدیگر برخورد کرده و از هم دور می شدند و قادر به ادغام نمی بودند. به علت آن که موج یک اتم می تواند به اتم دیگر ملحق گردد، امکانات جدید به وجود می آید. این درست مانند آن است که شما دست خود را دراز کرده با شخص دیگری مرتبط شوید که در آن صورت حوزه وسیعی از امکانات پدیدار می شود.

موج استعداد های ما اساساً عبارت از باورها، طرز فکرها و فرضیات ماست. افکار نامرئی ما، که در واقع همان امواج نامرئی ما هستند، یکی از نیرومندترین راه های اتصال و ارتباط ما با یکدیگر و یا قطع ارتباط ماست، و

زمانی هایزنبرگ (Heisenberg)، یکی از فیزیکدان های بزرگ، این حالت موجی را چنین توصیف نمود، "منظور گرانش به سوی چیزی است. جنبه کمی مفهوم قدیم استعداد (Potential) در فلسفه ارسطویی است، چیزی را که بین ایده یک واقعه و وقوع آن واقعه ایستاده است معرفی می کند، نوع عجیبی از واقعیت فیزیکی در فاصله بین امکان و واقعیت است."

نوترون ها، الکترون ها، و پروتون ها موجی با خود حمل می کنند که به همان اندازه واقعی مشخص و مهم است که خود جسم واقعی است زیرا آینده ای که در موج وجود دارد، به وقوع خواهد پیوست. اگر درک نکنید که موج بخشی از ماده است، فرصت استفاده از امکانات آن را از دست خواهید داد. این کشفی عمده در افشای راز جهان اتم و زیر اتم است. فقط با این دانش و استفاده از واقعیت وجود موج، دستاوردهای سد شکنانه و خارق العاده علم و تکنولوژی مدرن به وقوع پیوسته است.

جایگاه و قدرت رسانه ها در شکل گیری افکار عمومی

در این زمینه نظریه های متفاوتی وجود دارد و ما ضمن تایید نقش رسانه ها در شکل گیری افکار عمومی، ابتدا این نظریه ها را به طور خلاصه تشریح، و در ادامه تأثیر رسانه ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم.

۱. نظریه تزریقی یا تأثیر نامحدود

براساس این نظریه می توان پیام را به نحوی تجویز کرد که در ذهن و قلب مخاطب اثر بگذارد در حدی که تأثیر مورد نظر فرستنده پیام در او ایجاد شود. براساس این نظریه پیام مثل ماده داخل سرنگ می ماند که وقتی به بیمار تزریق شود تأثیر مورد نظر در آن ایجاد می شود. پس رسانه ها سازنده تمام و کمال افکار عمومی هستند. در بین عناصر ارتباطی تکیه بر روی پیام است که خوب طراحی می شود و اثر خود را روی مخاطب می گذارد. مخاطب منفعل است و نقشی ندارد.

آنچه مسلم است این نظریه در زمان جنگ جهانی اول و دوم از طرف کافلین مطرح گردید و کاربرد یافت. هیتلر و موسیلینی از طرفداران این نظریه بودند.

۲. نظریه استحکام (تأثیر محدود)

براساس این نظریه قدرت پیام رسانه محدود است. رسانه ها فقط می توانند عقاید موجود را تقویت کنند. به عبارتی رسانه ها تغییرات بنیادین در افکار عمومی ایجاد نمی کنند.

در بین عناصر ارتباطی به مخاطب توجه می شود، مخاطب پویاست.

این نظریه توسط برلسون و لازار سفلد در زمانی که نظریه تزریقی حاکم بود بیان شد. بر این اساس ارتباطگران همین که دیدند زمینه موجود است و مردم آمادگی پذیرش پیام و مسائل مرتبط با آن را دارند به آن دامن زده و توجه مردم را به آن

نمی توان حتی برآورد کرد. نمونه های بارزی از زندگی آن افراد خلاق را که به نحوی شهودی امکانات طبیعی خود را درک کرده اند بررسی کنیم.

نورمن کازنز (Norman Cousins)، پس از مشاهده آنچه در زندگی خود و افراد بسیاری که با آنها کار می کرد به وقوع پیوست، نتیجه گرفت، «بی تردید حتی تجسم جهانی که در آن به امکانات و استعداد های خود اجازه بروز دهیم تصویری بسیار هیجان انگیز است. ما هنوز گونه ای هستیم شکوفا نشده که همه امکانات خود را به کار نبرده است.» در ذهن آگاه خود، فقط ماده فیزیکی را مشاهده می کنیم و واقعیت موج امکانات، نامرئی است و فقط در تصورات قابل مشاهده است.

کارل یونگ چنین گفته است، "روان نمی تواند از جسم کاملاً متفاوت باشد، زیرا در غیر این صورت چگونه می تواند ماده را به حرکت وا دارد. و ماده نمی تواند از روان بیگانه باشد، زیرا چگونه می تواند روان را ایجاد کند... اگر تحقیقات به اندازه کافی پیش رود، احتمال زیادی وجود دارد به توافق بین مفاهیم فیزیکی و روانی منجر گردد." |

اگر آنچه را درباره شیوه عملکرد طبیعت درونی و فرایندهای روانی مان می دانیم با آنچه درباره ماهیت جهان فیزیکی آموخته ایم ترکیب کنیم، می توانیم بسیاری از تضادهایی را که مدت هاست علم متعارف با آن روبروست حل کنیم.

سر آرتور ادینگتون گفته است که اگر ذهن ما محتوی آن «چیزی» باشد که در کائنات وجود دارد، ما کلیه دلایل لازم را برای آن که باور داشته باشیم فرایندهای ذهنی ما منعکس کننده آن قوانین طبیعی است که جهان فیزیکی ما را هدایت میکند و در واقع گسترشی از آن قوانین است دست داریم. تفاوتی اساسی بین پدیده کل جهان و کوچکترین ذرات آن وجود دارد درست همان طور که تفاوتی بین عملکرد ذهن و ماده موجود نیست.

از کتاب: آینده خلاقیت و خلاقیت آینده



رسانه ها و پیام ها دست به انتخاب می زند. (د) مخاطب چون به نیازهای خود آگاه است از بین مجموعه رسانه ها و پیام ها دست به انتخاب می زند. پس یکی از دلایل رویکرد مردم ایران به ماهواره به واسطه ضعف رسانه های خودی است. یا اگر شایعه در سازمانهای دولتی سریع رشد می کند، نتیجه عدم اطلاع رسانی، یا ابهام در اطلاع رسانی است. کارمندان نیاز خود را از کانال های غیر رسمی به دست می آورند.

۶. نظریه وابستگی

براساس این نظریه پیام بر دانش و تفکر افراد موثر است. مثل نظریه تزریقی می اندیشد؛ اما یک تفاوت با آن دارد و آن اینکه مخاطب اعتیاد پیدا می کند. مخاطبان با توجه به نیاز به سمت یک رسانه کشیده می شوند و تداوم نیازها وابستگی ایجاد می کند. هر چه نیاز مخاطبان بیشتر باشد وابستگی بیشتر و هر چه وابستگی بیشتر باشد تاثیر بیشتر است. مخاطب مجدداً منفعل می شود؛ چرا که او به دو دلیل به رسانه ها وابسته است. الف. بهداشت اطلاعات (نیاز به خبر و اطلاعات) ب. فرار از واقعیت ها (تفریح)

۷. نظریه مارپیچ سکوت (نوئل - نیومن)

او رابطه میان ادراک نظر اکثریت و نظر خصوصی در مورد موضوع های مختلف را تحلیل می کند. بنابراین نظریه، آنها که با مصرف برنامه های رسانه ای متوجه می شوند که نظری برخلاف نظر اکثریت دارند از تنها ماندن در جامعه بیم دارند و ترجیح می دهند ساکت بمانند.

به این ترتیب، هر چند ممکن است این اشخاص از نظر تعداد، اکثریت را تشکیل دهند، سکوت آنها، در نهایت، نظر اقلیت را تقویت می کند. این نظریه «مارپیچ سکوت» نام دارد، زیرا، به عقیده این پژوهش گر آنها که تصور می کنند در اقلیت هستند، تمایل دارند بیش از پیش سکوت نمایند و مارپیچ سکوت، نظر خام در رسانه را به نسبت تقویت می کنند و در نتیجه کار به تقویت «وفاق عمومی» می انجامد. در چنین وضعیتی نظر حاکم میدان بازتری برای خودنمایی پیدا می کند و به حذف تدریجی هر نظر دیگر منجر می شود و به این ترتیب «مارپیچ سکوت» شکل می گیرد.

نیومن معتقد است اگر سه ویژگی ارتباط جمعی، انباشت، هم صدایی و همه جایی، با هم جمع شوند، رسانه ها در شکل دهی به افکار عمومی نقش اساسی می گذارند.....

از کتاب ارتباطات؛ افکار عمومی و جنگ روانی - علی اکبر رضایی و محسن فردرو و همکاران - انتشارات عباسی چاپ اول

جلب می کنند: مثلاً در زمان جنگ اخبار مربوط به جنگ زودتر مورد پذیرش قرار می گیرد.

۳. نظریه دو یا چند مرحله ای ارتباط

براساس این نظریه پیام وسایل ارتباطی ابتدا به رهبران عقاید یا رهبران فکری می رسد و از طریق آنها به مخاطبین واقعی (مردم) منتقل می شود.

براساس این نظریه رهبران عقاید تنها نقش گزینش خبر را ندارند؛ بلکه اخبار را براساس دیدگاه های خودشان دستکاری کرده و به مخاطبین منتقل می کنند. الهی و کاتر و لازارسفلد این نظریه را ارائه کرده اند.

اگر اخبار رسانه ها مورد توجه رهبران فکری واقع نشود؛ در افکار عمومی تأثیر گذار نخواهد بود.

گاهی اوقات رسانه یا رسانه های همسو با کمک رهبران عقاید پیام را برجسته می کنند و به مخاطب می دهند. پس با این دیدگاه افکار عمومی را رهبران فکری می سازند. اگر رهبران فکری بخواهند جریان ارتباطی را قطع کنند با سکوت خود این کار را انجام می دهند.

۴. نظریه برجسته سازی

این نظریه می گوید؛ رسانه ها در انتقال پیام ها نوعی برجسته سازی یا اولویت به وجود می آورند، به عبارت دیگر رسانه ها نمی توانند تعیین کنند که مردم چطور بیاندیشند. اما قادرند به مردم بگویند درباره چه فکر کنند و از این طریق تأثیر کمی بر مخاطبان دارند. ساده تر اینکه رسانه ها با انتخاب تیترهای بزرگ، مخاطب را هدایت می کنند که چه مطالبی را بخوانند، البته محتوای آن موضوع مورد توجه نیست بلکه در تیتیر برجسته کردن یک اولویت دهی به مخاطب می شود و تأثیر فقط در رفتار مخاطب است. البته این تأثیر هم خیلی عمیق نیست. مک کامب و شاو این نظریه را طی سالهای ۱۹۶۵-۱۹۷۱ ارائه کردند.

۵. نظریه استفاده و خشنودی

در شکل دهی افکار عمومی براساس این نظریه مخاطب به نیاز خود آگاه است و به دنبال اطلاعاتی می رود که دوست دارد و طالب آن است بدین منظور:

الف) مخاطب پویا است و براساس نیاز خود تلاش می کند و مطالب مطلوب را بدست می آورد.

ب) رسانه ها برای تأمین نیاز مخاطبان با هم و با دیگر پدیده ها رقابت می کنند. اگر چه زمانی که مخاطب حق انتخاب دارد رقابت صورت می گیرد.

ج) مخاطب جستجوگر است و روش های مختلف را تجربه می کند. (د) مخاطب چون به نیازهای خود آگاه است از بین مجموعه

رقابت. ماهیت اصلی رفتار اجتماعی در جوامع انسانی

همتایی برای افراد و سازمان ها و کانون های قدرت فراهم می آورد که می توانند پشتیبانان و متحدانی را بسیج کنند تا از قواعدی که آنها بر چگونگی رقابت وضع کرده اند حمایت نمایند. برای مثال کشورهای غربی تلاش می کنند از طریق ایجاد سازمان های جهانی قواعد و ضوابطی را بر دنیا حاکم کنند و اگر مورد پذیرش مردم جهان واقع شود، آنها اقتدار و توانمندی پیدا می کنند تا شیوه عمل افراد و جوامع دیگر را بر اساس قواعد خود اداره کنند.

به عنوان مثال اگر قواعد مورد نظر غربی ها توسط آژانس انرژی هسته ای مورد پذیرش افکار عمومی جهان قرار داشته باشد؛ برای جوامع غربی این اقتدار فراهم می شود که بر عمل دیگر جوامع در دستیابی به انرژی هسته ای تسلط داشته باشند.

پس هر فرد یا جامعه برای داشتن اقتدار بیشتر لازم است افکار عمومی جامعه یا دیگر جوامع را در مورد قواعد حاکم بر رقابت اقناع نماید و اقناع، پذیرش و قبول افکار عمومی موجب پدید آمدن اقتدار و پایداری و ماندگاری بیشتری برای آن جامعه می شود.

کتاب انسان شناسی فرهنگی - محسن فردرو - چاپ اول - ۱۳۸۷ ناشر رمز

مورد نظر خود را بر دیگران اعمال کنند که این خود تنش های دیگری نیز بر کشمکش های قبلی می افزاید. اگر تصمیمات اجتماعی و قواعد حاکم بر رقابت توسط افکار عمومی یک جامعه پذیرش شده و مورد قبول واقع شود محیط از حمایت و پیوندهای مردمی برخوردار می شود و ثبات اجتماعی بیشتری پدید می آید.

در قرون اخیر بشر نشان داده است که سازمان های سیاسی کشورها برای دستیابی به منافع بیشتر، قواعد مورد نظر خود را بر دیگر جوامع، حاکم یا تبلیغ می کنند تا افکار عمومی مردم و دیگر ملت ها پذیرش ذهنی یا پذیرش اجتماعی بلند پروازی ها و سلطه آنها را برای بدست آوردن سهم بیشتر از منابع کمیاب جهان داشته باشند.

پذیرش افکار عمومی موجب پدید آمدن اقتدار بیشتر می شود، همچنین اگر تصمیمات و قواعد حاکم بر رقابت کانون های قدرت مورد پذیرش مردم و مشارکت آنها قرار گیرد موجب می شود مردم به تعداد بیشتر و هدف های واحدتری متحد شوند.

توافق بر سر نوع رقابت و ضوابط و قواعد حاکم بر رقابت، تحکیم کانون های قدرت را فراهم می آورد و اقتدار توانایی بی

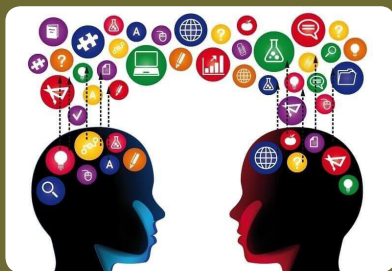
شرایط و منابع کمیاب در جهان هستی موجب پدید آمدن رقابت بین افراد بشر و جوامع انسانی می شود و انسان ها برای دستیابی به شرایط و یا منابع یا پاداش های بهتر با یکدیگر رقابت می کنند. اگر قواعدی حاکم بر نحوه رقابت ها نباشد و شیوه و روش های صحیح رقابت وجود نداشته باشد، درگیریها و کشمکش های افراد و جوامع افزایش و شدت می یابد. انسان شناسان سیاست را فراگرد تصمیمات اجتماعی و تثبیت قواعد حاکم بر رفتار رقابت گونه افراد، گروه ها و جوامع انسانی می دانند تا درگیری های بین افراد، گروه ها و جوامع را کاهش دهند.

از آنجا که تصمیمات و نوع قواعد حاکم بر رفتار افراد و گروه ها و جوامع در رقابت و نفوذ بر دیگران متفاوت اتخاذ می شود، رفتارهای اجتماعی و سیاسی جوامع با یکدیگر متفاوت بوده و امکان قاعده مند کردن رقابت بین همه جوامع پدید نمی آید و کشمکش ها و نزاع های بین افراد و جوامع کاهش نمی یابد.

اگر جوامع بتوانند وجه مشترکی بین رفتار سیاسی پیدا کنند، امکان کاهش رقابت و درگیری بوجود می آید و در غیر اینصورت جوامع انسانی همیشه در تب و تاب این رقابت در کشمکش قرار دارند.

بعضی جوامع نیز تلاش می کنند قواعد





راهکارهایی برای افزایش هوش هیجانی

پرستو فصیح / روان‌رمانگر کودک و نوجوان

احساسات در جهت هدفی خاص برای تمرکز، توجه و ایجاد انگیزه در خود بسیار مهم است. افرادی که این خصیصه را دارند همیشه در کارهای خود نتیجه‌محور هستند، اهداف چالش‌برانگیز و مخاطرات آن را خیلی سریع حساب می‌کنند، خیلی سریع یاد می‌گیرند که چگونه بازده کاری خود را افزایش دهند؛ این افراد همیشه به توانایی‌های خود اعتماد دارند و نسبت به آینده امید دارند. مراحل خودآگاهی مطلوب به این شکل است که در ابتدا اهداف را رتبه‌بندی کنید و میزان اهمیت هر کدام را مشخص کنید. این مسئله در گرو خودشناسی می‌باشد و هر چه خودشناسی‌تان بیشتر باشد، بهتر می‌توانید اهداف خود را براساس نیازهای واقعی اولویت‌بندی کنید و در نتیجه بهتر می‌توانید با چالش‌ها مقابله کنید.

۴) تشخیص و درک هیجان‌ها و احساسات دیگران (دیگر آگاهی): باید مشاهده‌گر خوبی باشید تا بتوانید احساسات دیگران را بشناسید و درک کنید. به پیام‌های کلامی و غیرکلامی به روش کارآمد توجه کنید. مهارت گوش‌دادن فعالانه، توجه به زبان بدن و همدلی، ابزار کارآمدی در رشد آگاهی اجتماعی هستند. یک تعریف همدلی، آگاهی و اشتراک در احساسات دیگران است؛ بنابراین تلاش کنید تا به احساسات افراد دیگر احترام بگذارید و آنها را ارزشمند بدانید. خود را جای دیگران بگذارید و ببینید اگر شما در آن موقعیت بودید چه احساسی را تجربه می‌کردید.

۵) مدیریت رابطه، هیجانات و احساسات دیگران (دیگر مدیریت): ما در هر رویارویی با دیگران، علائم عاطفی را ارسال می‌کنیم و این علائم بر افرادی که با ما هستند تاثیر می‌گذارند. هر قدر از نظر اجتماعی زیرک‌تر باشیم، بر علائم ارسالی خود کنترل بیشتری خواهیم داشت. مهارت‌های اجتماعی شامل هنر برقراری ارتباط‌ها و همچنین مهارت کنترل عواطف در دیگران است. توان برقراری ارتباط با دیگران در موقعیت‌های اجتماعی متفاوت، رهبری کردن، مذاکره بر سر درگیری‌ها و کار گروهی به عنوان بخشی از یک گروه و هر آنچه که به تقابل آرام با دیگران مربوط می‌شود، توانایی‌هایی هستند که اگر بتوانید در آنها به خوبی واکنش نشان دهید، روابط پایدارتری با دیگران خواهید داشت.

دنیل گلمن متخصص و نظریه‌پرداز، هوش هیجانی را اینگونه تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای مهمی که آن را هوش هیجانی می‌نامیم شامل توانایی‌هایی است که فرد بتواند انگیزه‌ی خود را حفظ نماید، در مقابل ناملایمات پایداری نماید، کامیابی را به تعویق بیندازد، حالات روحی خود را تنظیم نماید و نگهدارنده پریشانی خاطر، قدرت تفکر او را خدشه‌دار سازد، با دیگران همدلی کند و امیدوار باشد.» همچنین دیگر روانشناسان، هوش هیجانی را «توانایی بازنگری احساسات و هیجانات خود، تمایز میان آنها و به‌کارگیری این اطلاعات برای هدایت افکار و واکنش‌های خود» نیز تعریف کرده‌اند.

هوش هیجانی دارای ۵ مولفه است که اگر آنها را در خود پرورش دهید می‌توانید بر چالش‌های بیشمار زندگی خود فائق آید؛ این مولفه‌ها عبارتند از:

۱) شناخت و درک احساسات و هیجانات خود (خودآگاهی): پرورش خودآگاهی را با کار کردن روی احساسات خود آغاز کنید. خودآگاهی _ تشخیص هر احساس به همان صورتی که بروز می‌کند _ سنگ بنای هوش هیجانی است. احساسات‌تان را نامگذاری کنید و به جای نادیده گرفتن، آنها را به زبان آورید. مسئولیت‌پذیری بیشتری در مورد احساسات‌تان داشته باشید و تلاش کنید از آنها در تصمیم‌گیری‌هایتان کمک بگیرید. اشتیاقات درونی خود را کشف و نقاط قوت و ضعف خود را بشناسید. افرادی که سطح خودآگاهی بالاتری دارند، به دلیل اینکه توانایی خود را خوب می‌شناسند، همیشه از اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس بالایی برخوردارند.

۲) مدیریت و کنترل عواطف (خودمدیریتی): همچنانکه ما آگاهی خود را در مورد احساسات، هیجانات و اثرات آنها رشد می‌دهیم، نیز می‌توانیم توانایی خود را در جهت کنترل آنها بهبود ببخشیم. کسب ارزش‌های مثبت از هیجان‌ها را تمرین و احساسات منفی خود را مدیریت کنید. یاد بگیرید احساس خود را در همان لحظه‌ای که روی می‌دهد شناسایی کنید و واکنش‌های معقولانه و ارادی از خود نشان دهید. در همین راستا خویشتنداری، قابل اعتماد بودن و سازگاری با شرایط متفاوت را تمرین کنید.

۳) توانایی برانگیختن خود (خود انگیزشی): هدایت

نشاط اجتماعی در دوران پسا کرونا

معرفی:

دکتر عادلۀ فخری

تدریس:

- مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران و واحد الکترونیک
- مدرس دانشگاه های پیام نور
- تدریس دوره های روش تحقیق و طرح های پژوهشی
- برای موسسات مختلف از جمله آموزش و پرورش و دیگر

سازمان ها.

فعالیت اجرایی:

- مشاور پژوهشی کمیته امداد امام خمینی (ره) استان تهران.
- مشاور و همکار پژوهشی بانک توسعه تعاون.
- همکار و مجری پژوهشی دانشگاه تهران.
- مدیر مسئول انتشارات جامعه پژوهان برنا.
- و

طرح های پژوهشی:

- مجری طرح مطالعه وضعیت موجود سقط جنین عمدی در ایران ، برای مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی ایران.
- مجری طرح پژوهشی (سازمان ملی جوانان و ریاست جمهوری): با عنوان تمرکززدایی از کلانشهر تهران.
- همکاری در طرح پژوهشی با عنوان مطالعه میزان احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهر اراک و ارائه به نیروی انتظامی استان مرکزی.
- مجری طرح پژوهشی تاثیر معافیت سربازی بر سبک زندگی خانواده ها به سفارش کمیته امداد امام خمینی (ره)
- همکاری پژوهشی با نیروی انتظامی تهران بزرگ.
- همکار پژوهشی با دانشگاه امام حسین (ع) با عنوان مطالعه ابعاد اجتماعی جنگ نرم.
- مجری طرح پژوهشی آینده پژوهشی تاثیر وضعیت اقتصادی بر قشرهای آسیب پذیر (به سفارش کمیته امداد امام خمینی (ره)).
- همکار پژوهشی علل اجتماعی فرهنگی طرح ترور شخصیت های سیاسی (روانشناسی اجتماعی ترور) (به سفارش مرکز مطالعات نیرو انتظامی تهران بزرگ).
- همکار و مجری طرح های پژوهشی با بانک توسعه تعاون
تالیف کتاب
- جامعه شناسی اعتیاد و حاشیه نشینی (انتشارات نیل آی).
- نظریه های توسعه و کار آفرینی اجتماعی (در دست چاپ).
چاپ مقالات خارجی با عنوان:
مطالعه نقش فعالان اقتصادی منطقه خلیج فارس برفرهنگ و تمدن آن (ارائه در همایش بین المللی دانشگاه سنت اندروس اسکاتلند).
مقالات داخلی با عناوین:
- مطالعه و بررسی علل عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر گسترش سوء مصرف مواد مخدر در بین حاشیه نشینان؛ باراهنمایی دکتر سیف الله سیف الهی ننه کرانیوارائه به نیروی انتظامی تهران بزرگ و چاپ در مجله علمی -پژوهشی فصلنامه علوم اجتماعی گرمسار.



- مطالعه و بررسی نقش حاشیه نشینی در گسترش مسائل اجتماعی ایرانو چاپ آن در مجله علمی-پژوهشی نگرش های نو در جغرافیای انسانی.
- مطالعه و بررسی عوامل اجتماعی تاثیر گذار بر افزایش انگیزه قتل در بین زندانیان زندان شهرستان مراغه، چاپ در مجله علمی-پژوهشی پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه آاد اسلامی واحد رودهن.
- مطالعه جامعه شناختی نقش تنوع قومی بر همبستگی اجتماعی در محلات شهر تهران (چاپ در مجله جامعه شناسی معاصر دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران)
- مطالعه رابطه تنوع قومی و همبستگی اجتماعی در محلات ۱۵ و ۲ شهر تهران (چاپ در مجله جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز).
آینده پژوهی چالش های اجتماعی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی (چاپ در مرکز پژوهش های صدا و سیما).
- مطالعه و بررسی تاثیرات اشتغال زنان بر سبک زندگی آنان (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه پیام نور تبریز)، در حال داوری. چاپ در مجله علوم اجتماعی دانشگاه آزاد واحد گرمسار.
-مطالعه تفوریک نابرابری اجتماعی ازدیدگاه دومکتب تضاد و کارکردگرایی.
- مطالعه و بررسی میزان آشنایی شهروندان با داروهای آرامبخش.



نشأته اجتماعی در دوران پساکرونا

نشأته اجتماعی یکی از نیازهای اصلی انسان به شمار می آید. زندگی توأم با شادی، از آرزوهای دیرینه انسان است که پدیده و هدیه الهی است. نشأته اجتماعی یک مسئله عمومی است که تمام ابعاد جامعه و احوالات انسانی را تحت الشعاع قرار می دهد. علی رغم وجود پیامدهای نامطلوب عدم وجود نشأته و وجود ده ها پیامد مثبت ناشی از شاد بودن، متأسفانه در این زمینه جامعه ایران بر خلاف تصور همگان، یکی از غمگین ترین ملل جهان محسوب می شود. ایران در جدول جهانی شادمانی رتبه پائینی را کسب کرده است. رتبه ۹۶ که در مقایسه با ۱۸۷ کشور، رتبه پائینی را نشان می دهد.

آلویس تافلر، آینده پژوه متفکر در تبیین سیر جوامع بشری، سه موج عظیم را مطرح می کند که نوع بشر با آن مواجهه بوده است:

۱ - عصر کشاورزی که از هشتصد سال پیش از میلاد شروع و تا قرن هفدهم ادامه می یابد.

۲ - موج دوم یا عصر صنعت که از قرن هفدهم شروع و تا نیمه قرن بیستم ادامه می یابد.

۳ - موج سوم یا عصر فراصنعتی یا رایانه ای که گاهی از آن به عنوان انقلاب دیجیتالی نیز یاد می شود و از سال ۱۹۵۰ شروع شده و تا سال ۲۰۱۰ به طول می انجامد. این دوران به عبارتی جهانی سازی را به دنبال خود داشته است که بسیاری از محققان اعتقاد دارند که جهانی سازی با جود خلق امیدواری های بزرگ از جمله توانایی مقابله با بحران های زیستی، مسئول نیروهای بی ثبات ساز جزئی ای است که با رخداد بحران هایی از جمله ویروس کرونا، بی ثباتی را در بخش های مختلف جامعه به همراه دارد. در مثال ویروس کرونا می توان به این بحث اشاره کرد که با توجه به اینکه جهانی سازی، رفت و آمد را تسهیل کرده است و تماس ها را افزایش داده است، از سویی دیگر با توجه به اینکه علت اصلی گسترش ویروس کرونا حمل و نقل بوده است، احتمالاً تغییر در نظام حمل و نقل عمومی یکی از پیامدهایی خواهد بود که انتظار می رود از این ویروس ناشی شود که خود عامل پائین آمدن نشأته و سرزندگی اجتماعی است. پس به راحتی می توان گفت که کرونا توانسته است کل جهان را از هر جنبه ای تحت تاثیر قرار دهد و از نظر برخی کرونا موج پنجمی است که تمام معادلات جهانی را به چالش کشیده است و شاید بتوان از کرونا به ابرچالشی یاد کرد که جهان را به دو بخش پیش از کرونا و پس از کرونا تقسیم می کند که جهان پس از کرونا جهانی خسته و افسرده و خالی از نشأته خواهد بود.

در تاکید بر مطالب فوق می توان اشاره کرد که؛ مطالعه تاریخ جوامع نشان می دهد که در بروز و ظهور بحران های طبیعی و غیر طبیعی، سرزندگی و نشأته انسان ها همیشه تحت تاثیر قرار گرفته است. نمونه ای از این بحران ها که یک بحران بهداشتی بوده و سراسر جهان را نیز تحت تاثیر خود قرار داده است، بحران ویروس کرونا می باشد که کشور ایران را نیز بسیار تحت تاثیر قرار داده است و طبق پیش بینی های به عمل آمده احتمال اینکه چندین سال نیز جهان با آن دست و پنجه نرم کند،

هست. با توجه به شرایط خاص که این ویروس ایجاد کرده است؛ از جمله لزوم ماندن در خانه یا رعایت پروتکل های بهداشتی سخت در محل کار برای پیشگیری از ابتلاء به این ویروس و نگرانی های مردم به دلیل ابهاماتی که برای کنترل این ویروس وجود دارد (به دلیل ناشناخته بودن ویروس) علاوه بر حوزه های اقتصادی، روی سلامت روانی اجتماعی مردم و حتی روابط خانوادگی و فضای داخلی خانواده ها هم تأثیرات چشمگیری داشته است.

در تصدیق تأثیرات منفی و نگران کننده روحی و روانی کرونا و شرایط سخت پسا کرونا مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) به درخواست معاونت امور فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران، پژوهشی انجام داده است که نشان می دهد که حدود ۱۸ درصد پاسخگویان اعلام کرده بودند که در این دوران خشونت و بیش از ۵۰ درصد تنش خانوادگی را تجربه کرده بودند و کمتر از ۵۰ درصد تنش بین فرزندان و والدین هم تجربه کرده اند.

با توجه به مباحث فوق می توان به راحتی فهمید که کرونا عواقب روحی و اجتماعی بسیار طاقت فرسایی بر جامعه تحمیل خواهد نمود که همین بحث همیاری نهادها و سازمان های مرتبط را برای به حداقل رساندن این مشکلات را در دوران پسا کرونا می طلبد که خبرها حاکی از آن است که دیگر کشورها فعالیت ها و برنامه های کوتاه، میان و بلندمدت سازنده ای برای دوران پساکرونا اندیشیده اند و این در حالی است که ایران تمام توان خود را صرف مقابله و پیشگیری از گسترش این بیماری صرف می کند، غاف از اینکه بعد از اتمام این دوره با مردمی روبرو خواهد بود که مبتلا به انواع بیماری های روحی خواهند بود، کودکان که بایست آینده کشور را رقم بزنند سرتا تنش و اضطراب و مشکلات روحی و جسمی خواهند بود همه اینها گویای این است که ایران پساکرونا ایران شاد و پرنشاطی نیست و مسئولیت بایست تا زمان دیر نشده به فکر باشند.

عزت نفس چیست؟

عزت نفس شما نحوه تفکر و احساس شما در مورد خودتان است. عزت نفس باعث می شود:

- خودتان را به عنوان یک شخصیت، فارغ از هر چیز دیگری دوست داشته باشید و برای خود ارزش قائل باشید
- به خودتان و کارهایی که می توانید انجام دهید ایمان داشته باشید
- وقتی تحت فشار هستید دوام بیاورید و بایستید
- حاضرید چیزهای جدید یا دشوار را امتحان کنید
- بدون سرزنش های ناعادلانه، از اشتباهات خود عبور کنید
- باور کنید مهم و به اندازه کافی خوب هستید
- باور کنید سزاوار خوشبختی هستید

اگر عزت نفس بالایی دارید، طرز فکر و احساس شما در مورد خودتان احتمالاً مثبت خواهد بود. اما اگر عزت نفس پایینی داشته باشید، معمولاً نمی توانید اشتباهات خودتان را بپذیرید و قادر به دفاع از خود نیستید و احساسات منفی زیادی را در مورد خودتان تجربه می کنید.

مثال:

پوریا احساس می کرد به اندازه بقیه باهوش نیست و توانایی لازم برای انجام کارها را ندارد، او همیشه نگران ظاهرش بود و تصور می کرد هیچ لباسی به او نمی آید. بعد از مدتی دیگر برای ادامه تحصیل تلاشی نکرد چون فکر می کرد درس ها برایش سخت هستند و او هرگز نمی تواند درسش را تمام کند. پوریا دیگر به ظاهرش هم اهمیت نمی داد و احساس می کرد هیچکس از او خوشش نمی آید و هیچکس دوستش ندارد.

مدتی بعد پوریا چند دوست جدید پیدا کرد که آنها در مورد مدل لباس پوشیدن و ظاهرش از او تعریف می کردند و وقتی پوریا به آنها گفت که نمی خواهد درسش را ادامه دهد آنها به او پیشنهاد کردند که در درس ها به او کمک خواهند کرد؛ حالا پوریا به ظاهرش رسیدگی می کند و لباس هایی که می پوشد را دوست دارد، درسش را ادامه می دهد و نسبت به خودش حس بهتری دارد حتی زمانی که مشکلاتی دارد با آنها دست و پنجه نرم می کند و از دوستانش کمک می گیرد و مشکلاتش را با آنها در میان می گذارد.

خب به نظر شما چه چیزی بیشترین تأثیر را روی عزت نفس و اعتماد به نفس ما دارد؟

"چیزی که واقعاً می تواند بر عزت نفس و اعتماد به نفس ما تأثیر بگذارد اطرافیان و به ویژه دوستانمان هستند."

دقیقاً به همین دلیل است که بچه ها در سنین نوجوانی به گروه دوستان روی می آورند و با آنها بیشتر ارتباط برقرار می کنند. چون از بزرگترها مدام کامنت منفی می گیرند و قضاوت می شوند یا توقعات زیادی از آنها وجود دارد و ...

چطور حس بهتری نسبت به خودم داشته باشم؟

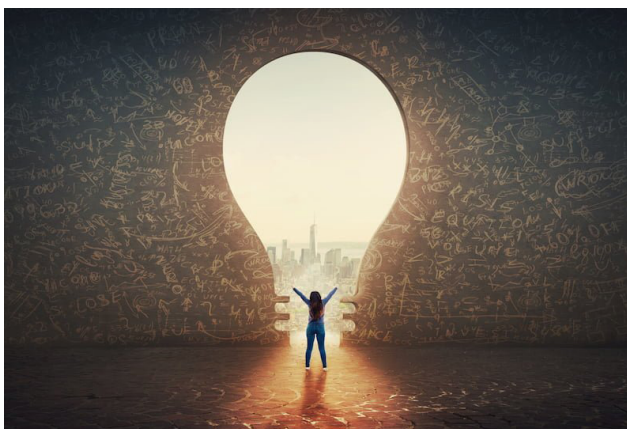
اگر عزت نفس بالایی داشته باشیم، نسبت به خودمان هم احساس بهتری داریم و اگر اعتماد به نفس داشته باشیم، احساس می کنیم چیزهایی هستند که ما در آنها خوب عمل می کنیم. اما گاهی اوقات، این احساسات در ما به دلایلی ایجاد نشده اند یا در شرایطی از بین رفته اند یا تحت تأثیر قرار گرفته اند بنابراین نمی توانیم کارهای مان را به درستی انجام بدهیم و یا خودمان را خیلی دوست نداریم.

همه ما ممکن است گاهی اوقات چنین احساساتی را تجربه کنیم اما زمانی که این احساسات ماندگار و طولانی بشوند برای ما مشکل ایجاد خواهند کرد.

مهم است هرچیزی که روی اعتماد به نفس یا عزت نفس شما تأثیر می گذارد را شناسایی کنید این حق شماست که نسبت به خودتان احساس خوبی داشته باشید.



اعتماد به نفس چیست؟



کاهش دهد، تجربیات مثبت می تواند اعتماد به نفس و عزت نفس شما را تقویت کند، مانند نتیجه یک آزمون خوب، گرفتن تعریفی در مورد ظاهر تان، یا تعریف و تشکر دوست یا همسایه بابت انجام کار خوبی که برایشان انجام دادید.

تجربیات مثبت یا منفی بر اعتماد به نفس و عزت نفس ما تأثیر می گذارد و این تجربیات و میزان آنها می تواند برای افراد مختلف متفاوت باشد. اگر تجربیات مثبتی داشته باشید بر افزایش اعتماد بنفیس و عزت نفس شما تأثیر میگذارد مانند:

نتایج نهایی در مدرسه یا دانشگاه

رسانه های اجتماعی یا تبلیغات

سطح حمایتی که از افرادی که به آنها اعتماد دارید و از آنها دریافت می کنید

تصویر و احساسی که نسبت به ظاهر و بدن خود دارید

دستاوردها یا مهارت های شما

و تجربیات دیگری ممکن است بر اعتماد به نفس و عزت نفس ما تأثیر منفی بگذارد، مانند:

مشکلات جسمی یا روحی که بر توانایی ما برای انجام برخی کارها تأثیر می گذارد یا باعث می شوند توسط دیگران درک نشویم

فشار گروه همسالان در جامعه و خانواده

فشار برای موفقیت در امتحانات، ورزش یا سایر مهارت ها از طریق خانواده

مورد آزار و اذیت قرار گرفتن

تبعیض یا تفاوت

دور شدن از خانواده یا جایی که احساس امنیت می کنیم

مشکلات خانوادگی

مشکلاتی که در روابط داریم

ممکن است شما تحت تأثیر تجربیات دیگری قرار گرفته باشید که در این لیست نبودند یا ممکن است برای مدت طولانی دچار ضعف یا عدم اعتماد بنفیس یا عزت نفس باشید که مشکلات شما را در طی زمان پیچیده تر کرده.

• باور به خود، توانایی ها و ایده های تان

می تواند در مورد این باشد که احساس کنید پروژه پیشنهادی که در کلاس دارید فرصت خوبی برای پیشرفت و افزایش یادگیری است، احساس می کنید می توانید بدون استرس گرفتن و یخ شدن دست و پا در خواست تان را عنوان کنید و می توانید ساز جدیدی را شروع کنید و نواختن آن را یاد بگیرید.

• درک و پذیرفتن خود برای آنچه که هستید

مانند اینکه به جنسیت یا رنگ چشم و مو و قد خودتان افتخار می کنید، تغییرات شما برای این نیست که شبیه دیگران باشید و اگر چند کیلو اضافه وزن داشته باشید افسرده نمی شوید.

اعتماد به نفس به معنای «برون گرا» بودن نیست. شما می توانید ساکت یا خجالتی باشید ولی همچنان اعتماد به نفس داشته باشید و حتی زمانی که یک نفر پر سر و صداترین فرد داخل اتاق است، همیشه به این معنی نیست که او اعتماد به نفس بیشتری دارد.

مثال:

آنیسا قبلاً اعتماد به نفس کمی داشت. مادرش و دوستانش همگی می گفتند که او در نوشتن توانایی منحصر بفردی دارد اما او از این کار خجالت می کشد. او عادت داشت داستان های خود را یواشکی بنویسد و امیدوار بود معلمشان هیچوقت او را مجبور نکن داستانش را با صدای بلند بخواند.

اما حالا آنیسا در حال تقویت اعتماد به نفس خود است و می خواهد تغییر کند. او می داند که همه نقاط ضعف و قوت دارند و باید با تمرین، مهارت های لازم را در خودش ایجاد و تقویت کند. او پیام های انگیزشی را روی دیوار و آینه می چسباند و هر روز جملات شکرگزاری را بلند می خواند. همچنین فهرستی از نظرات خوب را که هر کسی در مورد نوشته هایش می نویسد نگه می دارد و هر زمان احساس می کند در مورد خودش مطمئن نیست، آنها را می خواند و با این روش در مورد توانایی هایش احساس بهتری خواهد داشت.

اگرچه آنیسا هنوز نمی خواهد داستان هایش را با صدای بلند در کلاس بخواند، اما به اندازه ای اعتماد به نفس پیدا کرده که داستان هایش را برای مسابقه ارسال کند. او واقعاً به این افتخار می کند که اعتماد به نفسش چقدر رشد کرده است.

"فقط یک نسخه از خودتان وجود دارد بنابراین پذیرفتن اینکه چه کسی هستید و اینکه بتوانید به تفاوت های خودتان افتخار کنید بسیار مهم است."

چه چیزی می تواند روی اعتماد به نفس و عزت نفس من تأثیر بگذارد؟

چیزهایی مانند جدایی یا مسخره شدن در مورد ظاهر خود و تجربیات منفی می تواند اعتماد به نفس و عزت نفس شما را

چگونه می توانم اعتماد به نفس و عزت نفس خودم را تقویت کنم؟

• "به آنچه از خود انتظار دارید فکر کنید، نه آنچه دیگران از شما انتظار دارند."

به هر حال این شما هستید که باید در این مورد کاری انجام دهید، سعی کنید بیشتر آن چیزهایی که در مورد خودتان دوست دارید را ببینید و به اینکه دیگران در مورد شما چه نظری دارند و چه فکر می کنند کمتر فکر کنید.

بنابراین باید افرادی را برای دوستی و ارتباطات و ازدواج انتخاب کنیم که نقاط ضعف و قوت خودشان را می شناسند و تمایل به تغییر دارند و همچنین شما را به عنوان یک شخصیت مستقل و همانطور که هستید می پذیرند و دوست دارند و برای تغییراتی که می خواهید در خودتان ایجاد کنید شما را همراهی می کنند.

اگر کاهش اعتماد بنفس و عزت نفس را در مورد خودتان تجربه می کنید؟

اگر اعتماد به نفس یا عزت نفس پاینتان بر روابط و زندگی روزمره شما تأثیر می گذارد، اشکالی ندارد که کمک بخواهید.

ممکن است احساس کنید که اعتماد به نفس یا عزت نفس شما روز به روز تغییر می کند، یا اینکه در طول زمان در این مورد تغییرات محسوسی رخ داده است.

اگر اعتماد به نفس یا عزت نفس شما برای مدت طولانی پایین بوده است، باید با یک مشاور صحبت کنید. آنها می توانند از طریق پشتیبانی و مشاوره، با شما صحبت کنند و تشخیص دهند که آیا اعتماد به نفس یا عزت نفس پایین شما با یک مشکل سلامت روانی مانند افسردگی یا اضطراب مرتبط است یا خیر و تصمیم بگیرند که چه روشی برای شرایط شما مناسب تر است.

شما هم چند مورد از کارهایی که برای تقویت اعتماد بنفس و عزت نفس می شناسید برایمان ارسال کنید.

و یا اگر این احساس را تجربه کردید بگوئید که در چه موردی بوده و چطور روی زندگی شما تاثیر گذاشته است؟

به امید زندگی شادمانه و عاشقانه

سارا فردرو

@Sara_Fardrou



ایجاد اعتماد به نفس و عزت نفس به زمان و تمرین نیاز دارد و آنچه اکنون به شما کمک می کند ممکن است با چیزی که در آینده به شما کمک می کند یکسان نباشد. اما کارهای زیادی وجود دارد که می توانید برای بهبود احساس در مورد خود و توانایی هایتان انجام دهید.

ممکن است بنظر برسد برای ایجاد تغییرات باید کارهای سختی را انجام دهید و گام های بزرگی را بردارید اما نباید به خودتان فشار بیاورید هر هفته فقط یک یا چند مورد جدید و سبک را امتحان کنید که انجام دادن آنها برایتان آسان است، تا زمانی که آنچه حالتان را خوب می کند پیدا کنید. با سرعت خودتان پیش بروید و اصلاً عجله نکنید تغییرات کوچک می تواند تفاوت بزرگی ایجاد کند فقط کافیست ثابت قدم باشید و همین کارهای ساده را تا انتها انجام دهید و آنها را تکرار کنید تا ملکه ذهنتان شوند.

چند نمونه از کارهایی که نیاز دارید برای تقویت عزت نفس و اعتماد به نفستان انجام دهید:

- با خودتان مهربان باشید
- مراقب خودتان باشید
- روی چیزهای مثبت تمرکز کنید
- وقت خود را با افراد مناسب بگذرانید
- کارهایی را انجام دهید که از آنها لذت می برید
- حتی وقتی چنین حسی ندارید هم با اعتماد به نفس رفتار کنید
- چیزهای جدید را امتحان کنید
- خودتان را ببخشید این واقعاً مهم است
- با طرز فکر خودتان صادق باشید
- سعی نکنید خودتان را با دیگران مقایسه کنید و به این فکر نکنید که آنها در مورد شما چه فکر می کنند
- به هر موقعیتی به عنوان راهی برای یادگیری نگاه کنید، نه شانس برای شکست
- به یاد داشته باشید که کلافگی و استرس در شرایط خاص کاملاً طبیعی است
- از لحظات خود لذت ببرید
- برای دستاوردهای هرچند کوچک به خودتان جایزه بدهید



اقتصاد شادمانی

گزیده‌ای از گفت وگوی تفصیلی با دکتر فرهاد نیلی

پژوهش این چهار اقتصاددان نشان می‌دهد چگونه اقتصاد می‌تواند شادکامی اجتماعی را به یک مطالبه عمومی تبدیل کند. در این صورت دستور کار سیاستمدار برای افزایش شادی عمومی از مرزهای اعداد و ارقامی مثل GDP بسیار فراتر می‌رود. این رویکرد مانع آن می‌شود که سیاستگذار انتظار داشته باشد صرف زیاد شدن GDP موجب شادکامی عمومی شده است؛ زیرا GDP تنها ابزاری است برای بهتر شدن سطح جامعه؛ یعنی شرط لازم است ولی کافی نیست.

و نکته‌ای که جا دارد در جمع‌بندی بر آن تاکید کنم تفاوت بین بعد خُرد و کلان بهروزی است. در لایه خرد می‌توانیم برای شاد کردن مردم تلاش کنیم؛ به عنوان مثال مدیرعامل یک شرکت می‌تواند با تهیه یک هدیه کارمندان خود را شادمان کند؛ یا مسئول نیروی انسانی شرکت می‌تواند با تشویق فرزندان کارمندانی که موفقیت‌های تحصیلی به‌دست آورده‌اند، مایه شادی آنها شوند. اما در سطح کلان دست برای این قبیل کارها بسته است. زیرا تخصیص منابع در سطح کلان یک بازی جمع‌صفر است، زیرا سیاستگذار با انواع محدودیت‌ها مواجه است.

شما جز از طریق رشد اقتصادی نمی‌توانید کیک اقتصاد را بزرگ کنید. به این ترتیب رشد اقتصادی شرط لازم هر تصمیمی در زمینه شاد کردن مردم است و باقی موارد شرط کافی است. خیلی از آموزه‌های فرهنگی ما مثل کمک به هم‌نوع ناظر بر لایه خرد است و باید توجه کرد که شرایط عمومی کشور با این موارد تغییر چندانی نمی‌کند. سطح کلان نیاز به تدبیر خردمندانه و سیاستگذاری دارد و همان‌طور که تاکید شد، شرط لازم آن رشد اقتصادی است.

متن کامل گفت وگو را در شماره ۴۳۹ مطالعه کنید

تجارت_فردا

@tejaratefarda

برای ارزیابی سازوکار شادمانی در بعد عمومی زندگی، مایلم به پژوهش چهار اقتصاددان برجسته اشاره کنم که در سال ۲۰۱۷ در مجله American Economic Review چاپ و در شماره دسامبر ۲۰۲۱ مجله Finance & Development باز نشر شد. در پاسخ به این پرسش اقتصاددانان از مردم که چه چیز برایشان مهم است، مردم به سیاستمداران پیام دادند که می‌خواهند جامعه و کشور از فساد، بی‌عدالتی و سوءاستفاده از قدرت عاری باشد. یعنی اگر این کالاهای عمومی به درستی عرضه شوند، شادی (Happiness) را در جامعه افزایش می‌دهد.

نکته خیلی مهم در شادمانی، تفاوت آن در زندگی شخصی و اجتماعی است. در اینجا، علاوه بر مواردی که تا اینجا گفته شد، اقتصاد می‌تواند یک پیام بسیار روشن و واضح به سیاستگذار بدهد و از او بخواهد که چه سیاستی اجرا کند تا مطلوبیت اجتماعی نهایی افزایش بیابد. به عنوان مثال در همین زمینه فساد، رخ دادن فساد اجتناب‌ناپذیر است؛ اما تکرار آن قابل پذیرش نیست. برای همین مساله سیاستگذار می‌تواند تعهد بسپارد که:

فساد اندازه‌گیری می‌شود

فساد کنترل می‌شود

فساد تکرار نمی‌شود

از همه مهم‌تر فساد سیستماتیک رخ نمی‌دهد.

در صورت اجرای این اقدامات می‌توان شادی اجتماعی را به میزان بسیار مطلوبی افزایش داد.

تدابیر مشابهی را هم می‌توان برای سوءاستفاده از قدرت و بی‌عدالتی پیشنهاد کرد. البته باید توجه داشت که تعریف ایجابی «عدالت» به راحتی قابل ارائه نیست ولی مصادیق «بی‌عدالتی» را می‌توان احصا کرد؛ یعنی وجه سلبی عدالت آسان‌تر از وجه ایجابی آن تعریف می‌شود.

اقتصاددانان با این تدابیر می‌توانند سیاستگذار را در یک اتاق شیشه‌ای قرار داده و به صورت شفاف اندازه‌گیری کنند که چه سیاستی، به چه میزان، موجب افزایش شادی عمومی شده است.



توازن بین ترس و شجاعت

در جوانی به طرز معصومانه‌ای شجاع هستیم، و بدون ترس درباره اینکه زندگی‌مان چگونه ممکن است بشود رویا می‌سازیم. شاید می‌خواستید که فضانورد یا یک دانشمند فضاپیما بشوید. شاید رویای سفر به تمام قاره‌ها را در سر داشتید.

اما یک چیزی در مورد شجاعت وجود دارد: هر وقت که به شجاعت نیاز داریم آن ظاهر نمی‌شود. شجاعت نتیجه کار واقعی و تفکری استوار است، که شامل توازن بین ترس و شجاعت می‌شود. بدون ترس، کارهای احمقانه‌ای خواهیم کرد. و بدون شجاعت هیچگاه قدم به ناشناخته‌ها نخواهیم گذاشت. توازن بین این دو جایی است که جادو قرار دارد و این توازن است که ما هر روز با آن سروکار داریم.

مانند بسیاری از شما بزرگ شدم، دویدم، پریدم، رقصیدم. من عاشق رقصیدن هستم. اگرچه، در اواسط بیست سالگی، یک سری اتفاقات ناگوار را تجربه کردم. و چند سال بعد، یک بیماری ژنتیکی نهفته را تشخیص دادند که میوپاتی جسم اینکلوزیونی ارثی یا HIBM نام دارد. این بیماری باعث تضعیف تدریجی عضلات می‌شود که روی ماهیچه‌ها از فرق سر تا نوک پا تأثیر می‌گذارد. HIBM بیماری نادری است. در ایالات متحده کمتر از ۲۰۰ نفر به این بیماری مبتلا هستند. تا به امروز هیچ درمانی برای آن شناخته نشده است، و طی ۱۰ تا ۱۵ سال از شروع آن HIBM منجر به فلج همه گیر بدن می‌شود، که به همین خاطر است من اکنون از ویلچر استفاده می‌کنم.

وقتی که اولین بار این بیمار در من تشخیص داده شد همه چیز تغییر کرد. خبر وحشتناکی بود زیرا پیش از آن

هیچ تجربه بیماری مزمن یا معلولیتی نداشتم. و هیچ نظری در مورد اینکه پیشروی بیماری به چه صورت می تواند باشد نداشتم. اما از همه دلسرد کننده تر شنیدن نصیحت های دیگران بود که از من می خواستند آرزو و رویاها را محدود کنم و انتظاراتم را از زندگی تغییر دهم. «تو باید حرفه بین المللی ات را ترک کنی.» «اینطوری هیچکس با تو ازدواج نمی کند.» «خیلی باید خودخواه باشی که بچه نخواهی.» این موضوع که کس دیگری به جز من روی آمیال و آرزوهای من محدودیت می گذاشت مضحک بود. و غیرقابل پذیرش. پس آنها را نادیده گرفتم.

من ازدواج کردم و بعد از تشخیص بیماری به شغلم در سازمان ملل ادامه دادم. و برای دو سال در آنگولا مشغول بکار بودم، کشوری که از ۲۷ سال جنگ خونین داخلی در حال بهبودی بود. اگرچه، پنج سال طول کشید تا من رسماً بیماری ام را به کارفرمایم اعلام کنم. زیرا می ترسیدم که توانایی من برای کارکردن را زیر سوال ببرند و کارم را از دست بدهم. من در کشورهایی کار می کردم که فلج اطفال در آن شایع بود، پس وقتی که زیاد می شنیدم می گویند که فکر می کنند من دچار فلج اطفال هستم، فکر می کردم راز من در امان است. هیچکس از من نپرسید که چرا می لنگم. پس چیزی نگفتم.

ده سال طول کشید تا با سختی بیماری HIBM کنار بیایم، حتی انجام کارهای ساده هم برایم به شدت سخت می شد. اگرچه، من به دنبال کردن رویای کار کردن در سراسر دنیا ادامه دادم، و حتی در نقطه قانونی معلولیت یونیسف در هائیتی گماشته شدم. که در آنجا دو سال بعد از زلزله ویرانگر سال ۲۰۱۰ خدمت کردم. و بعد حرفه ام مرا به ایالات متحده آورد. و اگرچه بیماری ام پیشرفت محسوسی کرده بود و من به بریس پا و واکر برای راه رفتن احتیاج پیدا کرده بودم، هنوز آرزوی ماجراجویی داشتم. و این بار، آرزوی یک سفر باشکوه را داشتم.

فکر می کنم که بلاخره یک راه حلی پیدا می کنم.

و با آن تصمیم سرنوشت ساز یک تعهد چهار ساله شروع شد بالا و پایین شدن بین ترس و جرات برای انجام یک سفر ۱۲ روزه. چهار روز سواری برای عبور از گوشه به گوشه گرند کنیون، و هشت روز رفتینگ به طول ۲۴۰ کیلومتر از رودخانه کلرادو، همه همراه با یک تیم فیلمبرداری، ما انجامش دادیم. اما نه بدون اینکه به من نشان بدهد که چطور بزرگترین ترس من می تواند به همان اندازه در من جرات ایجاد کند.

تمامی ذرات شجاعت درونم را جمع کردم تا نگذارم که ترس بر من غلبه کند.

آن یک سفر راحت و بی دردسر نبود، و گرچه هدف من هم همین بود. ... فرود آمدن به دره کنیون ۱۰ ساعت طول کشید که فقط یک روز از چهار روز اسب سواری بود. مرحله بعد موج های خروشان بود. رودخانه کلرادو در گرند کنیون یکی از خروشان ترین رودهای کشور است.

در جای اشتباهی از موج نفس گرفتم، داشتم در آب رودخانه خفه می شدم و نمی توانستم خودم را کنترل کنم. بله، ترسناک بود، اما خارق العاده هم بود. آبشارها، دره های لغزنده و صخره های میلیون ساله که به نظر می رسید رنگشان در طول روز تغییر می کند. گرند کنیون طبیعت بکری دارد که شایسته تمام آن ستایش هاست.

این سفر، تمام این برنامه و سفر به نوبه خود، سطحی از ترس را به من نشان داد که پیش از آن آنرا تجربه نکرده بودم. اما مهم تر از آن، این سفر به من نشان داد که چقدر شجاع می توانم باشم. سفر گرند کنیون ساده نبود. این سفر رویای یک زن آمازونی نبود که بدون دردسر از یک صحنه حماسی عبور می کند. گریه می کردم، خسته و کوفته با دو چشم کبود. ترسناک بود، پراسترس بود، هیجان انگیز بود.

اینجا هستم تا به خودمان یادآوری کنم زندگی فقط درس پیدا کردن توازن میان ترس و شجاعت است و درک اینکه چه چیزی خوب است و چه چیزی خوب نیست.

برای به واقعیت پیوستن رویاهایمان باید شجاع باشیم. پس بزرگ زندگی کنید و بگذارید تا شجاعت تان از ترس هایتان پیشی بگیرد. شما نمی دانید که شجاعت شما را به کجاها خواهد برد.

TED



چگونه در شرایط بد اقتصادی، رئیس خوبی باشیم؟

رابرت ساتن، استاد برجسته دانشکده کسب و کار استنفورد، در جدیدترین مقاله خود در مجله کسب و کار هاروارد می نویسد: شرکت ها در یک سال گذشته به طور متوسط ۱۰ تا ۲۰ درصد از کارمندان شان را اخراج کرده اند. در چنین شرایطی، مدیران از دو سمت تحت فشار هستند، فشار روانی ناشی از اخراج کارمندان و نیز فشار روانی ناشی از حفظ روحیه و انگیزه کاری کارمندان باقی مانده. حتی مدیرانی که هیچ برنامه ای برای اخراج کارمندان شان ندارند هم با دو چالش مختلف مواجهند: مقابله با شایعات مختلف در خصوص اخراج کارمندان و مشکلات و ناامیدی های ناشی از آن، و همچنین اجبار به کاهش حقوق ها، کم کردن بودجه ها و نیمه کاره گذاشتن پروژه های مختلف.

چشم انداز پیش رو نشان می دهد در کوتاه مدت تا میان مدت، شرایط بد اقتصادی پابرجاست و امید چندانی به بهبود شرایط نیست. پس مدیران با شرایطی مواجهند که شاید کمتر در گذشته با آن مواجه بوده اند و باید خودشان را برای بدتر شدن شرایط آماده کنند. در این شرایط، سوال اساسی این است که: چگونه باید در شرایط بد اقتصادی و با وجود فشارهای فوق، مدیر خوبی باشیم؟ در شرایط سخت اقتصادی، بهترین روش برای «رئیس خوب بودن»، این است که به جای توجه بیش از حد به نیازها و خواسته های شخصی مان، به نگرانی ها و چالش های زیردستان مان توجه کنیم. تحقیقات مختلف نشان می دهد در شرایط بد اقتصادی، کارمندان با چهار چالش اصلی زیر مواجه اند:

پیش بینی پذیری

وقتی فرد بتواند وقوع یک رخداد بد، مثل اخراج از کار را پیش بینی کند، می تواند آمادگی لازم برای برخورد با آن را به دست آورد، در نتیجه، در زمان وقوع رخداد بد، بهتر می تواند خودش را مدیریت کند. بنابراین در شرایط بد اقتصادی، تا جای ممکن باید اطلاعات صادقانه ای را از آینده کاری فرد در اختیار او قرار بدهیم تا بتواند خودش را برای رخدادهای بدی مثل اخراج از کار، کاهش حقوق و مزایا و غیره آماده کند. مزیت اصلی پیش بینی پذیر کردن آینده برای کارمندان این است که تا زمانی که در شرکت حضور دارند، از شایعه پراکنی و مسموم کردن فضا دوری می کنند و در نتیجه، بهره وری شرکت کاهش نمی یابد. برای مثال، یکی از شرکت های بزرگ آمریکایی، بعد از آغاز شرایط بد اقتصادی، هر ماه گزارشی از وضعیت آینده شرکت را منتشر و در آن تضمین می کند که مثلاً تا سه ماه آینده، هیچ کسی اخراج نمی شود. این گزارش در اختیار تمام کارمندان شرکت قرار می گیرد.

درک

می توان گفت پیش بینی پذیری راجع به این است که «در آینده چه اتفاقی قرار است بیافتد» و درک درباره این است که چرا و چگونه این اتفاق قرار است بیافتد.

اصل کاهش وابستگی ها

همگرایی روزافزون فرهنگ های جهان در به بکارگیری فرآورده های نوین صنعتی و شیوه تولید انبوه جوامع پیشرفته و رهبری اقتصادی آن کشورها و تجارت جهانی و انحصاری بودن اقتصاد سرمایه داری بین المللی و شکل دادن به نظام جهانی و تقسیم کار سراسری و ایجاد رابطه متروپل با کشورها، صادرات فراوان و... موجب وابستگی متقابل کشورها شده است و در این نوع وابستگی؛ کشورهای در حال پیشرفت بیشترین خسارت را خواهند داشت.

توانایی کشورهای نیرومند در کنترل و اداره کردن منابع و بازارهای جهان به نفع خود و گسترش سلطه سرمایه داری بین المللی بر اقتصاد داخلی کشورها و امتیاز دسترسی کشورهای ثروتمند به مواد خام کمیاب کشورهای جهان سوم، صدور علم و فن آوری نامناسب، تحمیل محصولات کشورهای صنعتی به بازارهای آسیب پذیر کشورهای در حال پیشرفت، انتقال نظام های آموزشی نامناسب، دامپینگ محصولات ارزان در بازارهای تحت کنترل، سیاستهای مضر تجارت بین المللی، دامن زدن به مصرف هر چه بیشتر و عدم ثبات وضع مبادلات جهانی و نیاز شدید کشورهای توسعه نیافته به کمک های مالی و وام های خارجی از اثرات نامساعد بین المللی این نوع وابستگی است.

این دگرگونیهای عصر جدید؛ جوامع در حال توسعه یا توسعه نیافته را با خطر نابودی و رکود و اضمحلال روبرو کرده است و در اثر گذشت زمان، جریان منفی رشد موجب نابودی آنها می شود. اصلی که در جوامع سنتی حاکم بود، اصل کاهش وابستگی به دیگران موجب می شد که جوامع تلاش نمایند نیازهای اساسی و اولیه خود را تأمین کنند و با پیش بینی اولیه در مقابل حوادث طبیعی و غیر طبیعی ناخواسته؛ آمادگی برای استمرار زندگی را داشته باشند. توجه به استفاده از منابع طبیعی در دسترس و تطبیق نیازها با شرایط محیطی از آن جمله بود. اینک در شرایط مدرن؛ اگرچه در چرخه اقتصاد جهانی نیاز جوامع به یکدیگر گسترش یافته است، باید تلاش کرد تا حد ممکن بر اساس اصل کاهش وابستگی امکان عدم دسترسی به بعضی تولیدات و فرآورده ها را پیش بینی کرد تا در شرایط غیرطبیعی و در شرایط بحران امکان ماندگاری بیشتر برای جامعه وجود داشته باشد مانند آنچه که در تحریم اقتصادی آمریکا علیه جامعه ما اتفاق افتاد.

تحقیقات نشان می دهد انسان ها نسبت به رخدادهایی که دلایل آن را نمی دانند، واکنش منفی نشان می دهند. پس بهتر است دلایل اتفاقات و تصمیم ها را برای افراد توضیح داد، حتی اگر توضیحات ما برای شان ناخوشایند باشد. برای افزایش درک کارمندان از شرایط بد اقتصادی، باید به آنها توضیح داد که چرا وضعیت این گونه شده و شرکت چنین تصمیم هایی گرفته و این تصمیم ها چه تاثیری روی آنها دارد.

کنترل

انسان ها وقتی به این نتیجه برسند هیچ کنترلی روی اتفاقات بدی که می افتد، ندارند، ناامیدتر می شوند و در نتیجه عملکرد و بهره وری شان کاهش می یابد. طبق این اصل، مدیران خوب به کارمندان شان نشان می دهند شرکت در حال تلاش برای کنترل اوضاع و بهتر کردن شرایط است. برای همین منظور، موفقیت های شرکت، حتی اگر بسیار محدود باشند را با کارمندان در میان می گذارند و آنها را تشویق می کنند با کار و تلاش بیشتر به موفقیت بیشتر شرکت و کنترل شرایط کمک کنند.

همدردی

تحقیقات نشان می دهد، همدردی با کارمندان، میزان تحمل آنها در شرایط بد را افزایش می دهد. برای مثال، جرال گرینبرگ، یکی از اساتید دانشگاه اوهایو، در تحقیقات خود روی دو شرکت مختلف که هر دو مجبور شده اند حقوق کارمندان شان را ۱۵ درصد کاهش بدهند، متوجه نکته جالبی شد.

در یکی از این شرکت ها، مدیر عامل شرکت در جلسه ای کوتاه اعلام کرد به دلیل کاهش فروش، میزان حقوق ۱۵ درصد کاهش می یابد و بعد از آن گفت که باید برای جلسه ای مهم به سفر برود.

مدیرعامل شرکت دیگر، جلسه نسبتاً طولانی را تشکیل داد و در آن ضمن توضیح مفصل شرایط شرکت، خبر کاهش حقوق را اعلام و از کارمندان عذرخواهی کرد و بعد از آن به تمام سوالات و ابهامات کارمندان جواب داد.

تحقیقات جرال گرینبرگ نشان داد بهره وری کارمندان شرکت اول بیش از ۳۰ درصد کاهش یافت ولی بهره وری کارمندان شرکت دوم تنها حدود ۴ درصد کمتر شد.

آموزش و توسعه کسب و کار

https://t.me/V_A_X

ارسال شده از سوی آقای پاک طینت

اقلیت قدرتمند

گزارش نابرابری آکسفام چه می گوید؟

برآوردهای جدید موسسه آکسفام نشان می دهد تنها هشت مرد به اندازه نیمی از جمعیت جهان ثروت دارند. در حالی که رشد اقتصادی به افراد ثروتمند سود می رساند، بقیه جامعه، به خصوص بخش فقیر آن، رنج بیشتری را متحمل می شوند. طراحی و اصول اقتصاد حاکم، دنیا را به این نقطه بی ثبات و غیرعادلانه کشانده است.

چهار سال از زمانی که مجمع جهانی اقتصاد افزایش نابرابری اقتصادی را به عنوان مهم ترین تهدید ثبات اجتماعی شناسایی کرد و سه سال از وقتی که بانک جهانی هدف خود را پایان دادن به فقر و نیاز برای رفاه مشترک قرار داد، می گذرد. از آن زمان و با وجود اینکه رهبران جهانی تفاهم نامه های همکاری را برای کاهش نابرابری جهانی امضا کردند، شکاف میان افراد ثروتمند و مابقی دنیا بیشتر شده است.

در ۲۰ سال آینده، ۵۰۰ نفر ۲.۱ هزار میلیارد دلار به ورثه خود انتقال خواهند داد، رقمی که بیش از کل GDP هند خواهد بود، کشوری که جمعیتی بالغ بر ۱.۳ میلیارد نفر دارد.

درآمد دهک فقیر جهان از سال های ۱۹۸۸ تا ۲۰۱۱، به طور متوسط کمتر از سه دلار در سال افزایش داشته است، در حالی که افزایش درآمد یک درصد ثروتمند جهان در این مدت ۱۸۳ برابر آنها بوده است.

پژوهش جدید توماس پیکتی نشان می دهد در ۳۰ سال اخیر رشد درآمد نیمه پایینی مردم آمریکا، صفر بوده است در حالی که درآمد یک درصد ثروتمند ایالات متحده رشدی ۳۰۰ درصدی داشته است.

در ویتنام، درآمد روزانه ثروتمندترین افراد کشور برابر درآمد ۱۰ سال فقیرترین افراد این کشور گزارش شده است.

تصویر کلی در کشورهای فقیر نیز به همین اندازه پیچیده است. صدها میلیون نفر از مردم در دهه های اخیر از فقر درآمده اند، دستاوردی که جهان باید به آن افتخار کند. با وجود این، هنوز از هر ۹ نفر یک نفر گرسنه می خوابد.

پژوهش ها نشان می دهد سه چهارم از افرادی که در فقر مطلق به سر می برند در واقع با منابع موجود و با استفاده از افزایش مالیات و کاهش هزینه ها، می توانند از فقر خارج شوند. بانک جهانی اعلام کرده، رهبران جهان بدون دوجندان کردن تلاش هایشان برای مقابله با نابرابری به هدف ریشه کن کردن فقر تا سال ۲۰۳۰ نخواهند رسید.

هرساله کردیت بانک سوئیس آمار بهتر و جدیدتری را برای تخمین توزیع ثروت جهانی منتشر می کند. آخرین گزارش آنها نشان می دهد بدهی فقیرترین گروه جهان افزایش یافته و دارایی ۳۰ تا ۵۰ درصد از جمعیت جهان نیز کاهش پیدا کرده است. سال گذشته سهم تجمعی ثروت ۵۰ درصد فقیر جهان ۰.۷ درصد برآورد شده بود که در سال جاری این سهم به ۰.۲ درصد کاهش یافته است.

چندان دور از واقعیت نخواهد بود اگر اعلام کنیم، بزرگ ترین برندگان اقتصاد جهانی، افراد مرفه جامعه هستند. پژوهش موسسه آکسفام نشان می دهد در ۲۵ سال گذشته، درآمد صدک ثروتمند جهان بیش از مجموع درآمد نیمه پایینی جهان بوده است. در حال حاضر، دستمزدها و ثروت با نرخ هشداردهنده ای در حال افزایش است. علت این موضوع چیست؟ شرکت ها و افراد فوق ثروتمند نقشی کلیدی در این قضیه ایفا می کنند.

کسب و کارهای بزرگ در سال ۲۰۱۵-۲۰۱۶ عملکرد فوق العاده ای داشتند: سود این کسب و کارها بسیار بالا بوده و ۱۰ شرکت بزرگ دنیا در مجموع درآمدی بالاتر از مجموع درآمد ۱۸۰ کشور دنیا داشته اند. کسب و کارها جوهره اقتصاد بازارند و تنها زمانی می توانند جامعه ای مرفه و عادلانه ایجاد کنند که در راستای منفعت رسانی به همه افراد مشغول به کار باشند. اما زمانی که شرکت ها تنها به منظور سودآوری افراد ثروتمند کار کنند، مزایای رشد اقتصادی به آنها می رسد.

در بسیاری از نقاط دنیا، شرکت ها تنها با یک هدف به حرکت خود ادامه می دهند: به منظور بیشینه کردن سود سهام دارانشان. این موضوع تنها به معنای ماکزیم کردن سود کوتاه مدت نیست بلکه پرداخت سهم بیشتر از همیشه از این سود به سهامداران است. در بریتانیا، در سال ۱۹۷۰ تنها ۱۰ درصد از سود به سهامداران بازمی گشت در حالی که این رقم هم اکنون به ۷۰ درصد رسیده است. در هند این رقم پایین تر است اما روند رو به رشد سریع تری دارد، بسیاری از شرکت ها بیش از ۵۰ درصد سود خود را میان سهامداران تقسیم می کنند. این موضوع مورد انتقاد بسیاری از اقتصاددانان و مدیران قرار گرفته است. افزایش سود سهامداران تنها به درد ثروتمندان می خورد چرا که اکثر سهامداران این شرکت ها از قشر ثروتمند جامعه هستند، و این موضوع نابرابری را افزایش می دهد. سرمایه گذاران نهادی نظیر صندوق های بازنشستگی نیز شاهد کمتر شدن سهم خود در شرکت های بزرگ هستند. ۳۰ سال پیش، صندوق های بازنشستگی ۳۰ درصد سهام



شده که بر بسیاری از سیاست‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های دولت‌ها، کسب‌وکار و افراد ثروتمند تکیه کرده است. برخی از این فرضیات در مورد خود اقتصاد است و برخی دیگر در مورد نگاه غالب اقتصاددانان در خصوص «نئولیبرالیسم» است، نگاهی که به اشتباه فرض می‌کند ثروتی که در راس یک جامعه ایجاد می‌شود در نهایت به تمامی افراد دیگر می‌رسد. صندوق بین‌المللی پول نئولیبرالیسم را به‌عنوان علت اصلی رشد نابرابری شناسایی کرده است. تا زمانی که ما بر این فرضیات غلبه نکنیم، قادر نخواهیم بود وضعیت موجود را تغییر دهیم.

فرضیه اشتباه شماره ۱: بازار همیشه درست می‌گوید و نقش دولت‌ها باید به کمترین مقدار برسد. در واقعیت، بازار در اثبات خود به‌عنوان بهترین راه برای سازماندهی و ارزش نهادن به زندگی مشترک ما یا طراحی آینده مشترک ناکام بوده است.

فرضیه اشتباه شماره ۲: شرکت‌ها ملزم به بیشینه کردن سود سهامداران خود به هر قیمتی هستند. بیشینه کردن سود به‌طور غیرمتناسبی درآمد افراد ثروتمند را تقویت کرده در حالی که فشار غیرضروری را به کارگران، کشاورزان، مصرف‌کنندگان، عرضه‌کنندگان، انجمن‌ها و محیط زیست وارد می‌کند.

فرضیه اشتباه شماره ۳: ثروت فردی بیش‌ازحد یک نشانه موفقیت است، و به نابرابری ارتباطی ندارد. برخلاف این فرضیه، ظهور دوران طلایی جدید، با مقادیر وسیع ثروت متمرکز در دستان افراد بسیار محدود از نظر اقتصادی ناکارآمد، و از نظر سیاسی فسادانگیز است و می‌تواند پیشرفت جمعی را تضعیف کند.

فرضیه اشتباه شماره ۴: رشد GDP باید هدف اصلی سیاست‌گذاری‌ها باشد.

فرضیه اشتباه شماره ۵: مدل اقتصادی ما از نظر جنسیت خنثی است. در واقع، کاهش خدمات عمومی، امنیت شغلی و حقوق کار بیشتر به زنان ضربه زده است. زنان به‌طور نامتناسبی در حداقل امنیت شغلی قرار دارند و در مشاغلی با کمترین دستمزد کار می‌کنند.

فرضیه اشتباه شماره ۶: منابع سیاره ما نامحدودند. این نه‌تنها یک فرضیه اشتباه است، بلکه فرضیه‌ای است که می‌تواند منجر به عواقب فاجعه‌باری برای سیاره زمین شود. مدل اقتصادی ما بر اساس بهره‌برداری از محیط زیست و نادیده گرفتن حدود قابل تحمل کره زمین است. در واقع سیستم اقتصادی مهم‌ترین عامل تغییرات اقلیمی کنونی است.

این فرضیات در ایجاد رفاه مشترک و ثبات ناکام بوده است. آنها منجر به سقوط ما از صخره می‌شوند. ارائه یک راه جایگزین برای راهاندازی یک اقتصاد انسانی، نیازی ضروری است.

برگرفته: تجارت فردا

شرکت‌های موجود در بریتانیا را در اختیار داشتند، در حالی که هم‌اکنون سهم آنها تنها سه درصد است.

همان‌طور که در گزارش اقتصاد برای یک درصد آکسفام آمده است، شرکت‌های فعال در بخش‌های مختلف (مالی، استخراج، تولید پوشاک، دارویی و...) از قدرت و اثرگذاری خود برای تضمین این موضوع استفاده می‌کنند که مقررات و سیاست‌های ملی و بین‌المللی در مسیری شکل بگیرند که راه را برای سودآوری هموار کنند. برای مثال، شرکت‌های نفت در نیجریه موفق به معافیت‌های مالیاتی متعددی شدند. حتی در بخش تکنولوژی نیز رفیق‌بازی روندی رو به رشد به خود گرفته است. آلفابت، شرکت مادر گوگل، به یکی از بزرگ‌ترین لابی‌کنندگان در واشنگتن تبدیل شده و به صورت پیوسته با اروپا در حال مذاکره است. سرمایه‌داری رفاقتی به سرمایه‌داران منفعت می‌رساند. این بدان معناست که کسب‌وکارهای کوچک‌تر برای رقابت به مشکل خورده و مردم عادی در مواجهه با کارتل‌ها و قدرت‌های انحصاری شرکت‌ها و ارتباطات آنها با دولت، برای خرید اجناس و خدمات باید پول بیشتری پرداخت کنند. کارلوس اسلیم، سومین فرد ثروتمند دنیا، تقریباً ۷۰ درصد از کل خدمات تلفن همراه و ۶۵ درصد از خطوط تلفن ثابت مکزیکی را در کنترل دارد که هزینه‌ای معادل دو درصد تولید ناخالص داخلی این کشور است.

با هر معیار اندازه‌گیری، ما در عصر فوق‌ثروتمندان زندگی می‌کنیم، «دوران طلایی» دوم که در آن سطحی پرزرق‌وبرق روی مشکلات اجتماعی و فساد را پوشانده است. تحلیل آکسفام از فوق‌ثروتمندان شامل افرادی می‌شود که دست‌کم ثروت خالصی معادل یک میلیارد دلار داشته باشند. بر اساس فهرست ۲۰۱۶ فوربس، ۱۸۱۰ میلیارد در جهان وجود دارند که ۸۹ درصد آنها مرد هستند. این افراد در مجموع ثروتی معادل ۶/۵ هزار میلیارد دلار دارند که برابر با ثروت ۷۰ درصد پایینی مردم جهان است. در حالی که برخی از این میلیاردرها، ثروت خود را با کار سخت و استفاده از استعداد خود به دست آورده‌اند، تحلیل آکسفام نشان می‌دهد یک‌سوم از میلیاردرهای جهان ثروت خود را به ارث برده‌اند در حالی که ۴۳ درصد آنها درگیر ارتباطات دوستانه بوده و با لابی‌های ثروت و قدرت در ارتباط هستند.

یک ضرب‌المثل معروف وجود دارد که می‌گوید پول، پول می‌آورد. افراد فوق‌ثروتمند آنقدر پول دارند که می‌توانند آن را در بهترین سرمایه‌گذاری‌ها هزینه کنند. ثروت افراد فوق‌ثروتمند از سال ۲۰۰۹ تاکنون به‌طور متوسط هر سال ۱۱ درصد افزایش داشته است. این نرخ تجمع سرمایه فاصله بسیاری با نرخ پس‌انداز مردم عادی دارد.

اقتصاد یک‌درصدی کنونی بر اساس دسته‌ای از فرضیات غلط بنا





آینده‌تان را شکل دهید

باشند تبدیل می‌شود. و وقتی مجدداً به شکل یک خانه جمع شد، تصویری از دیوارپوش صورتی مرمت‌شده مردم را به یاد گذشته می‌اندازد. پس از بازگشایی، شهردار پتانسیل «خانه باز» را دریافت و دید و جلسه بعدی شهرداری را آنجا برگزار کرد. هیجان ناشی از این فضای گردهمایی منحصر به فرد، انرژی جدیدی آورد و دید تازه‌ای برای بحث جمعی در مورد آینده شهر ارائه کرد.

در کمبریج، ماساچوست، برای تاکید بر مسائل انرژی، ضایعات و تغییرات آب و هوایی، ما جای یک سطل زباله را در یک پارک با یک هضم‌کننده تخمیری برای تبدیل مدفوع سگ به گاز متان قابل استفاده، جایگزین کردیم. سوزاندن گاز متان، پارک را روشن و گازهای گلخانه‌ای را کاهش می‌دهد. با اندکی تغییر در تجربه روزانه فضای عمومی، پروژه همسایگان را تحریک خواهد کرد تا در مورد سیستم‌های طبیعی و ساخته‌شده در اطراف آن‌ها و رابطه‌اش با محیط گفتگو کنند.

در لیون، نبراسکا، ساکنین به فقدان زندگی اجتماعی اشاره داشتند بمحض پایین کشیدن کرکره مغازه‌های مرکز شهر نتیجه‌ای از خشونت آهسته سرمایه‌گذاری منفی. که بسیاری از مراکز شهری را خالی وا گذاشته است. برای پرداختن به این فقدان ارتباط انسانی، از یک ویترین مغازه متروکه برای تبدیل خیابان اصلی به یک سینما استفاده کردیم. دیوار جلوی مغازه با هیدرولیکی تنظیم شده، به طوری که سایبان و نمای کاذب، جلوی پیاده‌رو تا شده، با فشار

همانطور که می‌دانیم، هر جامعه‌ای مشکلاتی دارد و برخی از این مسائل از طریق نظرسنجی، یا جلسات شهرداری، یا با تلاش جوامع حل می‌شوند اما برخی مسائل فراتر از دسترس ساختارها هستند، همچون برهوت‌های غذایی، رفاه جامعه، و فقدان هویت فرهنگی. این مشکلات نمی‌تواند با مجموعه ابزار موجود حل شود.

فضای عمومی، نیرومندترین مکان برای حل مسائل اینچنینی است، چرا که فضای عمومی حاوی غنی‌ترین تنوع چشم‌اندازهاست. پارک‌های موجود، میادین شهری و پیاده‌روها کافی نیستند، به ایجاد نوع جدیدی از فضای عمومی نیازمند هستیم، آنچه که توسط جامعه ساخته و به طور خاص برای نیازهای آن‌ها طراحی شده‌است. برپا کردن سالن‌های گردهمایی فضای باز، راهی برای برپایی جلسات برای آموختن مشکلات مستقیم از خود مردم جامعه.

در یورک آلاباما، ساکنین شهر، شاهد خانه‌های متروکه‌ای هستند که شهر را پوشانده اند، که دائماً یادآور گریز سفید است که (اشاره به مهاجرت وسیع سفیدپوستان) پس از پایان جداسازی، رخ داد، وقتی که صاحبان سفیدپوست خانه‌ها، منطقه را ترک و خانه‌هایشان را گذاشتند که خراب شود. با همکاری مردم یورک، ما یک ملک شاخص، با دیوارپوش صورتی، مخروبه در وسط شهر را به خانه‌ای جدید تبدیل کردیم، به نام «خانه باز». گرچه این خانه رازی هم دارد. به طور فیزیکی به یک تئاتر روباز ۱۰۰ نفره برای نمایش، فیلم، موسیقی و یا هر چیزی که مایل به تجربه



از خود بیگانگی اجتماعی و سیاسی

انسان ها بیشترین توفیق در گروه های اجتماعی را وقتی بدست می آورند که مسائل شان را از طریق همکاری و کنش متقابل حل کنند. اگرچه ممکن است اعضاء یک جامعه به لحاظ دین، زبان یا خویشاوندی و قومیت از یکدیگر متمایز باشند اما عضویت مشترک در یک نظام اجتماعی و سیاسی و ساختار فراگیر آن می تواند مشارکت همه را در بر داشته باشد. همه جوامع بشری با ادغام گروه های کوچک تر تشکیل شده اند. خانوارها، دودمان ها، احزاب، اتحادیه ها و فراگرد تقسیم کار اجتماعی، اشتراک جمعی اعضاء را حفظ می کند. سن، جنس، خویشاوندی، ایدئولوژی، تبار و قومیت، رده های اجتماعی محسوب می شوند که برخی ویژگی های فرهنگی مشترک دارند و با همین ویژگی ها از دیگر بخش های جامعه متمایز می شوند. این تمایزات در فراگرد بهره گیری از منابع و دسترسی به قدرت اثر گذار است و هیچ جامعه بشری نیست که همه مردم آن از حیثیت برابر با توانایی یکسان در همه فعالیت های اجتماعی و اقتصادی برخوردار باشند اما اگر بخش های بزرگی از جامعه در مقایسه با دیگر اعضا همان جامعه دچار محرومیت شوند فراگرد قشر بندی و نابرابری اجتماعی شکل می گیرد و محروم شدن از امتیازهای اجتماعی در یک دوره طولانی نوعی عدم مشارکت اجتماعی و از خود بیگانگی را موجب می شود که می تواند بر انسجام جامعه اثر گذارد.

کتاب انسان شناسی فرهنگی - محسن فردرو - چاپ اول - ۱۳۸۷ ناشر رمز

یک دکمه، برای ۱۰۰ نفر جا فراهم می کند. همینکه مردم محله گردهم می آیند تا تاثیر نبش خیابان را بسازند، یک پستی عجیب هم که فیلم های علمی - تخیلی با بازی گریه اش می ساخت، پیشنهاد کرد که برای اولین بار یک فیلم مستند بسازد. و بنابراین آن تابستان، مرکز شهر را به (محل) فیلم سینمایی و مردم را به بازیگران تبدیل کردیم، تا فیلم «دهه ها»، تاریخ مرکز شهر لیون را از زمان تاسیس آن تا کنون، بسازیم. در شب افتتاحیه، خیابان اصلی، که معمولا پس از شروع تاریکی، خالی است، پر از مردمی شده بود که برای تماشای داستان شهرشان، محلی ها را به سوال واداشت: فصل بعدی لیون را چگونه خواهیم نگاشت؟ خب، فصل بعد با یک سری نمایش فیلم، رویدادهای عمومی و نوازندگان بین المللی، و همچنین یک انجمن فیلم کوتاه با تخصیص بودجه - کم آغاز شد که در لیون گل کرده، مردم را از سراسر جهان گرد هم آورده است و یک گالری هنری دائمی که در همسایگی باز شده است.

کار من، مهار کردن قدرت محیط ساخته شده است تا بر روی موضوعاتی تمرکز کند که جوامع و دولت های محلی نتوانسته اند خودشان آن را حل کنند، با ایجاد پروژه هایی کاملاً منطبق و متناسب که جامعه به طور طبیعی آن را متعلق و از آن خود می داند. وقتی مردم از تمام همه اقشار جامعه تجربه مشترکی در این فضاها داشته باشند، می تواند منجر به تغییر الگو در نحوه مشاهده خانه مان، محله مان و دنیای مان شود. به نظر من، فضای عمومی فضایی است نیرومند که تخیلات مردم را جرقه میزند برای تصور آینده ای نو. همه چیز به یک جا ختم می شود: اگر مردم بتوانند با هم بنشینند، می توانند باهم رویا پردازی کنند.

TED



روبرویی با بحران

چرا برخی فجایع بزرگ بطور تکان دهنده‌ای بیدارمان می‌کند که تغییر و تحول داشته باشیم در حالی که بقیه اتفاقات ممکن است تا حدودی تکان دهنده باشد ولی بعد دوباره به خواب می‌رویم؟

یک رکود اقتصادی جهانی، یک اتفاق صنعتی که آلودگی بزرگ ایجاد می‌کند. اتفاق‌های از این قبیل می‌توانند مانند یک زنگ خطر جمعی عمل کنند. ناگهان، یک خطر می‌بینیم، و سازمان یافته می‌شویم. توانایی بدست می‌آوریم و آنچه را که قبلاً غیرقابل باور بود حل می‌کنیم. انگار که دیگر راه نمی‌رویم بلکه می‌پریم. فقط مثل اینکه زنگ خطر دست‌جمعی ما به نظر خراب می‌آید. در روبرویی با یک بحران، ما معمولاً از هم می‌پاشیم، پس‌رفت می‌کنیم.

ده سال قبل، راجع به این روند عقب گرد اسمش را «مکتب تلاطم» گذاشتم. چه مسیری را در بحران طی می‌کنیم؟ که آیا ما سریع رشد می‌کنیم و آن توانایی‌ها را پیدا می‌کنیم و یا ضربه می‌خوریم. این سوال مهمی‌ست آن بیرون اوضاع زیادی متلاطم است. توفان‌های بی‌سابقه، شهرهای در حال غرق، آتش‌های بی‌سابقه که تهدید به بلعیدن آن‌ها می‌کنند، هزاران مهاجر که زیر موج‌ها ناپدید می‌شوند. و حرکت‌های نژادپرستانه که آشکارا بیشتر می‌شوند. حالا آدم‌هایی که صدای زنگ را به صدا در می‌آورند کم نیست. ولی بعنوان یک جامعه، من فکر نمی‌کنم ما بتوانیم صادقانه بگوییم که ما با هیچ‌گونه فوریتی عکس‌العمل نشان می‌دهیم فوریتی که این بحران‌ها از ما طلب می‌کنند. و با این حال، از تاریخ می‌دانیم که این ممکن است که بحران کاتالیزوری برای یک جهش باشد.

یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های این قدرت پیش‌برنده بحران رکود بزرگ سال ۱۹۲۹ بود. شوک فروپاشی ناگهانی بازار بود که با تمام پس‌شوک‌های بعدی دنبال شد، میلیون‌ها نفری که تمام دارایی‌شان را از دست دادند. این به باور خیلی‌ها با این معنی بود که خود سیستم مشکل دارد. بسیاری از مردم گوش دادند و وارد عمل شدند. در آمریکا و بقیه جاها، کشورها شروع کردند به ساختن یک شبکه ایمنی که اگر دفعه بعد رکودی پیش آمد برنامه‌هایی وجود داشته باشد مثل تامین اجتماعی که مردم را کمک کند. سرمایه‌گذاری‌های بزرگی برای تولید شغل بود در مسکن، برق و حمل‌ونقل. حالا، این اصلاحات تا کامل شدن فاصله زیادی داشتند در ایالات متحده، کارگران آفریقایی آمریکایی مهاجران و زنان به طور گسترده نادیده گرفته شدند. اما دوران رکود، در کنار تغییرات دول متحد و اقتصادها در طول جنگ جهانی دوم سعی می‌کند، به ما نشان دهد که تغییر سریع در برابر تهدید جمعی برای جوامع پیچیده ممکن است. وقتی ما داستان رکود ۱۹۲۹ را تعریف می‌کنیم، معمولاً فرمولی وجود دارد که بر اساس آن پیش می‌رود. شوک، که باعث بیداری می‌شود و این بیداری جهشی به سمت جای امن‌تر ایجاد می‌کند.

چرا امروزه شوک‌های بی‌وقفه ما را به تحریک و نمی‌دارند؟ چرا جهشی ایجاد نمی‌کنند؟ به ویژه زمانی که بحث تغییرات اقلیمی مطرح می‌شود.

افراد کسانی هستند که به شدت در برابر آب و هوا آسیب پذیر هستند. افراد درگیر در بحث تغییرات اقلیمی به ندرت در مورد جنگ و اشغال صحبت می کنند. اگر چه می دانیم که عطش برای سوخت های فسیلی عامل اصلی درگیری و نزاع است. جنبش زیست محیطی در توجه کردن به این نکته که کشورهای که به شدت تحت تاثیر تغییرات اقلیمی قرار می گیرند، عمدتاً مکان هایی با مردم رنگین پوست هستند، بهتر شده است. اما زمانی که با زندگی سیاه پوست ها در زندان ها، در مدارس و در خیابان ها مثل جنس دور ریختنی رفتار می شود این ارتباطات به ندرت شکل می گیرد.

راه حل های ما، هنگام ظهور آن ها نیز از یکدیگر جدا شده اند. ... چیزی که هنوز نمی بینیم تصویری منسجم از دنیایی است که برای آن مبارزه می کنیم. ... بیشتر از همه ارزش های اصلی کدامند. و این ها واقعاً اهمیت دارند. خوشبختانه، همه گفتگوها و تجربیات سعی در غلبه بر این اختلافات دارد، که ما را عقب نگه داشته اند. ...

افراد معقول همیشه به ما می گویند که تغییر در بازه های کوچک باید انجام شود. سیاست هنر امکان است و ما نمی توانیم اجازه دهیم کمال، دشمن خوب بودن شود. ... ما یک بیانیه نوشتیم، و آن را "جهش" نامیدیم. توافق روی "بله" مشترکمان در میان چنین تنوع تجربیات و در برابر یک پس زمینه تاریخ بسیار دردناک کار ساده ای نبود. اما بسیار هیجان انگیز هم بود. چون به محض اینکه به خودمان اجازه دادیم که رویا پردازی کنیم، رشته هایی که بیشتر کار ما را به هم پیوند می داد، آشکار شد.

به عنوان مثال، ما متوجه شدیم که تلاش بی پایان برای سود که مردم را مجبور می کند تا بیش از ۵۰ ساعت در هفته، بدون امنیت کار کنند، و این کار، ناامیدی همه گیر را تحریک می کند که همان تلاش برای سود بی انتها و رشد بی پایان است. که در قلب بحران زیست محیطی ما قرار دارد و سیاره ما را بی ثبات می کند. همچنین مشخص شد که چه باید بکنیم. ما باید یک فرهنگ مراقبتی ایجاد کنیم. که در آن هیچ کس و هیچ جا نادیده گرفته نمی شود. که در آن ارزش ذاتی همه مردم و هر اکوسیستم بنیادی است. بنابراین ما به این پلت فرم مردم رسیدیم، ...

چیزی که ما کشف کردیم این است که بسیاری از ما به دنبال این هستند که کمتر شبیه برندها و بیشتر شبیه جنبش ها عمل کنند. چون جنبش ها به اعتبار اهمیت نمی دهند. آن ها می خواهند ایده های خوب را به طور گسترده ترویج دهند. چیزی که درباره جهش می پسندم این است که این ایده را که سلسله مراتب بحران وجود دارد را رد می کند، و از کسی نمی خواهد که بحث و جدل ها را اولویت بندی کند یا تا نوبتشان صبر کنند. ... این چیزی است که من از مطالعه شوک ها و بلایای طبیعی برای دو دهه یاد گرفتم. بحران ما را آزمایش می کند. ما یا از هم پاشیده می شویم یا سریع رشد می کنیم. ذخایر جدید قدرت و ظرفیت را که ما هرگز نمی دانستیم که دارا هستیم، پیدا می کنیم. حوادث تکان دهنده ای که امروز ما را با ترس پر می کنند می توانند ما را تغییر دهند و می توانند جهان را به بهتر شدن تغییر دهند. اما نخست ما باید دنیایی را که برای آن مبارزه می کنیم تصور کنیم. و باید آن را باهم تصور کنیم. حالا، همه زنگ های هشدار در خانه های ما به طور همزمان به صدا درمی آیند. زمان گوش دادن است.

می خواهم روی دو نکته تمرکز کنم که معمولاً در کتاب های تاریخ جا گذاشته شده. یکی به تخیل و دیگری به سازماندهی مربوط است. قدرت انقلابی بین این دو است چون بین آن ها تعامل وجود دارد. ...

زمانی که سقوط اقتصادی رخ داد یک جنبش به اندازه کافی بزرگ و گسترده وجود داشت ... بنابراین، اجازه دهید معادله قبل را بازنویسی کنیم. یک رویداد تکان دهنده به علاوه تخیل آرمانی به علاوه حرکت عضله، اینگونه است که ما یک جهش واقعی را دریافت کنیم. لحظات کنونی ما چگونه اندازه گیری می شود؟ ما یک بار دیگر، در زمان مشارکت فوق العاده ای زندگی می کنیم. جنبش های پیشرو با شجاعتی بزرگ، رشد و مقاومت می کنند. و با این حال، ما از تاریخ می دانیم که "نه" کافی نیست. در حال حاضر، برخی از "بله ها"ی در حال ظهور وجود دارد. و در واقع خیلی سریع و سریع تر می شوند. جایی که فعالان آب و هوایی در مورد تغییر لامپ ها صحبت می کردند، اکنون تلاش می کنیم ۱۰۰ درصد انرژی مان از خورشید و باد و امواج تولید شود و این کار سریع انجام شود. جنبش ها که توسط خشونت پلیس علیه رنگین پوستان تحریک شده خواستار پایان دادن به پلیس نظامی حبس عمومی و حتی دریافت غرامت برای بردگی هستند. دانش آموزان نه تنها مخالف افزایش هزینه های تحصیل هستند، بلکه از شیلی تا کانادا و بریتانیا، آن ها خواستار تحصیل رایگان و لغو بدهی هستند. با این حال، هنوز با نوع جامع و چشم انداز جهان شمول یک دنیای متفاوت از پیشینیان ما داشته اند، متناسب نیست. چرا اینطور است؟

خب، اغلب این روزها ما به تغییرات در چارچوب های مشخص فکر می کنیم. محیط در یک جعبه، نابرابری در جعبه دیگری عدالت نژادی و جنسیتی در چند جعبه دیگر تحصیلات در اینجا، سلامتی در آنجا. و در داخل هر محفظه، هزاران نفر با یکدیگر از گروه های مختلف و سازمان های غیردولتی هستند که هر کدام برای اعتبار، شناسایی نام و البته منابع، با یکدیگر رقابت می کنند. به عبارت دیگر، خیلی شبیه برند شرکت ها عمل می کنیم. ...

به عنوان مثال، مردم علیه فقر و نابرابری مبارزه می کنند و خیلی کم از تغییرات اقلیمی حرف می زنند. هرچند ما بارها و بارها می بینیم، فقیرترین

شهرها و کشتزارها بیش از پیش دغدغه مدیران شده است. اکنون کمبود آب مرزهای محلی و منطقه ای و ملی را پشت سر گذاشته و به موضوعی بین المللی تبدیل شده است به نحویکه درگیری ها منازعات آینده در برخی نقاط دنیا را بیشتر منازعه بر سر آب می دانند.

کشور ایران در منطقه ای از دنیا قرار دارد که تحت تأثیر شرایط اقلیمی و زیست محیطی، منابع آبی آن روز به روز کاهش یافته و تأمین آب مورد نیاز صنعت، کشاورزی و حتی شرب مردم با مشکلات عدیده ای روبرو شده است. کشور ما با توجه به اقلیم خشک و نیمه خشک آن از آب های شیرین بهره کمی برده است و با ادامه روند موجود استفاده از آب، بحران آب را با شدت بیشتری در سال های آینده خواهیم داشت. با توجه به برداشت بی رویه از آب های زیرزمینی و افت حدود ۲۰ متری سطح آب های زیرزمینی در کشور و کاهش بارش در معرض تنش آبی قرار داریم.

معادله بیلان آبی کشور حاکی از آن است که کشور از سال ۱۴۰۰ با توجه به افزایش جمعیت و میزان برداشت ها وارد تنش آبی خواهد شد. ایران در شرایط اقلیمی خشک و نیمه خشک قرار دارد. در ۵۰ سال اخیر دمای هوای کشور دو درجه افزایش داشته است و میزان بارش ها هر سال کاهش پیدا کرده است. پیش بینی می شود دوره های خشک سالی ادامه خواهند یافت. با در نظر گرفتن این شرایط، صرفه جویی در مصرف آب اهمیت ویژه ای پیدا می کند که سرنوشت و آینده تمام ایرانیان به آن بستگی خواهد داشت. خشک سالی باغ ها و مزارع در برخی از مناطق کشور ادامه دارد و در صورتی که اقدامی عاجل برای حل مشکل آب در کشور صورت نگیرد، بخش کشاورزی صدمات جبران ناپذیری خواهد دید

جهان در دهه های گذشته به سرعت به سمت تقاضای فزاینده آب و خشکی رودخانه ها و دریاچه ها سوق یافته است. پژوهش های بانک جهانی در باره اوضاع آب شیرین در کشورهای مختلف جهان و گزارش دستگاه های مربوط در کشورهای متعدد در باره چشم انداز آب حکایت از ابعاد استفاده بیش از حد از آب و زوال و کمبود جهانی آب می دهد. کسری آبی که تا حد زیادی نامرئی بنظر می رسد و به لحاظ تاریخی امری جدید و شگفت انگیز است. استفاده بی رویه از منابع آب زیر زمینی و فرو افتادن سفره های آب و فراگیری تپه های شنی با خشک شدن چاه ها آشکار تر می شود. تقاضای آب در جهان در نیم قرن اخیر سه برابر شده است و دولت ها در محدود کردن پمپاژ در حد بازده سفره های آب توفیق نداشته اند.

اکنون سفره های آب در نیمی از کشورهایی که بیش از نیمی از جمعیت جهان را در خود جای داده اند در حال فرو نشستن و نابودی هستند. رقابت در بین بخش ها برای مصرف آب روز بروز شدیدتر می شود. از دست رفتن منابع آبیاری به معنای پایان کشاورزی و تأثیر نامطلوب آن بر تولید غلات می باشد. سفره های آب زیر زمینی در کشورهای دنیا سالانه در حال پایین رفتن است. ایجاد سدها و منحرف کردن آب رودخانه ها بسیاری از رودخانه ها را خشکانده و مخزن سد ها تبخیر آب را به میزان ۱۰ درصد ظرفیت ذخیره سازی افزایش داده اند.

در کشورهای آسیایی از جمله در هند و پاکستان و ایران با ناپدید شدن دریاچه ها، توسعه آبیاری کاهش یافته است و لایه های آبخیز زیر زمینی خشک گردیده اند. درگیری کشورها بر سر موضوع آب رؤس مذاکره سیاستمداران و تقسیم عادلانه آب میان

تقاضای فزاینده آب



عدم مدیریت درست منابع آب (هم عرضه و هم تقاضا)
 عدم اندازه گیری دقیق ذخایر آب
 عدم وجود آمارهای دقیق
 چاه های غیرمجاز
 روان آب های آلوده شهری
 عدم وجود قوانین لازم در جلوگیری از آلودگی خاک و آب
 فقدان راهبرد و برنامه ریزی مناسب
 فقدان دستورالعمل مشخص در زمینه استفاده از پساب ها و آب های برگشتی
 عدم آموزش عمومی و درک اهمیت منابع آب کشور.
 عدم مدیریت مصرف بهینه یا به عبارتی دیگر بهبود راندمان مصرف آب
 الگوی مصرف نامناسب آب در همه بخش ها
 آبیاری نابهنگام
 اتلاف و تبخیر آب در مناطق گرم و خشک
 عدم مدیریت مصرف آب و بازیافت آن در صنعت
 عدم بکارگیری فناوری های نوین در تصفیه و شیرین سازی آب و بازیافت پساب ها
 عدم استانداردهای کمی و کیفی آب در صنعت
 عدم سازگاری صنعت با تغییرات اقلیم در کشور
راهبرد فرهنگی:

دستیابی به تعادل نسبی در زمینه عرضه و مصرف آب یک اصل اساسی و ضروری است که این مهم جز با ایجاد یک نظام جامع مدیریت آب میسر نمی شود. نظام جامع مدیریت آب دو بخش اساسی دارد:

۱- مدیریت تولید و عرضه آب

۲- مدیریت تقاضا و مصرف آب

راهبرد فرهنگی در بخش مدیریت تقاضا و مصرف آب می تواند نقش خط مشی گذاری عمومی را با رویکرد فرهنگی تقویت نماید و با اصلاح باورهای سنتی عموم در این زمینه، منافع عمومی جامعه را حفظ نماید. بدون تردید فرهنگ و ارزش ها در تعیین رفتارهای انسانی نقش کلیدی دارند، فرهنگ در اشکال مختلف مانند سنت، زبان، مذهب، هنر، ادبیات، موسیقی و ... آشکار می شود و در ارزش هایی که جوامع آن را گرامی می دارند متبلور می شود. فرهنگ سبب درک انسان از جهان می شود و رفتار او را شکل می دهد. راهبرد فرهنگی مدیریت مصرف و بهره وری آب در کشور در چندین حوزه نیازمند تدابیر اساسی است:

در حوزه باورها و ارزش ها و نگرش ها

در حوزه سنت ها و رسوم و عادات

در حوزه هنجارها و رفتارها

در حوزه ابزارها و شیوه های عمل

در حوزه آموزش و هنر

تدوین: کارشناسان آینده پژوهی سایت فکرو روزی

. محدودیت منابع آب در کشورهای واقع در مناطق خشک و نیمه خشک، یکی از مهم ترین معضلات موجود در بخش کشاورزی است. افزایش روزافزون جمعیت و بالا رفتن استانداردهای زندگی در بسیاری از کشورها موجب نیاز روزافزون به آب های زیرزمینی برای مصارف مختلف کشاورزی، صنعتی و خانگی شده است. آب های زیرزمینی به عنوان یکی از مهم ترین منابع تامین کننده آب، با چالش های متفاوتی از جمله آلاینده های طبیعی و غیرطبیعی روبه رو است. آب های زیرزمینی به دلیل استعداد آلودگی کمتر و همچنین ظرفیت ذخیره زیاد نسبت به آب های سطحی به عنوان یک منبع مهم در منابع آب مورد توجه است.

در این شرایط فرهنگ مدیریت مصرف و بهره وری آب در ایران می تواند مسیر عبور از شرایط نوین کم آبی جهانی و حفظ منابع آب زیر زمینی و مصرف بهینه را با تدابیر فرهنگی برای مردم و مسئولین و دستگاه ها، هوشیارانه تر نماید.

چالش های در پیش رو:

استفاده ناکارآمد راندمان پایش مصرف در بخش های کشاورزی و صنعتی

نبود هماهنگی بین سازمان ها

وضعیت نامطلوب تعمیرات و نگهداری

توزیع یکنواخت آب در طول مکان و زمان

افزایش تقاضای آب

محدودیت منابع آبی

تنزل کیفیت آب سفره های زیر زمینی

برداشت بیش از حد مجاز از سفره های آب زیر زمینی

پیشروی آبهای شور

دفع غیر صحیح فاضلاب های خانگی و پساب های صنعتی

بالا بودن هزینه های تامین آب جدید

رقابت شدید مصرف بین گروه های مصرف کننده آب

اتلاف آب در بخش کشاورزی

عدم مکانیزه بودن سیستم آبیاری

بهینه نبودن روش مصرف آب

اتلاف آب در شبکه توزیع

افزایش برداشت غیرکارشناسی و غیرقانونی از منابع زیرزمینی در بخش های مختلف

فقدان الگوی کشت مشخص در کشور

فقدان پوشش مناسب نهرها و شبکه های آبیاری و زهکشی

در اولویت بودن سد سازی برای مصارف آب شرب و تامین برق و مصارف شهری و صنعتی

عدم انطباق روش های آبیاری با شرایط آب و هوایی و اقلیمی

عدم تمایل بخش خصوصی به سرمایه گذاری در این بخش

کمبود دانش فنی

عدم آموزش لازم برای استفاده از سامانه های نوین آبیاری به کشاورزان



برات؛ میراثی معنوی از عهد باستان

حسین افضلیان

بیرجند - اردیبهشت ۱۳۹۶

نگرش، مراسمی برای شادی روح آنها در جای جای ایران زمین برگزار می کرده اند.

ایرانیان باستان اعتقاد داشتند که ارواح درگذشتگان در ابتدای سال به زمینی ها سر می زنند بنابر این در اواخر اسفند و اوایل فروردین برای پذیرایی از فروردگان یا ارواح درگذشتگان خود با روشن کردن فانوس و نظافت منازل آماده پذیرایی می شدند.

هم اکنون نیز این سنت حسنه کماکان در بین مردم استان تهران و برخی دیگر از استانهای کشور در آخرین جمعه از ماه اسفند و در استانهای گیلان، آذربایجان و یزد نیز در آخرین جمعه ماه رجب برگزار می گردد. در کرمانشاه، کردستان و برخی از نواحی غربی ایران، آخرین شب سال را "شب برات" دانسته اند و در اصفهان با وجودی که روزهای ۱۳ تا ۱۵ شعبان را برات می نامند اما در آخرین شب جمعه سال و یا در نخستین جمعه سال نو به گورستان ها رفته و غذا و پوشاک توزیع می کنند.

اما در خراسان بزرگ این مراسم در طی روزهای دوازدهم تا چهاردهم شعبان و با برگزاری مراسم مذهبی ویژه ای با عنوان «چراغ برات» و با هدف یادآوری عزیزان از دست رفته، با شکوه و گستردگی خاصی برگزار می گردد.

دامنه این رسم آن چنان گسترده است که به ماه شعبان در این منطقه "ماه برات" نیز می گویند.

برات در خراسان مصداقی بر اعتقاد به اصل معاد است که مردم این خطه با انجام اعمال مخصوصی به استقبال آن می روند، این مراسم به مدت سه روز و با عناوین مختلفی برگزار می شود و مردم هر روز آن را با بزرگداشت قشر خاصی از مسلمانان برگزار می نمایند.

برات غریبان، برات اسراء، برات مسافران، برات زنده ها و برات مرده ها از عناوینی است که برای این سه روز در نقاط مختلف خراسان از آنها استفاده می شود که در این میان "برات مرده ها" در ۱۴ شعبان با شور و حال خاصی برگزار می شود.

پخت انواع نان های سنتی مانند روغن جوشی، کماچ، ساچ و حلوا و پخش آن در بین مردم به ویژه کودکان از مراسم ایام برات در شهرهای

قرن های متمادی ست که مردم معناگرای بخش وسیعی از فلات ایران به ویژه خراسان بزرگ همه ساله در طی روزهای دوازدهم تا چهاردهم شعبان با برگزاری مراسمی معنوی با عنوان «برات» یاد و خاطره عزیزان از دست رفته را گرامی داشته و به یاد مردگان خود خیرات می کنند.

سنت حسنه چراغ برات با قدمتی هزار ساله که در سه شب و روز یازده تا چهاردهم شعبان در خراسان بزرگ برگزار می گردد، ریشه دینی نداشته و در دوران حضور اسلام در ایران مورد تأیید پیشوایان دینی قرار نگرفته است اما این سنت حسنه متعلق به ایران باستان به سبب عجین شدن با دین مبین اسلام تاکنون هیچ مخالفتی را از سوی مراجع دینی برنینگیخته است.

ایرانیان مسلمان شده به خصوص در قرون سوم و چهارم هجری تلفیق شیرین و موفق از باورهای ایرانی پیشین و اسلامی پسین خود ساختند، بدین گونه که هزار سال پیش در خراسان بزرگ، عید یا مراسم "لیلۃ البرات" یا "لیلۃ الصک" را در چهاردهم شعبان با همان رسوم و آئین ایرانی - زرتشتی اما با توضیح و توجیه اسلامی تدارک دیده و برگزار می کردند.

ابوریحان بیرونی دانشمند بزرگ ایرانی نیز در این باره می گوید: «سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم این ماه ایام البیض نام دارد و شب پانزدهم این ماه شبی بزرگ است و لیلۃ الصک و لیلۃ البرات نام دارد، و عوام مردم بر این عقیده اند که صورت افرادی را که در آن سال قرار است بمیرند، خداوند در آن شب به ملک الموت نشان می دهد.»

گر چه آیین برات مانند بسیاری از رسوم کهن آریایی آن گونه که باید مورد کنکاش قرار نگرفته، ولی اسناد و مدارکی وجود دارد که ثابت می کند این آیین زرتشتی در گذر زمان رنگ اسلامی به خود گرفته، در فرهنگ دینی ما ورود یافته و همچنان نیز این سنت حسنه با جلای اسلامی در ایران زمین و بخش هایی از افغانستان، تاجیکستان و شبه قاره هند وجود دارد.

ایرانیان از دیرباز برای رفتگان خود احترام خاصی قائل بوده و سعی نموده اند که ارواح آنان را از خود راضی نگاه دارند. لذا بر اساس همین

گذشتگان خود"

در کتاب گاه شماری و جشن های ایران باستان نیز آمده است: «در نوزدهم فروردین یعنی روز جشن فروردینگان مراسم خاصی در بزرگداشت موجودات مینوی و در بعدی گسترده تر، در بزرگداشت روان درگذشتگان برگزار می شده که هنوز در میان هموطنان زردشتی، بخصوص در یزد، با تشریفات خاصی برگزار می شود. در این جشن که امروزه بیشتر به جشن فرودگ (احتمالاً از فروردگ، «فرورد» صورت فارسی فروشی) معروف است، زردشتیان سر مزار درگذشتگان خود می روند و برای شادی روان ها عود و کندر آتش روشن کرده و گل و گیاه و میوه و شمع و لrk بر سر مزار می گذارند. لrk مخلوطی است از هفت میوه خشک خام از قبیل پسته خام، بادام خام، فندق خام، برگه، انجیر خشک، خرما و توت خشک. در دیگر مباحث مربوط به این روز، نه نقل از ابوریحان بیرونی وجود دارد که بر مبنای آن در ایران قدیم، و بر اساس مبنایی اعتقادی، رزق و روزی و سرنوشت هر کس در "روز برات" رقم می خورد. هر چند برخی از پژوهش ها نشان می دهند که وجود چنین باور و سنتی پیرامون روز برات، از گذشته هایی بس دیرینه تر از اینها در جشن های بهاری بابلیان قدیم، از جمله در جشن آکیتو (Akutu) و مراسم سال نو نیز وجود داشته است.»

نویسنده کتاب "چراغ برات خراسان، فروردگان باستان" در این باره می گوید: ایرانیان باستان معتقد بودند که روح درگذشتگان (فروهر) در روزهای ابتدایی سال در خانه هایشان حضور پیدا می کنند و شاهد زندگان هستند.

وی معتقد است: «هر چند بررسی ریشه و سوابق آیین برات در خراسان به ظاهر پژوهشی برای شناسایی یک رسم کهن در بخشی از سرزمین ایران است اما به واقع بررسی سوابق سایر عناوین این مراسم نیز هست و خلاصه این که اقدامی است برای بازشناسی سنتی کهن که به مرور زمان پاره پاره گشته است و هر بخش نامی به خود گرفته و بر اثر شرایط زمانی و مکانی با سایر بخش های دیگر تفاوت یافته است.

پس از سیر و تأمل در مراسم، باورها، عناوین و ایام این آیین ایرانی - اسلامی به وضوح معلوم می شود که چنین باور و رفتاری از به هم پیوستن دو چشمه ایرانی و اسلامی پدید آمده که هر کدام از جایی دور دست یکی از فلات ایران و هزاران سال پیش و دیگری از جزیره العرب نشأت گرفته و در ایران به هم رسیده و تشکیل آئین موجود را داده اند.

گرچه اغلب مردم مسلمان از بلخ و بخارا تا بغداد و مصر در سده های میانه بعد از اختلاط اسلام و ایران در ماه شعبان متوجه گورستان ها و زیارت قبور کسان خود می شده اند، اما بعید است که ماه شعبان برای این امر ویژگی و توصیه ای از سوی شارع دین مبین اسلام به همراه داشته باشد. بلکه به نظر می رسد که بعضی تشابهات و همخوانی های این ماه با برج اسفند ایرانی باعث شده تا آداب "فروردگانی" برج اسفند به ماه قمری شعبان افتاده و نام "لیلۃ البرات" و "شب چک" گرفته باشد.

ماه شعبان که تا پیش از لغو کیسه (به فرموده پیامبر اسلام) تقریباً با ماه

گوناگون خراسان بزرگ است. مردم این منطقه از کشورمان معتقدند پخت این خوراکی ها باید قبل از غروب آفتاب صورت گیرد.

همانگونه که بیان شد مراسم "روز برات" سابقه ای بس دیرین و ریشه دار در فرهنگ مردم سرزمین آریا دارد.

در مجموعه ای از متون پازند که توسط اردواد ادلجی کرساسپ جی انتیا در شبه قاره فراهم شده و به سال ۱۹۰۹ در بمبئی به چاپ رسیده است، قطعه ای با حروف اوستایی وجود دارد که مربوط می شود به آداب ششمین روز از ماه فروردین.

بر اساس مجموعه مذکور از این روز با عنوان "هَبْدُرو براتی" یا "روز برات" یاد شده است.

در بخشی از این متن آمده است:



"در هَبْدُرو براتی، هر آن که در دین بهی است، هر سال چون فروردین ماه و خرداد روز (ششم روز از فروردین) درآید، [رزق و] روزی به مردم بخشد ... هر چه در آن سال بر مردم گذرد، آن روز بنویسند ... بهدینان، زند و اوستا و آفرینگان خوانند در این روز به بازگشت فروهرها و ارواح

و از این دست خوراکی ها و تقدیم ثواب آن به روح مردگان خود است. در قبرستان شهر ما بیرجند، که حسابی خاکی و دارای فراز و نشیب های زیاد است، رفتن از این طرف به آن طرف و دید و باز دیدهای فشرده از قبور مردگان واقعاً خسته کننده و ملال آور است. تازه خدا نکند که در آن روز شدت گرما و وزش باد زیاد باشد و به اصطلاح ما «دولخباد» شود.

البته این روز بیشتر برای کسانی مهم است که بعد از برات سال پیش کسی را از دست داده اند و به اصطلاح براتی اول مرده شان است. معمولاً شب جمعه قبل از برات، مردم به خانه ی مرده های برات اولی می روند و بازماندگان را تسلی می دهند.

یک نوع نان تقریباً گرد و در روغن سرخ شده که به آن تابه (یا روغن جوشی) گفته می شود هم از خوراکی های ویژه این ایام است که چه در قبرستان و چه به صورت حضوری و تحویل در درب منزل توزیع می شود. بسیاری از مردم و به ویژه کودکان عاشق این خوردنی اند. زمانی که بچه بودم و دوران تحصیلات راهنمایی و دبیرستان را سپری می کردم، روز برات روز فرار از مدرسه بود. البته کلاً این روز و به خصوص صبح روز برات، شهر کمی حالت تعطیلی به خود می گیرد و حتی کارمندان دولت هم تا حدی جیم می شوند تا به مراسم براتی شان برسند! اما قول و قرارهای فرار از مدرسه و تعطیل کردن آن مزه دیگری داشت. یادش بخیر ...



مآخذ:

- ۱ - آثارالباقیه عن القرون الخالیه - ابوریحان بیرونی ، ترجمه اکبر دانا سرشت - انتشارات امیرکبیر - تهران ۱۳۸۶
- ۲ - گاهشماری و جشن های ایران باستان - هاشم رضی - انتشارات بهجت - تهران ۱۳۸۰
- ۳ - نامه مینوی - زیر نظر حبیب یغمایی و ایرج افشار - انتشارات سنایی - تهران ۱۳۷۷
- ۴ - چراغ برات خراسان، فروردگان باستان - مهدی سیدی - مشهد ۱۳۷۴

اسفند شمسی منطبق بوده است. از فردای ظهور پیامبر اسلام بعضی ویژگی و قداست های حائز اهمیت البته بی هیچ اهمیتی برای یادبود مردگان رسمیت یافته است. اولاً گفته شده است که در این ماه ولادت امام حسین (ع) صورت گرفت و پیامبر را بسیار شادمان ساخت. دیگر اینکه در روز پانزدهم ماه شعبان بوده که پس از ۱۸ ماه قبله گاهی بیت المقدس، قبله از بیت المقدس به کعبه تغییر یافته است. پس از این واقعه ماه شعبان نزد اعراب و مسلمین از اهمیت خاصی برخوردار شد، به طوری که در سده های نخستین اسلامی شب نیمه شعبان برای تمام امت شیعی مبارک و عیدی بزرگ بوده است.»

به نوشته مقدسی دانشمند و سیاح ایرانی الاصل ساکن بیت المقدس سده چهارم هجری نیمه شعبان یکی از عیدهای مهم اسلامی بوده و در بیت المقدس بهتر و زیباتر از هر جای دیگر برگزار می شده است چنان که رمضان در مکه ، دو عید [فطر و قربان] در اصفیه (ظاهراً سیسیل) و عرفه در شیراز و آدینه در بغداد و عاشورا در مکه به نیکی برگزار می شده است.

دو دلیل برای این امر که مردم مسلمان ایران در سده های سوم و چهارم هجری آیین و مراسم یاد درگذشتگان و پذیرایی از روان و فروهر آنان را به نیمه ماه شعبان انتقال داده و نام "لیلۃ البرات" یا "شب چک" به آن داده اند، وجود دارد که تا حدی قانع کننده است. اول اینکه اگر حساسیت ایرانیان زرتشتی را نسبت به هر ماه و روز سال، از نظر رفتار دینی و اعتقادی، در نظر بگیریم و توجه داشته باشیم که آنان عید مردگان را در سده های سوم و چهارم در برج هشتم سال یعنی آبان ماه برگزار می کرده اند، پذیرفتنی خواهد بود که پس از اسلام آوردن هم باز متمایل باشند که در ماه هشتم سال اسلامی قمری، یعنی شعبان، به برگزاری این مراسم بپردازند. دیگر این که شعبان قمری تا سال ۱۱ هجری، که در آن سال بنا به آیه "انما السنۃ زیادت فی الکفر" لغو کیسه توسط اعراب صورت گرفت با برج اسفند شمسی منطبق بوده و ریشه و اصل عید آبانگان یعنی فروردگان خاص آستانه بهار و ماه اسفند بوده است. حال اگر به اختلاط پیش از اسلام اعراب با ایرانیان و تاثیر شدید بعضی از قبایل عرب از فرهنگ و تمدن ایران هم توجه داشته باشیم، این مسئله که باور و آیین فروردگانی ایرانی مربوط به ماه اسفند، پس از اسلام رنگ و بوی اسلامی گرفته و به دلیل فوق به ماه شعبان افتاده باشد، غیر قابل قبول نمی نماید. هرچند ممکن است دلایل دیگری هم برای این انتقال و تحویل بوده باشد.

نویسنده کتاب "چراغ برات خراسان، فروردگان باستان" همچنین خاطر نشان می سازد: «سنت چراغ برات در خراسان قدمتی ۱۱۰۰ ساله دارد و سنتی ایرانی - خراسانی است و حتی شعری چون رودکی، حافظ، سعدی و مولوی و دانشمندانی چون ابوریحان بیرونی در برخی اشعار و آثار خود از آیین "شب های برات" نام برده اند.»

البته از قدیم الایام جنوب خراسانی ها، بیشتر به مراسم روز برات در چهاردهم شعبان، بها می دهند و عمده کاری که عموم مردم در این روز انجام می دهند همان رفتن به قبرستان و پخش شیرینی و خرما و کماج



به هر نوع فن آوری نوآورانه در زمینه مالی «فین تک (FinTech)» می گویند. که مخفف Financial Technology است. این فناوری تلاش می کند که با ارائه راه کارهای جدید در حوزه مالی و پرداخت آنلاین قدم های مثبتی برای آسان تر و امن کردن خدمات مختلف حوزه مالی انجام دهد. به عنوان یک روند غیرقابل انکار، فین تک بر تمام جنبه های اصلی زندگی تاثیر گذاشته است. نویسنده: اندیشکده

نمادهای فرهنگی

شاخص ترین ویژگی نوع بشر ساخت نمادها و نشانه هاست. همه جانوران ابزارهایی برای انتقال پیام به یکدیگر دارند، اما تمایز انسان در نامحدود بودن پیام های منتقل شده است، یکی از این نمادها زبان است. زبان انسانی معنای ثابتی ندارد بلکه با ترکیب آواها و ترکیب واژه ها و برحسب یک رشته قواعد دستوری، معنا پدیدار می شوند و گوناگونی در ساختارهای زبانی وجود دارد. اهمیت زبان برای هر اجتماع اینست که فرهنگ یعنی الگوهای شناختی و رفتاری از طریق زبان مشترک منتقل می شود و زبان عنصر اساسی هر فرهنگ است.

اگر زبان واحدی وجود نداشته باشد امکان فرهنگ آموزی مشترک وجود ندارد. از این ویژگی های مهم استعمارگران بهره ها برده اند. تلاش برای تغییر زبان ملت ها در راستای قطع ارتباط آنها با فرهنگ و گذشته تاریخی شان بوده است و ایجاد تفاوت های زبانی موجب دوری تدریجی فرهنگ هایی شده است که قبلاً از یک حوزه مشترک برخوردار بوده اند. زبان فارسی در تاجیکستان با تغییر حروف روبرو شده و در لاهور پاکستان تا یکصدسال قبل زبان فارسی زبان رسمی دولتی بوده است اما امروزه در هر دو مورد جوانان از فهم و استفاده از منابع فارسی در مانده اند.

بدین لحاظ زبان موجب معرفت مشترک و پیوند تاریخی است و هر گونه اخلاص و تغییر در آن به نوعی باعث آغاز نا پایداری و عدم بقا جوامع می شود. امروزه گروه های قومی و گروه های اجتماعی متمایز سعی می کنند از طریق ساخت یک اجتماع گفتاری یا گویش به حالت منحصر به فرد خود تأکید ورزند. گویش ها یا زبان های منطقه ای و محلی دارای اهمیت سیاسی و اجتماعی اند و نوعی حس هویت اجتماعی برای گویندگان آن دارد. زبان هویت گروهی را تقویت می کند و شیوه اندیشیدن و رفتار یک گروه را تحکیم می بخشد. در جوامع معاصر رسانه های همگانی زبان معیار را تقویت می کنند و از گویش های قومی استفاده نمی کنند تا امکان گسترش فرهنگ مشترک ملی فراهم آید.

کتاب انسان شناسی فرهنگی - محسن فردرو - چاپ اول - ۱۳۸۷ ناشر رمز



موزه رسانه‌ای برای نمایش گذر فرهنگی



انسان ها، محور موزه های نوین است نه اشیاء. موزه ها، در جهان متمدن، پایگاه های تحقیق هستند. بخش پژوهشی و پشتوانه تحقیقی و آموزشی موزه ها پشتوانه رساله ها و تذکره های علمی است. همین پشتوانه است که اهمیت دارد نه صرفا خود اشیاء و ویرتین ها. قرار نیست جماعت ها فقط بروند و لوح ها و سنگ نوشته ها را ببینند. موزه ها رسالتی بر دوش دارند تا بتوانند ارزش های جامعه را به تمام اقشار و در تمام گروه ها منتقل کنند. موزه ها اگر پشتوانه ای برای مباحث جدید و یافته های نوین نباشند عملا دچار دور ریختن سرمایه شده ایم.

موزه ابزاری مهم برای تبادل فرهنگی، غنی سازی فرهنگی و ایجاد درک متقابل، همکاری و صلح میان مردمان است. نقش واسطه گری و آموزشی موزه ها در تعریف و اجرای توسعه پایدار در ایران ناشناخته مانده است و مهم ترین دلیل آن عدم ایجاد ارتباط بین شیء و موضوع به نمایش درآمده با بازدیدکننده است.

فضای اکثر موزه ها کسالت آور و فاقد تکنولوژی های به روز دنیا هستند. چیش و نمایش اشیاء تکراری و توضیح های علمی غیرقابل درک برای بازدیدکننده عادی است. این شیوه های سنتی موزه داری که بسیاری از آن ها در دنیا منسوخ شده اند، نه تنها در جذب بازدیدکننده و ایجاد ارتباط کمکی نمی کنند، بلکه منجر به خروج هر چه سریع تر او از فضای کسالت بار موزه می شود. موزه باید جایی باشد که مخاطب را از زندگی روزمره جدا کند و مکانی برای تفکر و اندیشه ورزی باشد.

اگر موزه ها را به عنوان رسانه ای برای نمایش گذر فرهنگی تلقی کنیم که پیام آور تاریخ است. انتقال مفاهیم برای تمام سنین مانند کودکان، جوانان و نوجوانان بیش از پیش اهمیت می یابد. در جهان به تجربه جدیدی برای اداره موزه ها رسیده اند که آن رویداد محور کردن موزه ها است. رویداد محوری کردن موزه ها از این جهت حائز اهمیت است که می تواند امکان گفتگوهای بین رشته ای را برای تمام افراد فراهم کند. ما باید با دانش روز، موزه ها را با یک روایت جدیدی از اشیاء معرفی کنیم تا بتوانیم مخاطبان بیشتری را جذب کنیم. باید بتوانیم موزه ها را برای قشر جوان بیشتر معرفی کنیم. موزه ها می توانند از فناوری های مدرن مختلفی برای افزایش بازار خود استفاده کنند. نسل جدید، که از کودکی غرق در دنیای تلفن های هوشمند بوده اند، انتظار دارند در موزه ها نیز با ایده های نو روبه رو شوند.

فناوری حالا بخشی از رفتار ماست. اگر سعی نکنیم آن را در موزه ها نیز بگنجانیم، موزه به نفع دیگر جذابیت ها کنار می رود. بایستی مزیت های قابل رقابت با سایر رسانه ها و توجه به جنبه علمی و اوقات فراغت را در نظر داشته باشیم. موزه ها از محدود مراکز حافظ یادگاران نسل گذشته و در حقیقت فرزندان هنر و تاریخ هستند. هر یک از اشیاء داخل موزه در عین بی زبانی به هزار زبان سخن می گویند زیرا اسناد معتبری از هنر، فرهنگ و تاریخ را ارائه می دهند. موزه هایل ارتباطی بین گذشته، حال و آینده هستند. علم موزه داری دو قسمت است.

الف: قسمت تئوری (موزه شناسی) که تاریخچه پیدایش موزه ها، حکمت موزه در جهان و تمام کارهای تئوری دیگر راجع به ساختار موزه را شامل می شود.

ب: قسمت عملی (موزه نگاری) که گردآوری اشیاء (وظیفه اصلی موزه، ثبت و ضبط آنها، آماده سازی آنها برای نمایش) و ارائه و کارهای آموزشی و پژوهشی را در برمی گیرد.

آیین‌های نکوداشت و گرامی‌داشت بزرگان مرتبط با قلمرو فعالیت موزه و راه‌اندازی و استمرار جشنواره‌ها و سمپوزیوم‌های هنری و علمی می‌تواند در زنده بودن موزه‌ها موثر باشد. اینگونه است که با بکارگیری این شیوه‌های پیش‌گفته موزه‌ها از انبارهای نگهداری عتیقه‌ها ممتاز می‌شوند. برای نمونه موزه فرش ایران در ضلع شمالی پارک لاله واقع شده است. این موزه در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۶ افتتاح شد. ساختمان موزه فرش ایران معماری شکیل و چشم‌گیری دارد که آذین‌های نمای بیرونی آن شبیه به دار قالی است. سطح نمایشی موزه مساحتی برابر ۳۴۰۰ مترمربع را در بر می‌گیرد که شامل دو تالار است و برای نمایش انواع قالی‌های دست‌بافت و گلیم مورد استفاده قرار می‌گیرد. تالار طبقه هم‌کف به نمایشگاه دائمی اختصاص دارد و تالار فوقانی جهت برگزاری نمایشگاه‌های موقت گلیم و قالی طراحی شده است. پژوهش در سوابق، تحولات و کیفیت تاریخی هنر و صنعت فرش، خاصه در ایران، گردآوری و خریداری نمونه‌های انواع قالی‌های دست‌بافت ایرانی و برگزاری نمایشگاه‌های موقت از فرش ایران و سایر نقاط جهان از اهداف موزه به شمار می‌آید. در موزه فرش انواع گلیم‌ها و فرش‌های دست‌بافت، با توجه به مرغوبیت و قدمت آن‌ها و با در نظر گرفتن ویژگی‌های قالی ایران از لحاظ رنگ آمیزی، طرح، نقش، بافت و تنوع مناطق قالی‌بافی حفظ و نگه‌داری می‌شود. مجموعه موزه فرش ایران شامل با ارزش‌ترین نمونه‌های قالی ایران از قرن نهم هجری تا دوره معاصر است و از منابع غنی تحقیقی برای پژوهشگران و هنر دوستان به شمار می‌آید. حدود ۱۳۵ تخته از شاه‌کارهای قالی ایران، بافت مراکز مهم قالی‌بافی مانند کاشان، کرمان، اصفهان، تبریز، خراسان، کردستان و جز آن‌ها، در تالار طبقه هم‌کف به معرض نمایش گذاشته می‌شود. در کتابخانه موزه حدود ۳۵۰۰ جلد کتاب به زبان‌های فارسی، عربی، فرانسه، انگلیسی و آلمانی در اختیار هنر دوستان و پژوهشگران قرار می‌گیرد. همچنین بهترین کتاب‌ها و نشریات و تحقیقات مربوط به فرش ایران و قالی‌های مشرق زمین به طور کلی و کتاب‌هایی در زمینه مذهب، هنر و ادبیات ایران در کتابخانه موزه موجود است. همچنین برای استفاده از بازدیدکنندگان موزه، فیلم‌ها و اسلایدهایی در زمینه قالی‌بافی و گلیم و هنرهای دستی ایران در سالن نمایش موزه به نمایش در می‌آید. موزه فرش ایران اخیراً برنامه‌های ارتباطی گسترده‌ای را با نسل جوان و اقشار مختلف مردم آغاز نموده است که در گزارش‌های بعدی منعکس خواهد شد.

هدف موزه‌ها تحقیق در مورد شواهد برجای مانده‌ی انسان و محیط زیست او و گردآوری، حفظ و ایجاد ارتباط بین این آثار به ویژه به منظور بررسی و بهره‌وری معنوی است. محل‌ها و آثار باستانی، طبیعی، مردم‌شناسی و تاریخی که به فعالیت در زمینه‌ی گردآوری، حفظ، نگهداری و نمایش آثار باستانی مشغول هستند، دارای ماهیت موزه‌ای هستند.

اگر به تاریخ تحول موزه‌ها توجه نماییم در خواهیم یافت که موزه‌ها در طول تاریخ دارای سه نقش مهم بوده‌اند:

نقش تفریحی

نقش آموزشی

نقش علمی

هدف از تاسیس موزه‌ها صرفاً اهداف فرهنگی و هنری نبوده بلکه کشورهایی که موزه‌ها را احداث می‌نمایند اهدافی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را نیز دنبال می‌نمایند: موزه‌ها می‌توانند تأثیر زیادی در توسعه گردشگری به خصوص گردشگری فرهنگی، نوآوری در آموزش و گسترش فرهنگ اصیل یک جامعه داشته باشند

ما نباید نقش تاریخی موزه‌ها را به عنوان مکانی برای اشتراک‌گذاری فرهنگ‌ها که منجر به درک و هم‌دلی بیشتر و در نتیجه تمدن می‌شود را نادیده بگیریم. در ماموریت موزه‌ها آورده‌اند که موزه‌ها چهار وظیفه اصلی گردآوری، نگهداری، نمایش و آموزش میراث انسانی را برای تبیین سیر تحول و تطور آن برعهده دارند. اما امروزه برای موزه‌ها علاوه بر چهار ماموریت پیش‌گفته جذب مخاطب و کشف استعداد‌های نوین از طریق تبادل تجارب و گفتگو را نیز افزوده‌اند. براین مبنا موزه‌هایی پویا و زنده تلقی می‌شوند



که در جذب بازدید کنندگان و ایجاد موقعیت مناسب که موجب بروز خلاقیت‌هایی در زمینه ارزش نهادن بر میراث‌شان با توسل به پژوهش‌های نوین از حیث ابزارهای جدید و زاویه نگاه (پارادایم) تازه موجب کشف استعداد‌های خلاق باشند.

این گزاره درست است که موزه‌ها هنگامی ارزشمندند که دارای مجموعه‌ای غنی از آثار باشند و در این شرایط نخستین اولویت کاری موزه داران، حفاظت از این گنجینه است. اما آنچه که درست‌تر بنظر می‌رسد و بسان تقدم و تاخر رتبی است، ارزش دادن به این موارد است. ارزشی که از مسیر پژوهش، نقد و ایجاد فضا و جریان گفتگوی مداوم و نوبه نو فراهم می‌آید. بر همین اساس برگزاری نمایشگاه‌های موضوعی و ادواری، انجام پژوهش‌های مدام درموارث و نیز برپایی نشست‌های تبادل تجربیات و انتقال این دست‌آورد‌ها با ابزارهای مختلف چون مجله، فیلم، کتاب، پایگاه اینترنتی، ساما نه‌های چند رسانه‌ای و کوشش برای جریان‌سازی فرهنگی مداوم از طریق برپایی

پرطرفدارترین شغل ها در سال ۱۴۰۴ خورشیدی



اگر به فکر این هستید که طی چند سال آینده شغل تان را عوض کنید یا فرزندان تان تا چند سال دیگر باید به فکر انتخاب رشته‌ی دانشگاه و انتخاب شغل باشند، بهتر است بدانید کدام شغل‌ها در آن سال‌ها ضرورت بیشتری پیدا می‌کنند تا مطمئن شوید که بیکار نخواهید ماند. این اطلاعات با استفاده از داده‌های آماری مثل افزایش جمعیت، پیر شدن جمعیت و ... به دست آمده‌اند.

شده در طول درمان را جمع‌آوری می‌کنند. طیف وسیعی از کارهای دفتری مانند زمان‌بندی قرار ملاقات، پاسخ به تلفن‌ها، تهیه‌ی مجدد منابع تمام شده، پر کردن فرم‌ها و دیگر کارهای دفتری نیز از وظایف این افراد است. کمک‌یاران مجاز نیستند که طیف وسیعی از وظایف دستیاران کاردرمانی را انجام بدهند.

دستیار کاردرمانی

دستیار کاردرمانی تحت نظارت مستقیم کاردرمانگر بیماران را در انجام فعالیت‌ها و تمرینات درمانی راهنمایی می‌کند. این فرد اغلب از تجهیزات تخصصی برای کمک به بیمار در دستیابی به سلامت کاملش استفاده می‌کند.

تحلیلگران محقق عملیاتی



این افراد با استفاده از تکنیک‌های پیشرفته مانند بهینه‌سازی، داده‌کاوی، تحلیل داده‌ها و مدل‌سازی ریاضی راه‌حلی را برای کسب‌وکار سازمان توسعه می‌دهند که موثر و مقرون به صرفه است.

مشاور مالی شخصی

این مشاوران به افراد در مورد مسائل مالی مانند سرمایه‌گذاری، بیمه، وام مسکن، برنامه‌ریزی املاک، مالیات و بازنشستگی و همچنین کمک به مدیریت امور مالی‌شان مشاوره می‌دهند.

در کل انتظار می‌رود که اشتغال تا سال ۱۴۰۴ هفت درصد افزایش پیدا کند که مشاغل حوزه‌ی مراقبت‌های بهداشتی و درمانی در این راه پیشرو هستند. در حقیقت بیش از نیمی از مشاغلی که در حال رشد سریع هستند در رابطه با مراقبت‌های بهداشتی هستند.

البته اگر دارید شغل جدیدی انتخاب می‌کنید، رشد تنها عامل مهم نیست، بلکه پتانسیل‌های درآمدی، آموزش‌ها و تمرینات لازم برای احراز شغل و رضایت شغلی هم مهم تلقی می‌شود. گام نهادن در یک شغل تضمینی که در آن دستمزدتان پایین است و یا اینکه در آن شاد نیستید بی‌معناست. فهرست زیر ۱۲ شغلی را رتبه‌بندی می‌کند که پیش‌بینی می‌شود در دهه‌ی بعدی ۳۰ درصد رشد پیدا کنند. به علاوه نوع تحصیلات و آموزش و رضایت شغلی مبتنی بر وضعیت فعلی مشاغل نیز بیان شده است.

پرستار خانگی

این افراد بیشتر کارهایی مثل جارو زدن و شستن لباس‌ها را برای بیمارانی انجام می‌دهند که نمی‌توانند از عهده‌ی کارشان بر بیایند. طیف کارهای یک پرستار خانگی از رسیدگی به زخم‌ها و دردهای سطحی بیماران تا کمک به حمام کردن آنها متفاوت است. این پرستاران وقت زیادی را با بیمار سپری می‌کنند و به مانند عضو خانواده‌ی او به حساب می‌آیند.

پرستار متخصص

پرستارانی با تحصیلات و آموزش سطح بالا هستند که می‌توانند سوابق بیمار را چک کنند، معاینه‌ی فیزیکی می‌کنند، درخواست آزمایش می‌دهند، نتایج آزمایش را تحلیل می‌کنند، دارو تجویز می‌کنند و مجوز آموزش و درمان بیماران را دارند. همچنین این پرستاران در حوزه‌های خاص مانند بیماری‌های اطفال و زنان در دانشگاه‌ها و موسسات تحقیقاتی نیز مشغول به کارند.

کمک‌یار کاردرمانی

کمک‌یاران کاردرمانی معمولاً منابع را آماده می‌کنند و تجهیزات استفاده

که می توانند به بیماران در کاهش درد، بهبود و بازیابی توانایی های حرکتی بدون عمل جراحی گران و استفاده ی طولانی مدت از داروهای عوارض دار کمک کنند.

آمارشناسان

افرادی که با آمار نظری یا کاربردی کار می کنند. آمارشناسان حرفه ای هم در بخش عمومی و هم در بخش خصوصی حضور دارند. ترکیب دانش آماری با تخصص دیگر افراد معمول است.

تکنسین خدمات توربین بادی



فردی که توربین بادی را شناسایی، رسیدگی، نگهداری و تعمیر می کند تا از کنترل کیفیت مناسب اطمینان حاصل شود.

منبع: تایم

فرصت ها و چالش های زنان کره جنوبی

ترجمه و نگارش: دکتر مهدیه حمزه ئی
بارقه هایی از امید در فرصت های آموزشی برای توسعه زنان، قانونگذاری و سیاست های دولتهای مختلف کره پیرامون زنان از دهه ۱۹۹۰ تا امروز به چشم نویسندگان آمده که درباره این نشانه های امیدبخش در فصل مشخصی سخن گفته اند و با نگاه عمیق به دیدگاه بخش های مختلف فعال در کره از جمله بخش خصوصی، سازمان های تجاری خانوادگی، بخش های حکومتی، آموزشی، و سازمان های مردم نهاد این کشور و نیز مصاحبه با رهبران زن، فرصت ها را واکاوی کرده اند. در نهایت نیز با مقایسه وضعیت و نرخ توسعه زنان در عرصه های بین المللی و کشورهای غیرآسیایی، کتاب را با این سؤال به پایان می برند که بالاخره کره چه زمانی خود را با معیارهای جهانی متناسب خواهد کرد؟ پرسشی که با ملاک قراردادن شاخص های آماری این کتاب از مشارکت و سهم زنان ممالک آسیایی در عرصه های مختلف رهبری نظیر کرسیهای کنگره و شوراهای محلی، سازمان های دولتی و بازار کار، شاید نه تنها به کره بلکه به دیگر کانتکستهای این قاره نیز قابل تمیم باشد.

مطالعه این اثر برای محققان و علاقه مندان به مطالعه تطبیقی در حوزه های اقتصاد، توسعه، مدیریت و رهبری زنان مفید خواهد بود.

کمک یار فیزیوتراپیست

افرادی که به بیماران در ورود و خروج به کلینیک کمک می کنند. این کمک به گونه ای است که آزادی و استقلال بیمار حفظ می شود.

دستیار فیزیوتراپیست

این افراد تحت هدایت و نظارت فیزیوتراپیست هستند و به بیمارانی که پس از بهبود بیماری و زخمشان دوباره احساس درد می کنند خدمات درمانی می دهند.

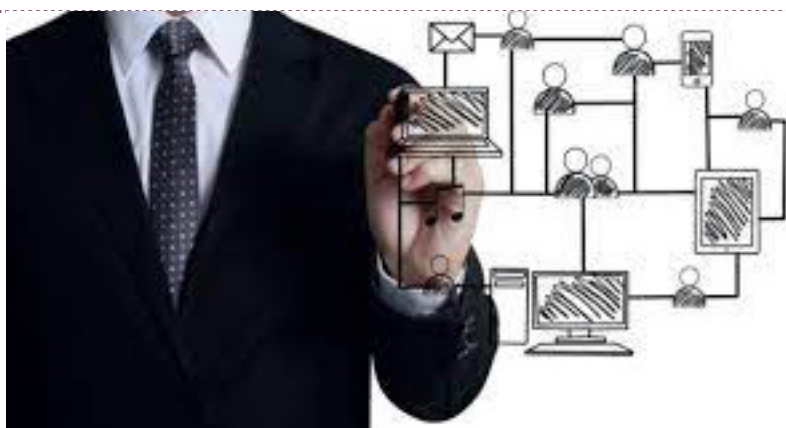
فیزیوتراپیست



افرادی با تحصیلات عالی و دارای مجوز مراقبت های بهداشتی هستند

زنان کره ای در رهبری (Korean Women in Leadership)
مجموعه مقالات ویراسته به قلم یونجو چو و گری ان. مک لین به سال ۲۰۱۸ توسط انتشارات بین المللی پالگریو مک میلان منتشر شده است. این کتاب طی شش فصل و پانزده بخش به عوامل تاریخی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کره جنوبی و تأثیر قدرتمند و چشمگیر آنها بر رهبران زن این کشور می پردازد. نابرابری جنسیتی و استفاده ناکافی از استعداد های زنان و هدر رفت استعدادهای آنها در جامعه کره، ریشه های عمیقی و بلندی دارد که از نقش های خانوادگی تا سازمانی و شغلی دامن گسترده است و به این ترتیب، توسعه شغلی و انتصاب زنان در نقش های عالی رتبه رهبری و مشارکت رهبران زن در سطوح مختلف مدیریت سازمانی به خاطر موقعیت و جایگاه پایین تری که نسبت به مردان دارند، حالا دارد به مساله ای بسیار چالش برانگیز تبدیل می شود. طبق شواهد ارائه شده در این کتاب، اگرچه زنان کره ای در آموزش و توسعه فردی، گوی سبقت از مردان ربوده اند و می کوشند بین کار و زندگی خانوادگی تعادل برقرار کنند؛ همچنان با سد سیاست های تنگ نظران و محدودیت های فرهنگی مواجه اند.

اما سرتاسر کتاب هم بر چالشها و محدودیت های تاریخی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این کشور آسیایی متمرکز نیست بلکه به تدریج



پدرآمدترین مشاغل خانگی جهان

در سال های اخیر مشاغل خانگی رشد روزافزونی داشته است. تصور خیلی سختی بود زمانی که شما برای استخدام شدن چهار پنج روز منتظر می ماندید، یا اینکه هر روز برای انجام کارهای اداره صبح از خانه خارج می شدید و هنگام عصر به خانه بازمی گشتید. با پیشرفته تر شدن تکنولوژی و تغییر روندها در اقتصاد، مستقل کار کردن، بیشتر از گذشته رایج شده است. هرگز این تصور اشتباه را نداشته باشید که مشاغل خانگی به مانند یک کار نیمه وقت و تنها برای پرداخت مبالغ اندک است. شما می توانید به اندازه یک شغل اداری کار کنید و دستمزد به دست آورید؛ به شرطی که دارای مهارت ها و قابلیت های خاصی باشید. در این گزارش فهرستی از پردرآمدترین مشاغل خانگی جهان را به شما معرفی می کنیم. هرچند به نظر می رسد مشاغل مشابه در ایران چنین درآمدهایی ندارند.

مترجمی

به عنوان یک مترجم مستقل، شما می توانید متنی را از یک زبان به زبان های دیگر ترجمه کنید. این شغل یکی از مشاغل کامل و از راه دور است. مترجمی شغل بسیار ساده ای است که شما می توانید آن را در منزل خود انجام دهید.

گاهی اوقات ممکن است که شما نیاز به تجدید نظر در کار خود داشته باشید. اما اگر شما به اندازه کافی دارای استعداد و مهارت در ترجمه کلمات هستید، می توانید این شغل را به عنوان شغل اصلی خود به حساب آورید.

اگر در یک یا چند زبان خارجی تسلط دارید و با سبک های مختلف نوشتاری آشنا هستید، این شغل مناسب شماست. شغلی که می تواند گاهی کاملاً خسته کننده به نظر برسد اما با توجه به مدیریت زمان که این هم یکی از مهارت های شما باید باشد، می توانید در این شغل موفق باشید.

صدایپیشه

شاید در اولین نگاه به واژه «صدایپیشه» ذهن شما به سمت دوبله و صداگذاری و صحبت کردن به جای بازیگران سینما و تلویزیون بیفتد. اما واقعیت این است که شما می توانید با استفاده از صدای خود و به صورت مستقل برای شرکت های تولید کتاب های صوتی، آثار انیمیشن، بازی های کامپیوتری، وبسایت ها، فیلم ها و دیگر موارد فعالیت کنید و این شغل می تواند هم برای شما یک سرگرمی باشد و هم درآمد قابل توجهی به همراه بیاورد. اما باید به این نکته توجه داشت تمام این موارد منوط به این است که شما واقعاً از صدای خاصی برخوردار باشید.

تحلیلگر آماری

به عنوان یک تحلیلگر آماری، شما باید در تفسیر داده های کمی و همچنین طراحی مدل های آماری برای مسائل پژوهشی فعالیت کنید. در این شغل حفظ پایگاه داده ها و اطمینان از اعتبار داده نیز در بسیاری از موارد مورد نیاز است.

تجزیه و تحلیل آماری یک میدان بسیار وسیع است و شما باید به صورت کاملاً تخصصی در تحلیل و تجزیه انواع خاصی از داده ها مانند: اطلاعات مهندسی، بازاریابی، بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی و دیگر موارد فعالیت کنید. ذکر این نکته مهم است که یک تحلیلگر آماری به مانند دیگر مشاغل تخصصی، نیازمند آموزش های رسمی، تحصیلات دانشگاهی و به روز است.

طراح اینفوگرافیک

امروزه طراحان اینفوگرافیک در حال تبدیل شدن هرچه بیشتر از یک ابزار قدرتمند به یک ترسیم کننده اطلاعات دقیق هستند. این روزها، واقعاً به نظر نمی رسد که هیچ کس آنقدر زمان صرف کند تا از طریق جست و جو در میان مقالات و صفحات وب به جزئیات اطلاعات دسترسی پیدا کند. بنابراین این روزها تقاضا برای اینفوگرافی است شدن در حال افزایش است و این حرفه برای بسیاری از افراد جویای تخصص کار، بسیار ارزشمند است. با این حال شما باید به خوبی با ابزار تجسم و ترسیم داده ها آشنا و بر آن مسلط باشید و همچنین باید خیلی مراقب باشید که اطلاعات ترسیم شده ای که ارائه می دهید بر اساس داده های درست باشد. اگر شما دارای چنین تخصصی باشید می توانید به راحتی در منزلتان این حرفه را دنبال کنید و به درآمدی نسبتاً خوب دست یابید.

طراح گرافیک

تقاضا برای به خدمت گرفتن طراحان گرافیک مستقل نیز روزبه روز در حال افزایش است. اگر از خلاقیت های ویژه ای برخوردار هستید می توانید این حرفه را در منزل خود دنبال کنید. گرافیکست کسی است که بر مبنای سفارشی که به او می دهند و با تکیه بر هنر خود، پیام یا ایده ای را به کمک تصویر و حروف به مخاطب انتقال می دهد. امکان کار به صورت مستقل و پروژه ای برای گرافیکست به میزان زیادی فراهم است. بسیاری از گرافیکست ها با گرفتن سفارش از مشتری، در زمان تعیین شده کار را آماده و به مشتری تحویل می دهند.

طراحان گرافیک به طور مداوم توسط شرکت ها، آژانس های تبلیغاتی، روزنامه ها، خرده فروشان، و وبسایت دعوت به همکاری می شوند. شما به زودی می توانید به مانند یک مشتری برای بسیاری از شرکت ها تبدیل شوید. این یک فرصت شغلی بسیار بزرگ است که نیاز به آموزش های خیلی رسمی هم ندارد. خلاقیت شماست که با مشتریان صحبت می کند.

انیماتور

یک انیماتور می تواند در زمینه های گوناگون از جمله فیلم و کارتون های تلویزیونی، بازی های ویدیویی و اینترنت کار کند. به سازنده انیمیشن انیماتور می گویند. بسیاری از انیماتورها به صورت قراردادی و سفارشی کار می کنند مثلاً سفارش ساخت یک تیزر تبلیغاتی را گرفته و در زمان مقرر باید آن را تحویل دهند. ممکن است برای شروع، شما هزینه های زیادی را صرف خرید ابزارهای آن از جمله نرم افزارها و سخت افزارهای کامپیوتری کنید اما به محض اوج گرفتن کارتان، درآمدی که نصیبتان خواهد شد به مراتب بالاتر از سرمایه گذاری اولیه تان خواهد بود.

شما نیاز به منابع گران قیمت در نرم افزار انیمیشن، و همچنین به عنوان سخت افزار کامپیوتر قادر به ایجاد انیمیشن سریع. با این حال، هنگامی که شما شروع به گرفتن مشتریان، سرمایه گذاری اولیه خود را برمی گرداند به مراتب بیشتر است. توجه به این نکته حائز اهمیت است که شغل انیماتوری، یک شغل رقابتی است و به مرور زمان شما نیازمند یک تیم کاری خواهید شد.

نوشته: مجتبی پورحبیبی / برگرفته: اقتصاد نیوز



مهندس نرم افزار

در سال های اخیر تقاضا برای به کارگیری از مهندسان نرم افزار افزایش یافته و همچنین فرصت های شغلی بسیاری در بازار آزاد در اختیار آنان قرار گرفته است.

این روزها تقریباً همه کسب و کارها می خواهند یک وبسایت و یک برنامه مخصوص به خود داشته باشند. با توجه به گسترش روزافزون دنیای رایانه امروزه بیش از هر زمان دیگری نیاز به متخصصان رایانه احساس می شود. علاوه بر این حضور همیشگی یک مهندس نرم افزار ضرورتی است که همه کسب و کارها به ارزش های اجتماعی و اقتصادی آنان واقف هستند، زیرا بهره وری را بالا برده، چند و چون کسب و کار آنان را بهتر می کنند.

بلیت فروش آژانس مسافرتی

کار به عنوان یک بلیت فروش آژانس مسافرتی در منزل می تواند بسیار برای شما هیجان انگیز باشد. شما می توانید در این زمینه بسیار موفق باشید و ضمن صرفه جویی در وقت و زمان، از درآمدی خوب برخوردار شوید. همه این موارد بستگی به این دارد که تعریف و درک شما از «مسافرت خوب»، سفر و گردشگری چیست؟

شما می توانید در منزلتان برای یک آژانس مسافرتی یا اجاره اتومبیل، هتل ها، راه آهن و تورهای مسافرتی فعالیت کنید و در مورد چگونگی ارائه خدمات عمومی و خصوصی، به مسافران اطلاعات ارائه دهید.

مدیر مالی

مدیریت مالی مدیریت کارای پول و منابع است برای دستیابی به اهداف یک شرکت، موسسه و یا یک سازمان. اما شما می توانید این حرفه را از منزلتان نیز پیگیری کنید.

در این حرفه، شما مسئول حمایت مالی مناسب مشتریان و کمک کردن به آنها برای انتخاب کسب و کار مناسب هستید. یک مدیر مالی می تواند برای شرکت های مالی، خرده فروشان، سازمان های خیریه، دانشگاه ها، کسب و کارهای عمومی و دیگر موسسات، بسیار ارزشمند باشد. هدف مدیریت مالی افزایش ارزش شرکت و در نتیجه افزایش ثروت سهامداران می باشد. با این حال، اگر شما می خواهید این حرفه را دنبال کنید لازم است که آموزش های رسمی و تحصیلات دانشگاهی مرتبط با آن را نیز گذرانده باشید.

نویسندگی

فرصت های بسیاری برای حرفه نویسندگی وجود دارد. شما می توانید چه به صورت چاپ و چه به صورت نشر آنلاین فعالیت کنید. با رشد اینترنت، فرصت نوشتن آنلاین همیشه در حال افزایش است. شما می توانید در زمینه های مختلف از جمله بهداشت، آموزش، مشاوره، ورزش، موسیقی و سیاست مطلب بنویسید. اما اگر شما واقعاً دوست دارید حرفه نویسندگی را دنبال کنید باید همیشه موضوعاتی را که به آنها علاقه مند هستید پیدا کنید.

ایالات متحده در برابر چین

نویسنده : داوود سلیمانچی



ایالات متحده در برابر چین: چه کسی برنده نبردهای کلیدی فناوری است؟
چین در ۵G پیشتاز است، اما ایالات متحده در سایر فناوری مهم دیگر پیشتاز است - در حال حاضر

برخی از مهم ترین زمینه های نوآوری می پردازیم.

فناوری ۵G

ویلیام بار (دادستان کل امریکا) در ماه فوریه با پیشنهاد اینکه واشنگتن و متحدانش باید در نظر داشته باشند، جایگاه ایالات متحده در ۵G را در چه موقعیتی قرار داده است. متحدان این کشور باید در نظر داشته باشند که در گروه شرکت نوکیا، رقیب هواوی، منافع مالی داشته باشند (شرکت نوکیا ۰.۳۶ درصد و اریکسون ۱ درصد)، و دو در اروپا مستقر هستند. کاخ سفید بعداً ایده خرید هر یک از شرکت ها را رد کرد، اما اظهارات آقای بار همچنان بر این نکته تأکید داشت که چگونه هیچ غول آمریکایی برای به چالش کشیدن هواوی، بزرگ ترین سازنده تجهیزات مخابراتی جهان، مانند سخت افزار رادیویی روی برج های سلولی که داده ها را دریافت و ارسال می کند، وجود ندارد. برای تلفن های همراه و دستگاه های دیگر. پس از شرط بندی های بد، آنچه از قهرمانان سابق آمریکایی لوستن و موتورولا باقی مانده بود، توسط نوکیا فنلاند و اریکسون سوئد خریداری شد. آنها به نوبه خود در حالی که با هواوی رقابت می کنند، وعدم سودآوری در حین رقابت با هواوی، که تقریباً سهم بازار رقبا اروپایی خود را از طریق محصولات پیشرفته و قیمت های پایین خود به دست آورد.

ایالات متحده تعدادی پخش کننده ۵G دارد. شرکت Cisco Systems Inc. ۰.۳۹ درصد، بزرگترین سازنده روترها و سوئیچ های پشت صحنه است که به تجهیزات سلولی متصل می شوند. شرکت Qualcomm Inc. ۳.۱۲ درصد و شرکت InterDigital Inc. ۱.۳۰ درصد، شرکت های دارای مالکیت معنوی پیشرو هستند که حق امتیاز برای پتنت های فناوری سلولی کسب می کنند.

اما این بازارها نسبتاً کوچک هستند و هواوی در هر دوی اینها نقش دارد. و بیش از ۶۰ درصد از هزینه های سرمایه ای ۵G یک شرکت مخابراتی بی سیم می تواند صرف تجهیزات سلولی مانند رادیو شود، بازاری که هواوی پیشتاز است. دیمتریس ماوراکیس، مدیر تحقیقات ۵G در شرکت مشاوره بازار ABI Research می گوید: «همه پول در رادیو است.»

تجهیزات سلولی پیشرفته فن آوری هواوی و توانایی آن در تولید سریع آن، به چین کمک کرد تا به سرعت ۵G را راه اندازی کند و بیشتر کشور را به آزمایشگاهی بالقوه برای فناوری های وابسته به ۵G، مانند

در جهانی که قدرت ژئوپلیتیکی به طور فزاینده ای با پیشرفت تکنولوژی مرتبط است، ایالات متحده مدت هاست که رقباي خود را رهبری می کند. شرکت های آمریکایی سریع ترین رایانه ها، مرگبارترین جنگنده های جت و تواناترین روبات ها را می سازند.

اما اقتصاد رو به رشد چین - در حال حاضر دومین اقتصاد بزرگ جهان - و سرمایه گذاری های عظیم دولت در فن آوری ها در حال از بین رفتن این مرز است که قبلاً هرگز نبوده است.

چنین پیشرفتی باعث جنگ تجاری و اقتصادی پریزدنت ترامپ و حالا بایدن با پکن شده است که شامل تعرفه ها، کنترل صادرات و سرکوب دانشمندان چینی است که ادعا می شود اسرار شرکت های آمریکایی را می دزدند.

هنوز مشخص نیست که ویرانی اقتصادی ناشی از ویروس کرونا چگونه رقابت را تغییر خواهد داد، اما یک چیز مسلم است: این بیماری کار زیادی برای کاهش تنش ها انجام نداده است. به گفته افراد آشنا، دولت امریکا در حال بررسی محدودیت های جدیدی است که برای ممانعت از توانایی چین در ساخت نیمه هادی های پیشرفته طراحی شده است. رئیس شرکت فناوری هواوی، غول مخابراتی چین، ماه گذشته هشدار داد که در صورت پیشبرد این طرح، پکن محدودیت های خود را اعمال خواهد کرد.

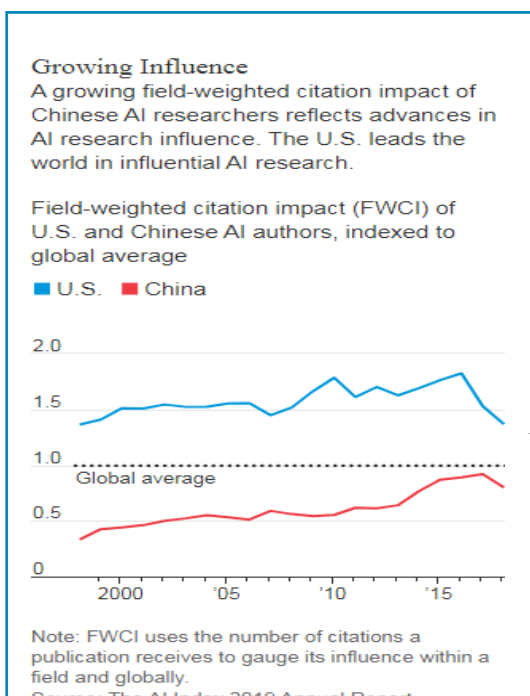
مشهودترین نبرد تکنولوژیکی بر سر ۵G بوده است، شبکه های سلولی فوق سریع که قول می دهند پایه و اساس فناوری های فردا باشند. دولت ایالات متحده اقدامات فوق العاده ای را برای خنثی کردن هواوی، رهبر فناوری سلولی که واشنگتن آن را تهدیدی برای امنیت سایبری می داند، انجام داده است.

این نبرد به فناوری های دیگری نیز کشیده شده است که مانند ۵G، امروز زندگی را تغییر نمی دهند، اما می توانند نحوه زندگی، کار و جنگ ما را در آینده ای نه چندان دور تغییر دهند. هوش مصنوعی اغلب به عنوان پایه اصلی یک انقلاب صنعتی جدید با کاربردهایی مانند واقعیت افزوده و جراحی از راه دور معرفی می شود. محاسبات کوانتومی می تواند به کشف داروهای جدید و رمزگشایی داده های رمزگذاری شده که زمانی تصور می شد غیرقابل شکستن بود، کمک کند. وسایل نقلیه خودران می توانند اساساً سیستم های حمل و نقل و زیرساخت های ما و نحوه تردد همه ما را اصلاح کنند. تراشه های کامپیوتری پیشرفته مانند مغزهای دیجیتالی عمل می کنند که همه آن را هماهنگ می کنند.

در اینجا چگونگی شکل گیری نبرد فناوری بین ایالات متحده و چین در

ایالات متحده مثل گروه مایکروسافت ۰.۱۱ Microsoft Corp درصد شرکت ۲۲ GOOG (Alphabet Inc. درصد) ، پل تریلو، تحلیلگر شرکت مشاوره ریسک سیاسی گروه اوراسیا، می گوید گوگل و دیگران به وضوح پیشرو هستند. غول های فناوری آمریکایی مبالغ زیادی برای خرید هوش مصنوعی دارند که از آن در موتورهای توصیه سازی، تبلیغات هدفمند و فیلتر کردن خودکار تصاویر و ویدیوهای زشت یا ممنوعه و سایر زمینه ها استفاده می کنند. برخی نیز خدمات هوش مصنوعی را می فروشند و به شرکت ها، دولت ها و ادارات پلیس اجازه می دهند از قدرت الگوریتم های خود بهره ببرند.

ایالات متحده، ترکیبی از دانشگاه های پیشرو برخی از بهترین تحقیقات و استعداد های هوش مصنوعی جهان را به دلیل تولید می کند، شرکت های فناوری با جیب عمیق و گشودگی به روی ایده ها و افراد از سراسر جهان تولید می کند - مناطقی که ایالات متحده از مزیت پایدار حداقل در آن برخوردار است. در میان مدت آقای تریلو می گوید توقف مبادلات آکادمیک و تجاری با کارشناسان کانادایی، اروپایی، اسرائیلی و حتی چینی برای ایالات متحده برای حفظ مزایایی که دارد بسیار مهم است. او می گوید: به نوعی صنعت هوش مصنوعی هنوز در مراحل ابتدایی خود است و بسیاری در رشد و بلوغ آن سهیم هستند. "این ممکن است مهمتر از سطح بودجه در تعیین موفقیت شرکت های آمریکایی در استفاده از هوش مصنوعی در بخش های جدید و مهم مانند رانندگی مستقل و مراقبت های بهداشتی باشد."



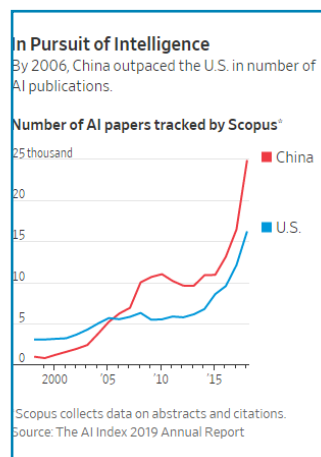
محاسبات کوانتومی

برخلاف رایانه های امروزی که از جریان های یک و صفر برای رمزگذاری داده ها استفاده می کنند، رایانه های کوانتومی از ویژگی هایی در مقیاس اتمی استفاده می کنند که به ذرات اجازه می دهد در بیش از دو حالت وجود داشته باشند. این پیچیدگی افزوده به آنها این توانایی را می دهد

خودروهای خودران، تبدیل کند. در همین حال، محدودیت های امواج هوایی ساخت شبکه های ۵G ایالات متحده را کند کرده است. با این حال، اعلام برنده شدن چین در رقابت ۵G زود است، به ویژه از آنجایی که واشنگتن ابزارهای بیشتری برای کاهش تسلط هواوی در صنعت تجهیزات سلولی و تجارت گوشی های هوشمند، که در آن یک رهبر جهانی نیز است، در اختیار دارد.

دان وانگ، تحلیلگر فناوری مستقر در پکن در شرکت تحقیقاتی Gavekal Dragonomics می گوید: «سازمان های فدرال در واشنگتن در حال حاضر در حال بحث هستند که آیا و چگونه تحریم های هواوی را تشدید کنند یا خیر». اگر این کار را انجام دهند، عملکرد هواوی از راه های عمده ای مختل می شود، به طوری که ممکن است در ساخت گوشی های هوشمند و تجهیزات ۵G با مشکل مواجه شود.»

هوش مصنوعی



سه سال پیش، پکن اعلام کرد که قصد دارد تا سال ۲۰۳۰ پیش از جهان در هوش مصنوعی باشد و تنها یک صنعت داخلی به ارزش حدود ۱۵۰ میلیارد دلار را پیش بینی کند.

غول های فناوری چینی که به صورت عمومی معامله می شوند، از جمله Alibaba Group Holding Ltd (شرکت علی بابا) ۲.۳۲ درصد (و شرکت Baidu Inc. ۴.۹۷ درصد)، که میلیاردها دلار برای تحقیقات هوش مصنوعی سرمایه گذاری کرده اند و آزمایشگاه هایی را در چین و دره سیلیکون راه اندازی کرده اند، با استفاده از باز بودن دومی. این امر باعث شده است که آنها در زمینه هایی مانند الگوریتم های تجارت الکترونیک و تشخیص چهره از رقبای جهانی پیشی بگیرند. جمعیت عظیم چین، زیرساخت های نظارتی و نگرش سستر نسبت به حقوق حریم خصوصی، حجم عظیمی از داده ها را تولید می کند که هوش مصنوعی همیشه هوشمندتری تولید می کند.

اما در حالی که چین ممکن است تحقیقات بیشتری در زمینه هوش مصنوعی داشته باشد و در برخی از زیرمجموعه های مهم هوش مصنوعی مانند تشخیص چهره جلوتر باشد، ولی در همه آنها جلوتر نیست. پل می گوید: وقتی نوبت به تحقیق در مورد هوش عمومی مصنوعی یا هوش مصنوعی با توانایی های تفکر مانند انسان می رسد، شرکت های بزرگ

های کوانتومی برای برقراری ارتباط سریع و ایمن گسترش می یابد. این جایی است که چین ممکن است مزیت داشته باشد. این کشور به رهبری Pan Jian-Wei، که «پدر کوانتوم» چین نامیده می شود، ارتباطات کوانتومی، حسگرها و رادارها را تحت فشار قرار داده است - همه مناطق با کاربردهای نظامی احتمالی. این کشور در سال ۲۰۱۶ ماهواره ای به نام Micius را به فضا پرتاب کرد که از پرتوهای فوتون در حالت کوانتومی استفاده می کند که انتقال را در برابر رهگیری غیرقابل نفوذ می کند. این شرکت در حال ساخت یک آزمایشگاه بزرگ علوم اطلاعات کوانتومی (پروژه ای با قیمت ۱۰ میلیارد دلار) در شرق چین است.

بنابراین کارت امتیازی تقسیم می شود: ایالات متحده در محاسبات کوانتومی پیشتاز است و چین در ارتباطات کوانتومی و رمزگذاری پیشتاز است. السا کانیا، محقق مرکز امنیت جدید آمریکا می گوید: پیش بینی آینده دشوار است زیرا پیشرفت هایی که این حوزه را شکل خواهد داد، احتمالاً هنوز چندین دهه زمان نیاز است.

او می گوید: «ما در مرحله نسبتاً اولیه ای هستیم که فکر می کنیم می توان آن را با دقت بیشتری به عنوان یک ماراتن توصیف کرد.

فناوری (EDGE) Enhanced Data for Global Evolution می رود به ایالات متحده در محاسبات کوانتومی، چین در ارتباطات کوانتومی

نیمه هادی ها

چین ده ها میلیارد دلار در طول دهه ها گذشته صرف تلاش برای دستیابی به نیمه رساناها، مواد ضروری در رقابت برای رایانه ها و گوشی های هوشمند پر سرعت و سلاح های پیشرفته تر کرده است. آمارهای انجمن صنایع نیمه هادی، مستقر در واشنگتن، حاکی از آن است که صادرات تراشه های ایالات متحده به چین برای سال ها تقریباً در همان سطح باقی مانده است و شرکت های چینی حتی در داخل کشور سهم بازار فوق العاده ای را به دست نیاورده اند.

طبق آمار SIA، تا سال ۲۰۱۸ حدود ۴۷.۵ درصد از تراشه های فروخته شده در چین آمریکایی بوده است.

همسایگان چین جایگاه برجسته ای را برای خود در زنجیره تامین نیمه هادی های جهانی ایجاد کرده اند، به طوری که شرکت سامسونگ الکترونیکس کره جنوبی به تامین کننده غالب گوشی های هوشمند و تراشه و شرکت تولید نیمه هادی تایوان به بزرگترین تولید کننده تراشه های قراردادی جهان تبدیل شده است.

این مدلی است که چین هرگز نمی تواند آن را تکرار کند. سازنده پیشرو تراشه کشور، گروه Semiconductor Manufacturing International Corp. - ۳۶ درصد، قادر به تولید پیشرفته ترین تراشه ها با کوچکترین ترانزیستورها نیست.

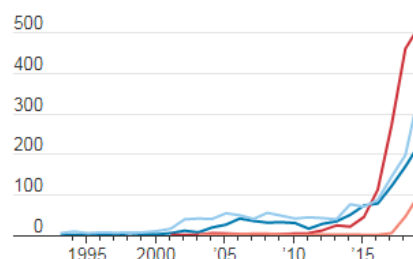
برخی برآوردها حاکی از آن است که چین پنج تا هفت سال از ایالات متحده و تایوان در زمینه فناوری تراشه عقب تر است، اما ممکن است

Patent Frenzy

China has exponentially increased the number of quantum information technology (QIT) patents, largely in software.

Number of QIT patent families* by priority country and technology type

China hardware U.S. hardware
China software U.S. software



*By earliest publication year. A patent family is a set of patent applications covering similar technical content.

Source: Patinformatics

که اطلاعات بیشتری را با سرعت بیشتری پردازش کنند، به طور بالقوه بسیار فراتر از قدرت ابررایانه ها. استفاده از این پتانسیل احتمالاً یک دهه یا بیشتر طول خواهد کشید. کامپیوترهای کوانتومی امروزی دارای تعداد نسبتاً کمی بیت کوانتومی یا کیوبیت هستند که با آنها می توان محاسبات را انجام داد. رسیدن به نقطه ای که تعداد آنها برای انجام سریع محاسبات سخت وجود داشته باشد، آسان نخواهد بود.

از آنجایی که رایانه های کوانتومی در نهایت می توانند به اندازه کافی قدرتمند باشند تا روش های فعلی رمزگذاری را شکست دهند و شبیه سازی های پیچیده برای کشف داروهای جدید را اجرا کنند، این زمینه سرمایه گذاری زیادی از منابع سرمایه خصوصی و دولت ها را به خود جلب کرده است.

ایالات متحده پیشرو آشکار جهان در ساخت کامپیوترهای کوانتومی است. گوگل سال گذشته ادعا کرد که دستگاه ۵۴ کیوبیتی خود، که در اندازه گیری احتمالات در اعداد تصادفی خروجی برتری دارد، به «برتری کوانتومی» دست یافت و محاسبه ای را انجام داد که در یک رایانه کلاسیک امکان پذیر نبود - یا حداقل عملی نبود. گروه International Business Machines - آی بی ام، ۴۱ درصد و یکی دیگر از شرکت های آمریکایی رقیب گوگل که یک کامپیوتر کوانتومی دارد، این نتیجه را رد کرد و گفت که این محاسبه در واقع می تواند با یک ابر رایانه در مدت زمان معقولی انجام شود. دانشمندان چینی کامپیوترهای کوانتومی ساخته اند، اما تحلیلگران می گویند سال ها از ایالات متحده عقب هستند.

با این حال، فناوری کوانتومی فراتر از رایانه ها است و به استفاده از ویژگی

مورد نیاز برای شناسایی شوند. موانع در جاده و تسلط ایالات متحده بر صنعت نیمه هادی ها به شرکت های آمریکایی برتری در ساخت تراشه هایی می دهد که اساساً مغز چنین وسایل نقلیه ای خواهند بود.

کمپانی McKinsey & Co در گزارشی در سال گذشته اعلام کرد که شرکت های چینی دو تا سه سال از رقبای بین المللی در قابلیت های مهم مورد نیاز برای خودروهای خودران عقب بودند. اما در بلندمدت، چین آماده است که جلوتر باشد. این در حال حاضر بزرگترین بازار خودرو در جهان است و محیط نظارتی کشور - مانند محدودیت در دسترسی به نقشه ها در زمینه امنیت ملی و همچنین الزام شرکت های خارجی به مشارکت با شرکت های داخلی - به نفع قهرمانان داخلی است که سعی می کنند بازار را در آنجا به دست آورند. شامل Baidu، Didi Chuxing Technology Co. و Pony.ai می باشد.

نیکولای هرسکیند، از شرکت مشاوره اسکاندیناوی کوارتز، می گوید: «رقابتی بودن برای شرکت های آمریکایی دشوار خواهد بود. جمعیت عظیم چین به شرکت های چینی داده های بیشتری می دهد که می توانند برای اصلاح فناوری خودروهای خودران استفاده کنند. همچنین به این کمک می کند که چینی ها تمایل بیشتری به امتحان خودروهای خودران داشته باشند. در حالی که ۴۸ درصد از آمریکایی ها در نظرسنجی دیلویت در سال ۲۰۲۰ گفتند که فکر می کنند وسایل نقلیه خودران ناامن هستند، تنها ۳۵ درصد از پاسخ دهندگان چینی همین موضوع را داشتند.

پیشروی چین در زیرساخت های ۵G به این معنی است که شرکت های خودروسازی این کشور می توانند در شرایط واقعی آزمایش کنند که چگونه از فناوری بی سیم می توان برای ارسال نقشه و داده های ترافیکی به خودروها یا حتی کنترل از راه دور وسایل نقلیه در برخی شرایط استفاده کرد.

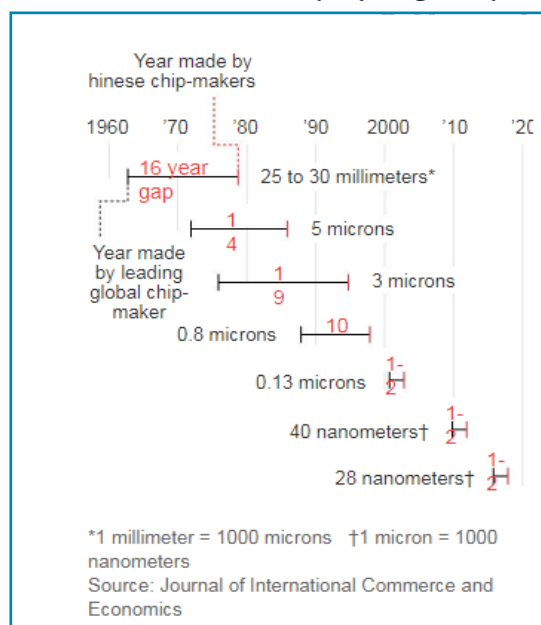
اما آندری بردیچفسکی، مدیر مرکز راه حل های حرکتی آینده دیلویت، می گوید با توجه به اینکه چگونه دولت ها به شدت تست ها و فناوری خودروهای خودران را تنظیم می کنند، محتمل ترین نتیجه مسابقه فناوری خودروهای خودمختار، دنیای دوشاخه ای است - مشابه آنچه ایالات متحده و چین دارند. در حال توسعه اکوسیستم های خود برای سایر سخت افزارها و نرم افزارها هستند.

آقای بردیچفسکی می گوید: «من انتظار دارم که بازیگران آمریکایی و چینی ابتدا در بازارهای داخلی خود موفق شوند، اما قوانین و درک مصرف کننده، شکوفایی هر یک از طرفین در قلمرو طرف دیگر را بدون شریک محلی دشوارتر می کند.

مدت بیشتری طول بکشد تا چین به عقب تر از آن برسد زیرا تراشه های پیشرفته یک هدف متحرک هستند. تا زمانی که چین بتواند تراشه هایی بسازد که با بهترین تراشه های موجود رقابت می کنند، بقیه صنعت احتمالاً جهش دیگری به جلو خواهند داشت.

با این حال، چین با جایگزینی تراشه های آمریکایی در بسیاری از دستگاه های الکترونیکی شرکت هایش با ترکیبی از تراشه های داخلی و تراشه های تولید شده از شرکت های غیر آمریکایی، مقامات آمریکایی را شگفت زده کرده است. بر اساس اطلاعاتی که بانک سرمایه گذاری UBS در دستگاه های خود سفارش داده بود، جدیدترین phablets هواوی که سال گذشته عرضه شد، فاقد تراشه های آمریکایی بودند.

شکاف فناوری نیمه هادی چین با سازندگان پیشرو جهانی تراشه، بر اساس اندازه تراشه



در کوتاه مدت، استراتژی نیمه هادی چین بر کاهش اتکا به ایالات متحده متمرکز است، که اغلب به معنای یافتن جایگزین های غیر چینی دیگر است. با این حال، در درازمدت، بسیاری از ناظران صنعت فکر می کنند که این موضوع مهم است که سرمایه گذاری های عظیم چین در ساخت تراشه در نهایت چه زمانی به ثمر می رسد.

جیم لویی، معاون ارشد مرکز مطالعات استراتژیک و بین المللی، اتاق فکر واشنگتن دی سی، می گوید: «اگر بخواهید میلیاردها دلار برای ده ها سال خرج کنید، در نهایت به آن خواهید رسید».

وسایل نقلیه خودران

کسب و کارهای سیلیکون مانند Waymo گوگل و شرکت جنرال موتورز در آزمایش فناوری خودروهای بدون راننده، به شرکت های آمریکایی کمک کرد تا پیش از اولیه در سخت افزار حسگر، مانند دوربین ها و رادار

منابع

در آینده ای نزدیک. روبات ها جایگزین انسان ها در این ۸ شغل و حرفه می شوند

ترس از ماشین هایی که جایگزین انسان شوند؛ به قرن نوزدهم و زمان ورود ماشین آلات بافندگی مکانیکی برمی گردد. اما به نظر می رسد هیچ زمانی به اندازه امروز، ماشین ها و روبات ها مشغال انسانی را تهدید نمی کنند. کلان داده، بهبود الگوریتم ها و افزایش قدرت محاسباتی دست در دست هم دیگر دادند تا هوش مصنوعی را شتاب دهند.

در این میان، برخی از مشاغل مانند پزشکی، معلمی و مناسب دولتی از سوی روبات ها کمتر تهدید می شوند و هنوز هوش مصنوعی آن قدرها قدرتمند نشده که جای شان را بگیرد.

یک مطالعه از سوی موسسه McKinsey Global Institute نشان می دهد در ۶۰ درصد مشاغل، کمتر از ۳۰ درصد کارها را می توان به صورت خودکار انجام داد ولی در برخی مشاغل باید گفت تمام کار توسط روبات قابل انجام است. در زیر، ۸ شغلی که پیش بینی می شود طی همین سال های آینده توسط روبات ها تصرف شوند را مرور کردیم:

تحلیل گر اطلاعات

کاری که سال ها است توسط کامپیوترها انجام می شود؛ برای روبات ها بسیار ساده تر خواهد بود. به نظر می رسد از ابتدا سمت «تحلیل گر اطلاعات» برای روبات ها ساخته شده است.

در حال حاضر، نرم افزارها و محصولات زیادی مانند Blue یا Datamatics و Automation Anywhere و Prism می توانند مجموعه ای از کارهای اطلاعاتی و تحلیل آنالیز داده ها را انجام دهند.

این سیستم ها به راحتی آموزش داده می شوند که چگونه اطلاعاتی را مثلاً از درون یک فایل ورد یا اکسل خارج کرده و در نرم افزار دیگر کپی کنند. بعد، آموزش می بینند که چگونه این اطلاعات را جمع آوری و تحلیل کنند.

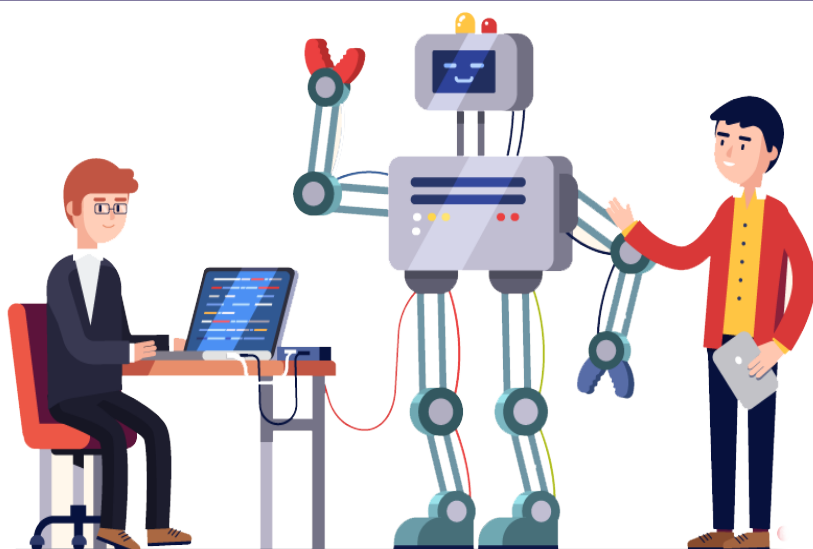
نرم افزارهایی وجود دارد که می توانند تمام اطلاعات در جریان یک شرکت را پایش کرده و تناقض ها یا ناهنجاری های دیتایی را خارج و گزارش کنند.

کارگران فست فود

برندها و رستوران های زنجیره ای معروف فست فودی در حال استخدام روبات های همبرگرساز یا فروشنده ساندویچ هستند.

از سوی دیگر، نرم افزارهای سفارش غذا به طور خودکار می توانند سفارش های کاربران را دریافت کرده، هزینه را حساب کنند و با آماده کردن بسته ها، پیک ها را به در خانه های مشتریان روانه کنند. کلان داده و الگوریتم های هوش مصنوعی کمک کردند تا فروشنده های روباتی در رستوران ها و فست فودها، بهترین خدمات و سرویس ها را به مشتریان بدهند. به علاوه، براساس اطلاعات و آماری که از مشتریان دارند؛ می توانند پیشنهاداتی جذاب و متناسب با ذائقه و علاقه مندی هر مشتری بدهند.

این روزها در برخی شعب رستوران های مک دونالد، Panera



فروشنده ها

شغل فروشنده گی در فروشگاه های بزرگ یکی از مشاغلی است که روبات ها برایش دندان تیز کردند. فروشنده گی کار ساده و تکراری است که پیچیدگی های زیادی ندارد. فهرست گیری اجناس، تحویل دادن اجناس، پاسخ به سوالات مردم و در نهایت صندوق داری! روبات ها این کارها را خیلی خوب بلد هستند. فروشگاه Amazon Go در سیاتل نمونه خوبی از خرده فروشی هایی است که به طور کامل توسط روبات ها اداره می شود و هیچ نیروی انسانی دخالت ندارد. اپلیکیشن های آمازون به همراه سنسورها همه چیز را مدیریت کرده و زیر نظر دارند.

روبات های زیادی مانند Tally و Simbe ساخته شده اند که در میان راهروهای فروشگاه ها حرکت کرده و اجناس در طبقه بندی را مرتب می کنند؛ به سوالات و درخواست های خریداران پاسخ می دهند و مشکلاتی مانند برچسب اشتباه قیمت ها را اصلاح خواهند کرد.

روبات های فروشنده به مرور هوشمندتر می شوند و می توانند به خریداران بهترین لباس و پوشاک، مواد غذایی یا بهداشتی آرایشی را پیشنهاد بدهند.

دلایل زیادی برای استفاده از روبات های تحویل غذا و سفارش مردم وجود دارد. کاهش هزینه ها نسبت به پیک موتوری، فرار از ترافیک و شلوغی، فرار از بیمه و مالیات و ددرسه های زیاد دیگری که انسان ها برای خودشان می آفرینند.

نگهبان های امنیتی

دوربین ها بهتر و ارزان تر از انسان می توانند محیط اطراف را زیر نظر داشته باشند. دوربین ها در شب و نور کم هم کیفیت خوبی دارند و می توانند از هر چیزی عکس و فیلم بگیرند و سریع گزارش بدهند. استفاده از این دوربین ها در پلتفرم هایی که حرکت می کنند و می توانند دستوراتی را اجرا کنند؛ نسل جدیدی از نیروهای نگهبان و حراست را برای سازمان ها و شرکت ها خلق کرده است. روبات های SMP Robotics به انواع دوربین ها و سنسورها مجهز شدند و می توانند از هر محیطی نگهبانی کنند. برخی مدل های این روبات ها مجهز به پنل های خورشیدی شده تا ماموریت های دورتری مانند گسترش در مزارع، پارک ها و زمین های گلف را برعهده بگیرند. روبات های نگهبان می توانند مانع ورود افراد غریبه شوند و حتی قدرت درگیر شدن و صدمه زدن به افراد ناشناس را دارند.

سرباز خط مقدم

برخلاف دیگر مشاغلی که به تصرف روبات ها درآمدند؛ شاید این خبر برای سربازها و نیروهای ارتشی و نظامی خوش آیند باشد. در حال حاضر، انواع روبات های تیرانداز و جنگنده ساخته شده که می توانند در خط اول نبرد قرار بگیرند و با حرکت به جلو یا اطراف درگیر شوند و تیراندازی کنند. این روبات ها در چند مدل خودمختار یا کنترل از راه دور ساخته شده و می توانند اهداف مشخصی را یافته و شلیک کنند. این روبات ها جایگزین نیروهای انسانی می شوند که در خط آتش در تیررس مستقیم دشمن قرار دارند. این روبات ها کمک می کنند سربازها مقداری عقب تر بروند و در خط های دوم و سوم درگیری قرار بگیرند تا امنیت بیشتری داشته باشند.

برگرفته: یک پزشک



و CaliBurger روبات ها کار می کنند. روبات Flippy در یکی از شعب CaliBurger مشغول سرخ کردن همبرگرها است و پیش بینی می شود تا سال ۲۰۱۹ نزدیک به ۵۰ روبات Flippy در شعب این رستوران مشغول کار باشند. محققان MIT هم دارند روی یک رستوران تمام خودکار بدون دخالت انسان کار می کنند که بهترین و سخت ترین غذاها و منوها را به مشتری سفارش می دهد.

رانندگان کامیون

خودران ها مزایای زیادی مانند ایمنی راننده خودرو یا کاهش سختی های رانندگی در جاده ها و شهرهای شلوغ دارند ولی ورود خودروهای خودران در سیستم حمل و نقل می تواند جذابیت های بیشتری داشته باشد. یکی از دلایل محبوبیت کامیون های خودران می تواند کاهش هزینه ها باشد ولی مزیت بزرگ تر آن، نبود راننده های کامیون است. این کار سختی ها، خستگی ها و مشقت های زیادی دارد. تصور کنید یک کامیون باید در طی یک روز مسافتی مشخص را ده ها بار برود و برگردد. گزارش ها نشان می دهد در خود ایالات متحده نزدیک به ۵۰ هزار راننده کامیون نیاز دارند و اگر این روند ادامه پیدا کند؛ در آینده ۱۵۰ هزار راننده کامیون کسری دارند.

در این زمینه، چندین شرکت مانند Embark فعالیت هایی را آغاز کردند و با ساخت کامیون های نیمه خودران و تمام خودران سعی کردند در مسیرهای مشخصی، کامیون بار را تحویل داده و برگردد.

راننده تاکسی

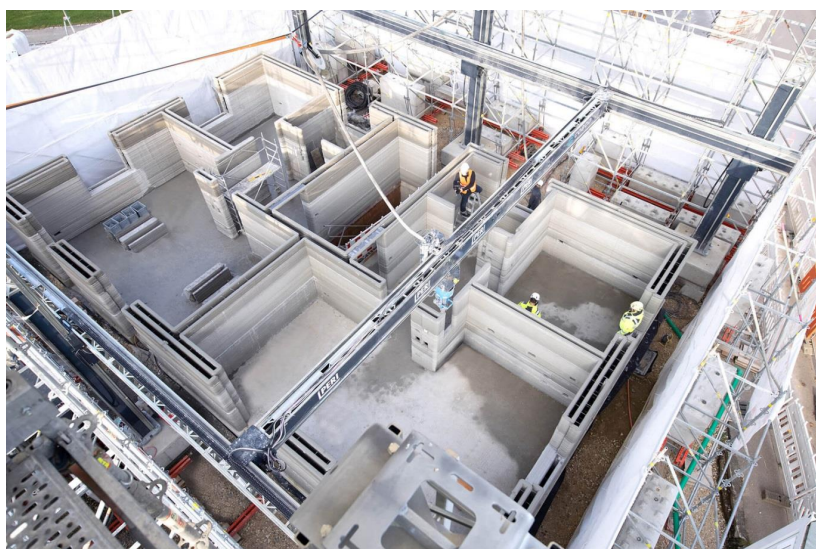
شرکت هایی مانند اوبر و Lyft کسب و کار تاکسی های سنتی را نابود کردند و در مرحله بعدی می خواهند راننده های تاکسی را خانه نشین کنند. چندین شرکت بزرگ از جمله گوگل با Waymo، اوبر، Lyft و Cruise با پشتیبانی شرکت GM در حال تلاش برای جایگزینی تاکسی های خودران به جای تاکسی های دارای راننده انسانی هستند. اینتل هم وارد ماجرا شده است. فقط تاکسی نیست؛ هر خودرو سواری که خدمات می دهد می تواند بدون راننده باشد. شرکت Waymo تا کنون پیشرفت های زیادی کرده و به طور آزمایشی در چندین مسیر مشغول جابه جایی مسافران است.

تحویل غذا و بسته سفارشی

روبات ها از زمین و هوا به مشاغل تحویل غذا و مرسوله های پستی هجوم آوردند. حتما خبرهای انواع پهپادهای تحویل پیتزا و بسته سفارشی به کاربران را خواندید. آمازون یک از شرکت های پیشرو در استفاده از پهپادها برای تحویل مرسولات خرید مردم است. شرکت استارت آپی Starship هم روبات های کوچک شش چرخ رونده ای را طراحی کرده و چندین سال است از شان برای تحویل غذا و سفارش های داغ مردم استفاده می کند.

پرینت سه بعدی و معماری مسکونه

کارشناس ارشد معماری دانیال سلیمانچی



دبی قصد دارد تا سال ۲۰۲۵، یک چهارم ساختمان های خود را به روش های ساخت و ساز سه بعدی چاپ کند، که نشان دهنده پتانسیل یک فناوری در حال رشد سریع است که می تواند محدودیت های معماری سنتی را بازتعریف و از بین ببرد. همانطور که این تکنیک به عنوان یک راه حل مناسب در زمینه های ساخت و ساز، مهندسی و معماری ظاهر می شود، محبوبیت آن به سرعت در حال افزایش است. در واقع، تنها بین سال های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۸، انتظار می رود بازار جهانی ساخت و ساز سه بعدی تا ۹۱ درصد رشد کند، طبق گزارش ژوئیه ۲۰۲۱ توسط Grand View Research. چرا این رشد سریع؟ علاوه بر اینکه جایگزین سریع تری است و هزینه های ساخت پایین تری دارد، می تواند راه حل های مسکن مقرون به صرفه را نیز ارائه دهد و امکان های طراحی بی شماری را در کنار بسیاری از مزایای دیگر فراهم کند. بنابراین، از آنجایی که معماران باید خود را با عصر فناوری جدید تطبیق دهند، جایی که سرعت و کارایی به عوامل کلیدی در فرآیندهای طراحی و اجرا تبدیل شده اند، ظهور پرینت سه بعدی نویدبخش است. حتی می تواند به تغییر شکل ساختاری که ما می شناسیم کمک کند.

انعطاف طراحی و کاهش زمان ساخت

چاپ سه بعدی ساخت و ساز فناوری جدیدی است که بدون استفاده از قالب بتن را شکل می دهد، به این معنی که قطعات پیش ساخته و تمام دیوارها را می توان به هر شکلی در زمان و روشی مقرون به صرفه چاپ کرد. اساساً، اشکال سه بعدی از طریق یک فرآیند کنترل شده توسط کامپیوتر ایجاد می شوند، فرآیند ساختمان سنتی را تغییر می دهند و فرصت های طراحی متنوعی را فراهم می کنند. برخلاف سایر روش های مرسوم، معماران به راحتی می توانند سازه های فردی با سطوح، شکل ها و رنگ های بی سابقه را برای ساختمان های خلاقانه، نوآورانه و چشم نواز توسعه دهند - اولین و تنها در نوع خود. عملاً هر شکل ارگانیک ممکن است: دیوارهای منحنی یا مستقیم، سطوح صاف یا ناهموار، صاف یا زاویه دار. واقعاً هیچ محدودیتی برای بیان خلاقیت معماری وجود ندارد.

جدا از چنین آزادی طراحی، خود فرآیند چاپ نیز بسیار کارآمد است. نه تنها از همان ابتدا درجه بالایی از قابلیت اطمینان برنامه ریزی را ارائه می دهد، بلکه سرعت چاپ بالایی دارد و به تلاش هماهنگی کمی نیاز دارد، بنابراین هزینه های ساخت و ساز را

کاهش می دهد. به عنوان مثال، PERI AG اکنون به لطف تکنیک جدید می تواند به راحتی یک خانه کامل یک خانواده (در غیر این صورت با آجر یا چوب در ماه ها یا سال ها ساخته شود) تنها در ۲۵ ساعت زمان چاپ خالص بسازد. این امکان را برای ساختمان های نوآورانه ای در معماری باز می کند که می توانند در زمان کمتر - و بدون هزینه اضافی - در مقایسه با روش های معمولی زنده شوند.

پرینت سه بعدی چگونه کار می کند؟

اگرچه فناوری چاپ سه بعدی ساخت و ساز در حال حاضر در مراحل اولیه است، PERI، یکی از تامین کنندگان پیشرو سیستم های قالب و داربست در جهان، چندین سال است که به شدت در بازار درگیر شده است. به همراه شرکت دانمارکی COBOD، این شرکت خانوادگی آلمانی در تلاش است تا این فناوری را اصلاح کند و به بازارهای جدید باز شود. تمرکز در درجه اول بر ساخت و ساز مسکونی است، اما همچنین شامل تولید قطعات پیش ساخته منفرد می شود. شرکت PERI از ماشینی به نام COBOD BODY۲ استفاده می کند، یک چاپگر سه بعدی کاملاً توسعه یافته و ایمن که می تواند در هر جهت برای طیف گسترده ای از کاربردها، اعم از دیوارها، ستون ها، پله ها یا سایر عناصر ساختمانی پیکربندی شود. هر COBOD BODY۲ مزایای متعددی را ارائه می دهد، مانند یک سیستم پورتال مناسب برای تولید خارج از محل و کاربرد در محل، که نیاز به جابجایی مکرر و کالیبراسیون را از بین می برد. در عین حال، این سیستم شامل تعدادی ماژول است که می توانند متناسب با پروژه های خاص انتخاب شوند.

با این حال، چاپگر به دلیل سرعت آن در مقایسه با سایر ماشین ها به ویژه متمایز است. این چاپگر علاوه بر اینکه سریعترین چاپگر ساختمانی موجود در بازار با حداکثر سرعت ۱ متر بر ثانیه است، به گونه ای تایید شده است که امکان انجام کار در محوطه چاپ در حین انجام چاپ وجود دارد. بنابراین، انواع کارهای دستی مانند نصب لوله را می توان به راحتی یکپارچه کرد و در نتیجه روند ساخت و ساز را بهینه کرد.

در سال گذشته، اولین فروش یک چاپگر سه بعدی ساختمانی موفقیت آن را نشان داد. در تلاش برای تولید طیف وسیعی از عناصر بتنی پیش ساخته و به حداقل رساندن محدودیت های برنامه ریزی، شرکت آلمانی Röser GmbH به عنوان یک سرمایه گذاری بلندمدت نوآورانه به PERI سفارش داد.

روش کاربرد

حتی اگر سقف ها، دال های کف و پایه ها به روش سنتی ساخته می شوند، BODY۲ ثابت کرده است که می تواند دیوارهای بتنی را با موفقیت تولید کند. پس از اینکه چاپگر به محل ساخت و ساز منتقل شد، محورهای Z نصب می شوند، هد چاپ به محور X سازه



STRABAG SE اجرا شد.

تیم چاپ سه بعدی شرکت PERI با آخرین پروژه چاپ در اتریش، پنج پروژه چاپ را در یک سال با موفقیت به پایان رساند. همه اینها پروژه های تحقیقاتی نیستند، بلکه خانه های واقعی هستند که تمام مراحل تصویب آیین نامه ساختمانی را طی کرده اند، اجازه داده می شوند و در آنها اشغال شده اند یا افراد در آنها کار می کنند.

از آنجایی که معماران در سراسر جهان با زمان عدم اطمینان، کمبود نیروی کار و مسکن یا سایر چالش های صنعت مواجه هستند، تنها یک چیز قطعی است: ساختمان و برنامه ریزی همانطور که می دانیم در بسیاری از زمینه ها اساساً تغییر خواهد کرد. با چاپ سه بعدی ساخت و ساز به عنوان یک جایگزین امیدوارکننده، تنظیمات برنامه ریزی کند و پرهزینه می تواند چیزی از گذشته باشد. افزایش دوام، بهره وری و بهینه سازی فرآیند ساختمان نه تنها می تواند راه حل های مسکن مقرون به صرفه و اجاره های کمتر را ارائه دهد، بلکه می تواند سرپناه هایی برای مناطق آسیب دیده از فاجعه یا پاسخی به ساخت و سازهای پایدارتر فراهم کند. اگرچه هنوز پتانسیل های زیادی برای کشف در سایر بازارها و بخش های صنعت وجود دارد، واضح است که چاپ سه بعدی ساخت و ساز هنوز در اول راه است..

پاورقی :

گروه PERI

اکنون بیش از ۵۰ سال است که برند PERI برای فناوری پیشرفته، قدرت نوآورانه و نزدیکی با مشتریان، با تفکر کارآفرینی، قابلیت اطمینان و احترام ما به مشتریان، ما به یکی از تولید کنندگان و تامین کنندگان پیشرو سیستم های قالب و داربست و تامین کننده پیشرو چاپ سه بعدی ساختمانی تبدیل شده ایم. از زمان تأسیس در سال ۱۹۶۹، دفتر مرکزی در Weisenhorn، آلمان، بخت و اقبال کسب و کار جهانی ما را هدایت می کند. بیش از ۲۰۰۰ مهندس در بیش از ۷۰ کشور برای ما کار می کنند. با ادعای ارائه بهترین خدمات به مشتری، کارکنان ما به همراه پیمانکاران، بازرگانان، داربست ها و معماران، با چالش های روزانه پیرامون فرآیند ساخت و ساز مقابله می کنند.



فولادی متصل می شود و یک سیلو و پمپ بتن تجاری موجود به BOD۲ متصل می شوند. با تکمیل مونتاز، فرآیند چاپ به صورت سه بعدی در امتداد ۳ محور بر روی یک قاب فلزی ایمن انجام می شود. از آنجایی که دیوار حفره چاپ شده الزامات استاتیکی در ساختمان های مسکونی را برآورده می کند، هیچ تقویتی مورد نیاز نیست. علاوه بر این، دیوارهای حفره دو پوسته چاپ شده می توانند روش های عایق کاری را به هر نحوی یکپارچه کنند.

ساختمان های مسکونی: نقاط عطف برای فناوری ساخت و ساز سه بعدی

فناوری ساخت و ساز سه بعدی نقطه عطف بی سابقه ای را تجربه کرده است: اولین خانه چاپی کاملاً کاربردی آلمان رسماً افتتاح شد و اکنون آماده بازار است. با شروع چاپ در سپتامبر ۲۰۲۰، خانه مجزای دو طبقه، ساخته شده توسط PERI و طراحی شده توسط MENSE-KORTE ingenieure+architekten، از تمامی مراحل تایید نظارتی عبور کرد و در ماه جولای در بکوم، نوردراین-وستفالن افتتاح شد. PERI با ۸۰ متر مربع فضای نشیمن در هر طبقه، دیوارهای حفره سه پوسته را چاپ کرد که با یک ترکیب عایق پر شده اند و فضا را برای عناصر مرتبط با آب و برق در نظر می گیرند. شرکت Röser GmbH اجزای اتاق زیر شیروانی را به عنوان قطعات پیش ساخته عرضه می کرد که با فرآیند چاپ در محل ترکیب شد و منجر به یک واحد همگن شد.

و به پروژه Beckum جایزه نوآوری آلمان توسط شورای طراحی آلمان اعطا شد، جایزه ای سالانه که پروژه هایی را که پیشرفت های صنعت را از طریق اصالت، اجرا و اثربخشی ارائه می کنند، به رسمیت می شناسد.

سه ویژگی - دیجیتال، پویا، آماده چاپ - در Beckum پیاده سازی شده است. با اولین ساختمان مسکونی چاپ سه بعدی در آلمان، فشار مثبتی در صنعت ساخت و ساز ایجاد می شود: برای ساخت و ساز نوآورانه با فناوری های جدید، برای جذابیت بیشتر در حفره های ساخت و ساز و برای معماری مدرن با سبک های جدید. - اینا شاربناخ، وزیر کشور، امور شهرداری، ساخت و ساز و برابری ایالت نوردراین-وستفالن علاوه بر موقعیت شرکت PERI به عنوان پیشگام در بازار ساخت و ساز سه بعدی، و موفقیت پروژه های منحصر به فرد و طیف وسیعی از امکانات را در این صنعت دارا می باشد. همچنین زمینه را برای ساخت واحدهای مسکونی بزرگتر و پیچیده تر فراهم کرده. دقیقاً دو ماه پس از شروع کار بر روی خانه در بکوم، PERI شروع به چاپ بزرگترین ساختمان آپارتمان چاپی در اروپا کرد، این بار در والنهاوزن، باواریا. در ۳ طبقه و ۳۸۰ مترمربع طراحی شده است. از آن زمان، بسیاری از آنچه در ابتدا در بکوم آموخته شد، در اولین پروژه مسکونی در تمپه، آریزونا، و گسترش ساختمان آپارتمانی در دریاچه کنستانس در آلمان، و اولین ساختمان چاپ سه بعدی در اتریش که با همکاری با شرکت

ماهیت انرژی مثبت

بدون شک عصر ما، عصر تحول، پویایی و در حقیقت تحرک شتابان است و هیچ چارچوب و فرمی نیز بر بنیان ثبات و سکون نخواهد ماند و تحول خواهی و تحول گرایی همواره لازمه رشد و توسعه فردی و اجتماعی است.

انرژی مثبت اساساً همان چیزی است که همگان در ذهن خود تصویری درست از آن دارند یعنی نور خوبی، محبت، انفاق، صبر، احسان به هم نوع، امیدواری، نماز و... و به همان اندازه انرژی منفی همان چیزی است که در ذهن خود تصویری درست از آن را نداریم؛ تاریکی و ظلمت، نفرت (که از جمله مهم ترین سلاح هایی شیطان به شمار می روند) بد جنسی، شرارت، رذالت، بی خبری، بی نظمی، خودخواهی، تعصب بی جا، ناامیدی، یاس و اندوه نیز جمله مصادیق قابل ذکر می باشند.

بطور کلی هر چیز مثبت، مثبت خود را جذب می کند و هر چیز منفی، منفی خود را. نور در جستجوی نور است و ظلمت شیفته ظلمت، پس چنانچه ما کاملاً مثبت یا کاملاً منفی بشویم کم کم به سراغ افراد و اشخاصی می رویم و جذب می شویم که مانند خود ما هستند، اما نباید فراموش کرد که خود ما مثبت یا منفی را انتخاب کرده ایم. صرفاً با تفکر اندیشه های مثبت و بیان مطالب خوب و مثبت قادر می شویم انرژی مثبت را به خود جذب کنیم و به اطرافیان هم تعمیم دهیم زیرا انسان با بیان مطالبی یقیناً قادر است میزان انرژی اطراف بدنش را تحت تاثیر قرار دهد زیرا قدرتی عظیم در افکار و اندیشه های ما نهفته است و این خود ما هستیم که محیط اطراف مان را با افکاری که در ذهن داریم می آفرینیم.

بر اساس یافته های علمی در اطراف کل موجودات هاله ای از انرژی وجود دارد که موجب جذب اشیاء اطراف می شود، در این راستا اشیاء قادر به کنترل این هاله و انرژی نیستند، در حالیکه انسان هم می تواند آن را کنترل کند و هم می تواند با آن بر دیگران اثر بگذارد. در خاتمه ذکر این مطلب خالی از لطف نیست که: همه روزه تعداد قابل توجهی سبب در اطرافمان از درخت به زمین می افتند، اما چه کنیم که دیدگاه نیوتنی چندان مورد توجه قرار نمی گیرد

هشت قانون سختگیرانه

نویسنده : دکتر فاطمه ابهر



کارمندان شرکت تسلا مجبور به رعایت هشت قانون سختگیرانه ایلان ماسک هستند.

- ایلان ماسک، مدیرعامل اسپیس ایکس و تسلا، بسیار فعال و سازنده است، و او انتظار دارد که به همان میزان اشتیاق را از کارمندان خود را دارد.
- ایمیلی که سال گذشته برای کارمندان تسلا ارسال شد، و همچنین گزارش های دیگر، پنجره های از قوانینی را که او دوست دارد مردم در محل کار رعایت کنند، ارائه می کند.
- اینها شامل ممنوعیت ملاقات با افراد زیاد و اصطلاحات خیابانی، و همچنین یک سیاست تحمل پذیری در مورد افشای اطلاعات به مطبوعات است.

وقت خود کنید."

۴ - از اصطلاحات گیج کننده خودداری کنید.

او می گوید: "از کلمات اختصاری یا مزخرف برای اشیاء، نرم افزارها یا فرآیندها در تسلا استفاده نکنید. به طور کلی، هر چیزی که نیاز به توضیح داشته باشد مانع از برقراری ارتباط می شود. ما نمی خواهیم که مردم مجبور نباشند یک واژه نامه را فقط برای عملکرد در تسلا حفظ کنند." گفت.

۵ - اجازه ندهید ساختارهای سلسله مراتبی کارایی کار را کم کنند.

ماسک در نامه داخلی خود گفت: "ارتباطات باید از طریق کوتاه ترین مسیر لازم برای انجام کار انجام شود، نه از طریق "زنجیره فرماندهی".

۶ - اگر نیاز به تماس با شخصی دارید، مستقیماً این کار را انجام دهید. او گفت: "منبع اصلی مشکلات، ارتباط ضعیف بین بخش ها است. راه حل این موضوع، اجازه جریان آزاد اطلاعات بین همه سطوح است."

«اگر برای انجام کاری بین بخش ها، کارمند باید با مدیر خود صحبت کند، او با یک مدیر صحبت می کند، با یک معاون صحبت می کند، کسی که با یک مدیر صحبت می کند. مدیری که با کسی که کار واقعی را انجام می دهد صحبت می کند، آنگاه چیزهای بسیار احمقانه ای رخ می دهد. برای مردم باید مستقیم صحبت کنند و فقط کار درست را انجام دهند."

۷ - زمان را با پیروی از قوانین احمقانه تلف نکنید.

"به طور کلی، همیشه عقل سلیم را به عنوان راهنمای خود انتخاب کنید. اگر پیروی از "قوانین شرکت" در یک موقعیت خاص به وضوح مضحک است، به طوری که می تواند یک کارتون عالی باشد، پس قانون باید تغییر کند."

۸ - تحت هیچ شرایطی اطلاعات به مطبوعات درز نکنید.

در ایمیلی که ماه گذشته به مطبوعات درز کرد، ماسک در هر شرایطی علیه افشای اطلاعات به مطبوعات اعتراض کرد.

ماسک گفت: "به عنوان یک کارمند و یک سهامدار، هر یک از ما

ایلان ماسک کارهای زیادی انجام می دهد.

این کارآفرین و مدیر عامل ۴۷ ساله با اسپیس ایکس صنعت پروازهای فضایی را متحول می کند، دنیای خودروهای الکتریکی را در تسلا متحول می کند و علوم اعصاب و حمل و نقل را در Neuralink و شرکت بورینگ پیش می برد.

این میلیاردر انتظار استانداردهای مشابهی را از کارمندان خود دارد و ایمیلی که ماسک سال گذشته برای کارکنان تسلا ارسال کرد، و همچنین گزارش های دیگر، دریچه ای از قوانینی است که او دوست دارد افرادش در محل کار رعایت کنند.

واضح است که ماسک به وضوح طرفدار جلسات، بوروکراسی اداری، سلسله مراتب یا هر سیستمی نیست که ارتباط فوری را مختل کند. او ترجیح می دهد مردم از عقل سلیم برای کارشان استفاده کنند. و اگر کارکنان انتظارات او را برآورده نکنند، او می تواند بی رحم باشد.

برخی از قوانین سختگیرانه ای را که ماسک برای کارمندان خود وضع می کند، در ادامه مطلب دنبال کنید.

۱ - جلسات وقت مردم را تلف می کند.

"جلسات بیش از حد آسیب رسان است به شرکت های بزرگ، و تقریباً همیشه با گذشت زمان بدتر می شوند. لطفاً از شر همه جلسات بزرگ خلاص شوید، مگر اینکه مطمئن باشید برای کل مخاطبان ارزش ایجاد می کنند، در این صورت آنها را بسیار کوتاه نگه دارید."

۲ - جلسات باید به ندرت برگزار شود مگر اینکه موضوعی فوری باشد. ماسک به کارکنان گفت: "همچنین از جلسات مکرر خلاص شوید، مگر اینکه با یک موضوع بسیار فوری سر و کار داشته باشید. دفعات جلسات باید به سرعت کاهش یابد که موضوع فوری حل شود."

۳ - اگر نیازی به حضور در جلسه نیست، آنجا را ترک کنید.

در ایمیل ماسک آمده است: "به محض اینکه مشخص شد ارزش افزوده ای ندارید از یک جلسه خارج شوید یا تماس را قطع کنید. ترک کردن بی ادبانه نیست، بی ادبی است که کسی را مجبور به ماندن و تلف کردن

بلکه بر اساس نزدیکی آنها به ایلان ماسک، ارزشمند هستند. توییت شور و شوق سهام میم را در استراتوسفر نشان داد.

ماسک یک عمر را صرف سرپیچی از منتفران کرده است. اکنون، به نظر می رسد، او بالاخره در موقعیتی است که آنها را در جای خود قرار دهد. برای سال ۲۰۲۱ سال **Elon Unbound** بود. در آوریل، اسپیس ایکس قرارداد انحصاری ناسا را برای قرار دادن فضاوردان آمریکایی روی ماه برای اولین بار از سال ۱۹۷۲ به دست آورد. در ماه اکتبر، غول اجاره خودرو هرتز (Hertz) اعلام کرد که قصد دارد ۱۰۰۰۰۰ تسلا را به ناوگان خود اضافه کند. موشک های نوجوان از آواتار توییتری فالیک بی گمان او چند روز پس از پرتاب اولین آزمایش دفاع سیاره ای ضد سیارک ناسا توسط یکی از موشک های او منتشر شد. چند هفته قبل از این که یکی دیگر اولین ماموریت در نوع خود را برای مطالعه پرتوهای ایکس کیهانی انجام داد. و در بحبوحه فروش ۱۰ درصد از سهام تسلا توسط ماسک، فرآیندی که بازارها را متلاطم کرد، میلیارد ها دلار برای او هزینه کرد و باید درآمد مالیاتی کافی برای تأمین مالی وزارت بازرگانی برای یک سال تولید کند. این فروش به دلیل نظرسنجی توییتری که ماسک در واکنش به پیشنهاد سناتورهای لیبرال برای مالیات از میلیاردرها منتشر کرده بود، انجام شد.

بسیاری از مردم به عنوان بزرگتر از زندگی توصیف می شوند، اما تعداد کمی لیاقت آن را دارند. چند نفر از ما واقعاً از طول عمر خود فراتر رفته ایم؟ چه تعداد در کتاب های درسی دیجیتالی که فرزندان فضایی ما مطالعه خواهند کرد، وارد خواهند شد؟ همانطور که شکسپیر در ژولیوس سزار مشاهده کرد، بسیار آسان تر است که به خاطر انجام کارهای بد به یاد بیاوریم تا انجام کارهای خوب. چه تعداد از آنها به جای جنایاتشان، اثری را در جهان - بسیار کمتر در جهان - به جای خواهند گذاشت؟ چند سال پیش، ماسک به عنوان یک شاید دیوانه که در آستانه شکست است، به طور کلی مورد تمسخر قرار گرفت. اکنون این خجالتی آفریقای جنوبی مبتلا به سندرم آسپرگر، که از کودکی وحشیانه فرار کرده و بر تراژدی شخصی غلبه کرده است، دولت ها و صنعت را به نیروی جاه طلبی خود وادار به تعظیم می کند.



مسئولیت حفاظت از اطلاعات و فناوری هایی را داریم که هر روز استفاده می کنیم و تولید می کنیم."

تسلا علیه کسانی که به طور نادرست اطلاعات تجاری اختصاصی را افشا می کنند یا تعهدات عدم افشا را که همه ما با آن موافق بودیم، نقض می کنند، اقدام خواهد کرد. این شامل خاتمه کار، ادعای خسارت و حتی اتهامات جنایی می شود.

او در ادامه مجموعه ای از نمونه هایی را فهرست کرد که در آن کارکنان تسلا به دلیل افشای اطلاعات از جمله در شبکه های اجتماعی اخراج شدند.

ایلان ماسک به بی رحمی معروف است.

طبق یک مقاله انفجاری **Wired** که سال گذشته منتشر شد، ایلان ماسک آنقدر مستعد شلیک و لگردی بود که به کارمندان تسلا گفته شد در صورت به خطر افتادن شغل آنها از کنار میز او عبور نکنند. یکی از منابع به وایرد گفت که آنها اصطلاحی را برای طغیان های ماسک ابداع کردند: "خروج خشم الون".

تسلا گزارش وایرد را به عنوان "بیش از حد دراماتیک و هیجان انگیز" رد کرد، اما گفت که "ایلون و رهبری شرکت گاهی اوقات گام دشواری را برمی دارند تا افرادی را که اجرا نمی کنند کنار بگذارند."

نا گفته های دیگری از ایلان ماسک

ثروتمندترین مرد جهان خانه ندارد و اخیراً ثروت خود را خرج می کند، و ماهواره ها را به مدار می فرستد و خورشید را مهار می کند. او ماشینی را که خودش ساخته است رانندگی می کند که هیچ بنزینی مصرف نمی کند و به سختی به راننده نیاز دارد. با یک تکان دادن انگشت او، بازار سهام اوج می گیرد یا فرو می ریزد. لشکری از فداییان بر هر سخن او آویزان است. او رویای مریخ را می بیند که در حال نزدیک شدن به زمین است.

او مردی است که آرزو دارد سیاره ما را نجات دهد و سیاره جدیدی را برای ما به ارمغان بیاورد: دلقک، نابغه، ادکلورد، رویاپرداز، صنعتگر، نمایشگر، آدم بی تربیت. ترکیبی دیوانه از توماس ادیسون، P.T. بارنوم، اندرو کارنگی (Andrew Carnegie) و دکتر منهتن وچمن (Watchmen's Doctor Manhattan)، مردی با پوست آبی که ماشین های برقی را اختراع می کند و به مریخ می رود. شرکت موشکی استارت آپ او، اسپیس ایکس، بوئینگ و دیگران را برای مالکیت آینده فضایی آمریکا جهش کرده اند. شرکت خودروسازی او، تسلا، که پیشگام دو سوم بازار خودروهای برقی چند میلیارد دلاری را بود، کنترل می کند و ارزش آن یک تریلیون دلار است. این امر ماسک را با دارایی خالص بیش از ۲۵۰ میلیارد دلار، حداقل بر روی کاغذ، به ثروتمندترین شهروند خصوصی تاریخ تبدیل کرده است. او بازیکنی در ربات ها و انرژی خورشیدی، ارزهای دیجیتال و اقلیم، کاشت های مغزی کامپیوتری برای جلوگیری از خطر هوش مصنوعی و تونل های زیرزمینی برای جابه جایی افراد و محموله ها با سرعت فوق العاده است. او بر وال استریت تسلط دارد: «روش کار مالی اکنون این است که چیزها نه بر اساس جریان نقدی،

رزیتا تقی زاده

داستان عمارت منظرالملوک

تشک و اون متکا هم لای پات . اکبر با اکراه بلند شد ، دو لنگه پرده ی باریک جلوی اتاق را به هم گره زد ، نور روز تا ته اتاق پاشیده شد ، ولحاف وتشک درهم وملافه ی لوله شده و شلخته ی کف اتاق را هویدا کرد . شلوارک راه راه قرمزش را کشید روی عرق گیر رکابی ش ، تسبیح سبز رنگ دور گردنش را که گره خورده بود ، از درز عرق گیر باز کرد ، یک لنگه دمپایی را پوشید و بدنال لنگه ی دیگرش ، اطراف را ورنانداز می کرد . پس کولنگه ش؟ وقتی پرت میکنی برای گربه دوباره بیارینش خوب.. یه لنگه پا ، پرید تو ی آشپزخانه . زهره که دیگ برنج را با دستگیره گرفته بود و داشت میاورد سر آبشی توی حیاط که صاف کند ، صورتش را از بخار دیگ عقب داد : هووووی کجا میای؟ برو کنار سوختم.. نمی بینی دارم میام بیرون؟؟؟ امون بده خوب.

اکبر گفت : «تقصیرننه هست زن داداش ، چیکار کنم ، آمو هول می کنه .همچین داد می زنه انگار ملوک المنظره.

یه لنگه پا ازتوی حیاط ، پرید جلوی در آشپزخانه ، خم شد و کیسه ی کاسه ها را از پشت گنجه بیرون کشید.

زهره زیر لب غرید: «یه الونک هست و شونصد تا آدم، خونه که نیست، عینهو بازارچه فیل

اکبر کاسه ها را چید کف حیاط . زهره گفت : «لب حوض نذار، کار دارم ، تو دست و پای منه.

اکبر گفت : منظر الملوک، امر کنید کدام سمت این بارگاه بچینم؟ سمت باغ؟ سمت درگاه؟ سمت اندرونی ، سمت...

ننه چشم غره ای رفت ، سرفه بلندی کرد و گفت: « بچین ظرف ها رو . و زبایدی ، یعنی به قبر امواتون خندیدن. هر کی جاش تنگه ، سلامت .. برید تو امارت عمه تون زندگی کنین . والا ، من شیر میریزم ، تو تند تند مایه بزن، بچین کنار دیوار. بجنب بچه. این موهاتم کوتاه کن عین حمالای دم دروازه شدی...

– اگر صالح می دونی دست از سر موهای من دیگه وردار در کوچه باز شد و قباد سوت زنان آمد داخل ، یک توله سگ سفید موفرفری زیر بغلش بود.

ننه فریاد زد: ای چی چیه آوردی خونه؟؟؟ نذاریش رو زمینا ، بیرش بیرون، بروو.

قباد، عینک آفتابیش را روی موهای ژل خورده ش جا داد و گفت: این خارجی، قیمت داره، برو بالای شهر تا ببینی کیا از اینا دارن .

ننه گفت : ننه ت مال بالای شهر بوده یا بابات؟

زهره گفت: وای خدا! چه قشنگه، بده یه کم بغلش کنم.

زهره ، ملاقه را توی دیگ چرخاند. چند تا دانه برنج را بالا آورد ، نگاهش کرد ، و دوباره برگرداند توی دیگ .همانطور که مگس ها را دور می کرد ، غر زد: پشه ها خوردنمون، یه متر توری بگیرید بزنید جلوی در، نمیدونم حواسم به چی باشه، یا سوسک از درو دیوار میره بالا، یا عطسه کنی پشه میره تو حلقه.

خواست مگس کش را ازروی یخچال بردارد، که بقچه ی نان، که به زور چهارطرفش را به هم رسانیده بودند تا بسته شود ، سر خورد ونان ها روی زمین پخش شد. تف تو ذاتت. تند تند همه ی خرده نان ها را جمع کرد وبا زور چپاند توی بقچه ، وهمانطور که در دل ، به خودش و اقبالش بد و بیراه می گفت ، دست می کشید کف آشپزخانه وذرات نان را از زیر یخچال و گنجه، جمع می کرد و می تکاند توی خاک انداز. وبعد هم مگس کش را برداشت ، و با همه ی حرصش کوید به مگسی که روی لبه ی اجاق نشسته بود "خدا مرگتون بده، کی از این خرابه نجات میام؟"

دوباره به دیگ نگاه کرد وبرنج را بهم زد.از سر بی حوصلگی ، روی حلب روغن کنارا جاق نشست، گره چارقدش را باز کرد، موهایش را جمع کرد و محکم پشت سرش گیر داد و دوباره چارقد را پشت سرش گره زد. چشمانش با بغض ، روی در و دیوار آشپزخانه می چرخید . چهار دیواری کوچک و دود زده ای ، که به زور جای یک نفر می شد. سققش را با پلاستیک پوشانیده بودند ، تا ذرات گچ و گل ، روی ظرف ها نریزد. اگر چه ، روی یخچال ارج زرد رنگ ، وچرکی ، که به زور وسط گازوگنجه جا داده بودند ، وآن گنجه یی که داخلش ظرف بود، همیشه یک وجب خاک نشسته بود، وبا اینکه هر روز هم زهره کهنه می کشید ، اماهیچوقت تمیز نبود.

صدای ننه منظر، که چند قدم آن طرف تر، توی حیاط ، بالای دیگ شیر ایستاده بود وداشت قبای بلندش را، که پر از نقش و نگار لکه های شیر وچربی بود ، لوله می کرد و با سوزن قفلی روی سینه ش گیر می داد ، او را از افکارش بیرون کشید : " اکبر، کاسه ها رو بیار، بدو، امروز مش غالم بیست تا ماست سفارش داده، ساعت چار میاد ببره . " اکبر ، پرده ی چیت گلدان اتاق را با پایش کنار زد، همانطور که در تاریکی اتاق ، جلوی تلویزیون لم داده بود، با بی حوصلگی گفت : «الان میام. داد میزنی چرا ننه ؟ این پرده رو، و داری ، من توبغلت نشستم، همچین هوار می کشی که انگاری دالون امارت قیصریه هست و منم توی هشتی ش نشستم . کر که نیستم. صبر کن یه دقیقه .

ننه داد زد : شیرا یخ میکنن ، بدو،هیچی بهت نگم تا عصر درازی تو

بدون . گاسم نشد دختره ، خوب نیس سر زبون بیفته . شما با بقیه فرق داری ، چند وقتییه یکی واسه شکوفه دست از سرمون ور نمی داره . خیلی اومدن و رفتن تا آقاش راضی شد . دیگه امروز میان حرف و گفتگو . خواهر خونه ی دختر دار ، عینهو کاروانسراست . خدا قسمت عزیزات بکنه .

ننه منظر پک محکمی به قلیان زد ، چشمهایش را تنگ کرد و دود را بیرون داد و گفت : خدا مبارکش کنه . دیگه دختر عینهو نردبون سنش میره بالا . دست دست کنی ، دیر میشه و باید فکر گُلوک باشی . اگر خوبن ، دس دس نکن . ردش کن بره پی زندگیش . حالا داماد کی هست ؟

عذرا گفت : بنک داره . عمده فروشی برنج داره . اسم و رسم دارن ، آقاش سر تیموری چار دهنه مغازه داره . حالا بعدا مفصل برات تعریف میکنم خواهر . فعال دیگ رو بده ببرم که ظهر شد

ننه داد زد : زهره ، دیگ مسی بزرگه رو از تو سر بونک بیار . بعد رو به عذرا : خودت یه آبی توش بکش . اینجا دست و پام تو همه . نمی تونم بشورم . زهره که تازه کارهایش تمام شده بود و رفته بود توی اتاق ، سورمه ای توی چشمهایش کشید ، پرده ی اتاق را کنار زد گفت : «سالم غذا خانم . کارخیرتون مبارک . دوما دارشدین بسلامتی ؟

عذرا خانم گفت : والا من که از وقتی این دختره شاگرد مدرسه بوده ، مدام گرفتار رفت و آمد خواستگارم . هرچی شکر میخرم واسه شربت ، باز کم میارم . هر روز باید جوابگوی یکی باشم .

زهره آهی کشید و گفت : دوما ، خونه داره از خودش ؟

عذرا گفت : هالا ننه ، ای دوره کی با مادر شوهر سر میکنه ؟؟ آقاشم ، تو تیموری ، کنار مغازه ش یه خونه ی فراخ دو طبقه داره ، ولی کاکو از قدیم گفتن ، دوری و دوسی . آقای بچه ها هم شرط اولش همین بود .

ننه منظر گفت : خدا آخر و عاقبتش رو بخیر کنه . دوما دی که خونه از خودش داشته باشه ، ننه ی عروسم باید کیپ تا کیپ جهاز بده . و بعد دوباره بلند گفت : مش اسد ، زنگ بزنی بیان برای ماستا . قباد ، سگ را توی بغل گرفته بود از نردبان آمد پایین . بوی عطرش ، توی حیاط پیچید .

-سلام عذرا خانم

-رو ماهت ای چی ننه زیر بغلت ؟

-سگ خارجه . فک می کنی چند می ارزه ؟ حرف حالیشه . بکن نکن سرش میشه ، دست میده ، بهش بگی بخواب ، می خوابه . پونصد تومن پولش دادم . ننه منظر گفت : تو گوه خوردی . پونصد تومن از سرگور بابات آوردی دادی توله سگ ؟ خودت که بکن نکن سرت میشه پونصد تومن قیمت داری ؟

عذرا خانم پوز خندی زد و گفت : منظر جون ، خب دیگه دولت و آبادی که باشه اینجور یاس ، جک جونور از سروکول آدم بالا میره . میگم قباد ، این ادکلنت چه بوی خوبی میده . اسمش برام بنویس

ننه بُراق شد : دست نزن موهاش میچسبه بهت داری پلو دم میکنی ، قشنگه که قشنگه ، برو یه سر آتیش قلیون بذار ، هنوز نرسیدم یه لقمه نون بذارم دهنم . فقط سگ بازیمون مونده . ببرش بیرون ، مشتری ببینی اینجا سگ هست ، رم میکنه .

قباد ، سگ را بغل زد و از نردبان رفت روی پشت بام سراغ گفتارهایش . ننه منظر ، عرق پیشانیاش را با آستینش پاک کرد ، موهای وز کرده ی خاکستریش که ته مانده ای از رنگ حنا داشت ، از زیر چارقدش ، بیرون ریخت ، دستهایش را به کمر زد ، قدش را صاف کرد ، چشمهای کوچکش را تنگتر کرد و کاسه ها را شمرد .

-دختر زودباش ، بساطت جمع کن از لب حوض ، میخوام کاسه بذارم ، یه ساعته دورخودت میچرخه واسه یه وقه برنج که میخوای بار بذاری .

زهره ، دیگ و صافی را از لب پاشویه برداشت ، دماغش را بالا کشید و زیر لب گفت : هالا یه وقه...

ننه داد زد : «هی مش اسد ، کجایی ؟ یه زنگ بزنی به غالم ، بگوساعت چار بیاد سفارشش ببره ، جا ندارم ، دوباره باید برای فردا مایه بزیم .

پشت قبابش را بالا داد و نشست کنج دیوار زیر سایه ی باریک درخت اناری ، که چهار تا انار کوچک و سوخته ی دهان باز ، سر شاخه اش خود نمایی می کرد . سال گذشته ، مش اسد ، می خواست درخت را از ریشه در بیاورد ، و دو تا کاشی که ، برای باغچه کنده شده بود را ، صاف کند ، بلکه جا برای چیدن کاسه های ماست ، فراختر بشود . اما ننه منظر اجازه نداده بود ، می گفت : این درخت یادگار آقام خدایامرزه .

برام قدم دار بوده . آقام ، وقتی ننه ی خدا بیامرزم ، علی اکبر رو بعد پنج تا دخترزاید ، اینو کاشت . تو دلش ، گاهی از این درخت انار ، حاجت هم گرفته بود . یه وقتی دم اذان صبح ، بعد از نماز ، یه دعاهایی می نوشت و با یک رشته ی باریک از پارچه ی سبزی ، که از مشهد گرفته بود و دور حرم ، طواف داده بود ، می بست وسط شاخه های درخت ، جایی که توی چشم نباشد . تاکسی جواد هم بعد چند سال خون جگر خوردن و بدبختی کشیدن و قرض و قوله از عنایت همین درخت و دعای روح آقاش جور شده بود . همانطور که قلیان را روی زانو گذاشته بود وزغالهایش را فوت میکرد و تو عالم خودش بود ، عذرا خانم ، مثل همیشه ، در نزده ، آمد داخل و گفت : «یا هلالا . سالم . ن خسته منظر خانم . هووو .. یا خدا چقدر پشه ، نچ نچ .. نگاه ، چند تاش افتاده تو ماستا !! ما که الحمدلله این همه پشه نداریم تو حیاطمون ، وگرنه سرسام می گرفتم . چه خبره اینجا ؟

ننه گفت : «پشه ها جای چرب و چیلی میرن ، هر جا که دولت باشه ، نه توی برهوت . اگر تو حیاط تو نیستن ، لابد بوو برنگی نیست . عذرا خانم ، ابرو هایش را بالا انداخت و گفت : ایشالا خدا بیشترش کنه و به دولت سرات رونق بده ، ما که بخیل نیستیم . اومدم اون دیگ بزرگه رو قرض بگیرم واسه امشب . یه چند تامهمون رودرواسی دار داریم خواهر . هنوز به کسی نگفتم ، نمیخوام در و همسایه ها فعال

را مکید و گفت: نه خیر، رو پشت بوم، داره فرمون شما رو انجام می ده. مگه نگفتین دبه ی سیاهه روصاف کنه؟ از صبح تا حال بالااست. جواد گفت: «هااا راستی، بگو تو شیشه های مات بریزه. برچسب ها هم تو ماشینه، بگو، ورداره بچسبونه روشن، غروب مشتری میاد دم در، می بره، هوای یاروهم که میاد داشته باشه، آدم حسابیه. کار تمیزیده بهشون. اینا بهشون حال بده، دیگه ول نمیکنن که هیچ، تازه مشتریم میارن. اینا هرشب سرشون گرمه، به جای آبم، ... آبجو میخورن.»

زهره آهی کشید وگفت: خوش بحالشون. قربون کرامت خدا، به عده جون بکنن، اونا کیف کنن. آخی که هر چقدرم جون می کنیم، ... نمیشیم.

ننه چشمهائیش را تنگ کرد، لقمه را قورت داد و گفت: «نه که ازاول، بلغیس سبا بودی، آوردنت اینجا به کنیزی!!!! دهن منو وانکن سر سفره .. زهره بغضش را قورت داد، سرش را بالا گرفت و با حرص داد زد: مهدی.. بیا ناهار حالا اون دیر نمیشه.. لابد با این یه شیشه ... روزگارمون از این رو به اون رو میشه»

صدای ضربه ای به شیشه ی اتاق و بدنالش صدای: ننه منظر خانوم؟؟ ننه گفت: بله؟ کیه؟ بفرما.

در باز شد و مجتبی پسر عذرا خانوم با سینی پلو و قیمه آمد داخل و گفت: سلام، مامانم داده، گفته این پلو، شگون داره مال امر خیره. جواد گفت: کار خیر چی چی؟

مجتبی گفت: «داره عروسی شکوفه میشه. اگه بدونی عموچقدر پولدارن؟ اون ماشین دودیه هست دم در؟ مال اوناست. بعد دستش را دراز کرد و ساعت کامپیوتری بند چرمش را نشان داد و گفت: نگاه، اینم دوماه برام خریده. بهم قول داده دو چرخه هم می خره.

جواد به ننه نگاهی انداخت و سرش را به علامت سوال تکان داد. ننه چشمکی زد و سرش را به عقب چرخاند. سینی را از مجتبی گرفت و گفت: دستتون درد نکنه. بعدا ظرفشو میدم بیان.

جواد به مجتبی گفت: مگه شکوفه داره عروسی میکنه؟

مجتبی گفت: بله عمو. دیگه ..

ننه تو حرفش پرید و گفت: باشه دستت درد نکنه.. برو مادر. سلامم برسون.. جواد قاشق را تو سفره انداخت، بلند شد، سوویچ ماشین را برداشت، ننه دنبالش دوید که: امون بده ننه..همچین خبرایی هم که فک میکنی نیس، ساده نباش. جواد ننه وایسا

جواد در کوچه را باز کرد، یک لحظه ایستاد، به چشم های ننه زل زد. توی چشمهائیش آب جمع شده بود. فکش می لرزید، سعی می کرد فریاد نزنند، صدایش می لرزید: پارسال هم سر قضیه ی زهرا، یادته؟ همین قصه ها رو می گفتم. برو منظرالملوک، برو پلو قیمه ت رو بخور. سرد میشه.

لب های ننه تکان می خورد، اما صدایی خارج نمی شد..چشم هایش روی درخت انار خشک شده بود.

پایان

، بدم بچه ها بخرن، باید رو خلعتی ها بذارم واسه ی دوماه. قباد چشمهائیش برقی زد و گفت: بوش خوبه؟ عطر چارلیه، یه کم گروه ها، ولی بوش خیلی می مونه، اگر خواستین بگین از رفیقم میخرم براتون. ارزونتر در میاد

عذرا گفت: هاا مادر، بوش سر آدم درد نمی گیره، خوبه. دیگه رسمه رو خلعتی داماد، باید عطرم باشه. من برم که خیلی کار دارم. مادر زهره خانم، یه چادری، شمدی بندازین رو ماستا، پشه ها توشون قی می کنن، خدا رو خوش نیما. دیگه را برداشت و رفت.

ننه منظر تفتی توی باغچه انداخت و زیر لب گفت: من که میدونم ... از کجامیسوزه. لابد خودت دختر قوام بودی یا شووورت تاجرقالی، که بنک دار تیموری اومده برای دخترت. گاسم خیلی سفید مفیده! لبش را یک وری کرد و با ادا گفت: از عهده ی شکر خریدن برنمیاااا... اگر کارنومه ت زیر بغلم نبود، شاید باورم میشد. ببشین تا دوماه ملک و املاک دار بیاد برات. هه..میخوام عطر بخرم رو خلعتی، چسی میاد برای من. حنات رنگی نداره، تو خواب ببینی بیام برای جواد، ما از این فیلم ها زیاد دیدیم..

زهره که صدای ننه رو می شنید، زیر لب گفت: نه که تو خودت، ننه ی خان مظفری، همه ی دخترای شهرهم، آرزو دارن بیان توی عمارت شاهونه ت. دوتا اتاق داریم عینهو عکاسخونه، تاریک و ظلمات. یه آشپزخونه نیم وجبی، حیاطت هم اول و آخرش ده تا کاشیه، جوادم زن بدی لابد میخوای تو حال بخوابو نیشون.

ننه منظر دست و صورتش را سر حوض آب کشید و آمد توی اتاق. مش اسد داشت بال گفت: پاپیش را می بست. ننه غر زد: به مش غالم تیلفن زدی؟ مش اسد گفت: بعله، چند بار میگی کچلم کردی. زن عباس چیکار داشت؟ عروسی دارن؟ ننه منظر گفت: ساده ای! اومده بود بگه برای شکوفه خواستگار اومده، اگر فکری برای جواد دارید، زودتر از وقتی این تاکسی رو خریده، چشمش داره لوچ میشه، ضعیفه به خیالش من خرمیشم. معلوم نیس از کدوم ده کوره ای اومدن تو شهر، هی باد می ندازه زیر قبایش: آدمای اسم و رسم دار میان و میرن. ارواح بابات. نون ندارن بخورن، نشستن قمپزد میکنن. صدای اذان از مسجد بلند شد. محمود گفت: گشنمونه. ناهار کی می کشین؟ ننه گفت: امون بده جواد از سر کار بیاد. مهدی کی کارش تمومه؟ محمود گفت: او حالا حالا کار داره. دو سه ساعت دیگه طول می کشه.

صدای ضبط ماشین جواد، توی کوچه پیچید و بلافاصله، قیژبلند ترمز. بعد از چند دقیقه، جواد در را با پاهایش هل داد و داد زد: محمود، هوای ماشین داشته باش، کسی خط و مط ندازه روش.. ننه ناهار تو بکش ضعف کردیم، اووف.. مردم از گرما، همه ی شهر ریختن بیرون. رفت سراغ تلویزیون و گفت: عه، چرا اینجوریه؟ به دیش دست زدین؟ زهره سلام کرد و سفره را پهن کرد.

جواد گفت: علیک سلام. شوورت هنوز زیر لحافه؟

زهره همانطور که ترشی از کلوک می ریخت توی کاسه، انگشتش

در آن کوچه پس کوچه ها

برای بار سوم، زیر جملات کتاب خط کشیدم تا حواسم را متمرکز کنم. بعد از خواندن چند کلمه ذهنم پرواز می کرد و به دوردست ها سفر می کرد و تن خسته ای من بی پناه گوشه ای رها می شد... از پنجره به بیرون نگاه کردم، صدای قطره های باران یکی پس از دیگری مانند کودکی که با پافشاری حرفش را تاکید می کرد، تلاش می کرد مرا از خانه بیرون بکشد!

به ساعت روی دیوار نگاهی انداختم، دیروقت بود اما چه می شود کرد؟! قلب که آرام و قرار نمی گیرد... لباس هایم را پوشیدم و چتر کهنه ای از گوشه ای خانه پیدا کردم و خود را به دنیای تاریک و سرد و نم زده بیرون سپردم.

با برخورد اولین قطرات باران بر روی چتر، صدای دلنشین آرامش برابم تداعی شد، آرام گرفتم و همان طور که در پیاده رو های سرد و تاریک قدم می زدم به مردم نگاه می کردم... به کسانی که بخش گمشده ای درون من بودند، یکی با تعجب، دیگری با هراس و یکی با عجله... همگی به چشمانم زل می زدند، گویا به دنبال چیزی می گشتند همگی جویای چیزی بودند چیزی که به جای نگاه کردن در آینه و طلب کردنش، در بطن چشمان غریبه ها به دنبالش می گشتند، در چشمان هر آشنای غریبی!

قدم هایم را تا حد ممکن آرام کردم و همان طور که به صدای زندگی که در اطرافم در جریان بود گوش می کردم، متوجه پسری شدم که با حواسی جمع در حال تمیز کردن گل و لای ورودی یک مغازه است!

به بهانه صبحت کردن با او، وارد مغازه شدم و چیزی خریدم، نگاهش کردم و پرسیدم: خوبی؟! متقابلاً نگاهم نکرد و همان طور که وسایلش را سر جایش می گذاشت گفت: خسته نباشید، سلامت باشید! همین که خواستم دهان باز کنم و حرفی بزنم مرا رها کرد و رفت...

درست مثل افکارم که رهایم می کردند به امان خدا... تکرار کردم: خسته نباشید، سلامت باشید؟! برگشتم و از دور نگاهش کردم... صورت کوچک و خندانش تقریباً ۱۱، ۱۲ ساله بود، ناخودآگاه لبخندی زدم، راهم را کشیدم و رفتم، در راه برگشت به خانه حالم خوش بود و قلبم آرام گرفته بود

چهره با نمک پسر بچه از مقابل چشمانم می گذشت، او بدون اینکه در چشمان من به دنبال جواب سؤالم بگردد برایم آرزوی سلامتی و سرزندگی کرده بود؟ چقدر شیرین...!

عجله کن دیگر یک ساعت جلوی در چه می کنی؟

به خودم آمدم و مادرم را دیدم که از پنجره با تعجب نگاهم می کرد، سریع کفش و چترم را تکاندم و وارد خانه شدم گفتم: چیزی نیست؛ من رسیدم...

نیم نگاهی کرد و گفت: چه شده اینقدر خوشحالی؟!

بدون نگاه کردن به اون؛ همانطور که وسایلم را روی میز می گذاشتم پرسیدم: خسته نباشی مامان، به کمک نیاز داری؟

دل نوشته نسرین رضایی نیا

لبخند روی لب ت ولی وای از اشکی که از پشت چشمت توی گлот داره سرازیر میشه، خفه ترین حالت ممکن رو تجربه میکنی، پلک نمیزی از ترس اینکه اشکت مسیرش تغییر نکنه و صورتت خیس نشه، سکوت می کنی از ترس اینکه صدات نلرز ه و بغض توی گлот نشکنه، سردی دستات رو با گرمای شومینه گرم کنی که کسی متوجه تنهات نشه، دلهره و دلتنگی نگاهت رو پشت سکوت و لبخند نمایی مخفی کنی که مبادا به غصه ی توی دلت بخندن، بدترین حس ممکن توی جمع باشی و توی خلوت خودت غرق، دنبال یه راه نفس بودم، حال بد توی جمعی که مجبوری وانمود کنی خوبی، میشه لطفاً به حال بد کسی خیره نشید و سوال نپرسید، کلی تلاش کرده که ظاهرش چیزی رو نشون نده، خراب نکن تنهای تو شلوغی کسی رو

یه روزای باید خودخواه باشی، یعنی اون روز رو فقط به خودت اختصاص بدی، بری یه گوشه ی دنج دنیا توی سکوت و خالی از هر فکر و خیال، فقط به چیزهای که دوست داری فکر کنی، فرقی نداره که اون افکار یه خاطره است یا فقط یه آرزو، مهم اینه که حال تورو خوب میکنه، یه حس خوب توی تنهایی بگیری و برای یک عمر شلوغی ها رو بتونی به دوش بکشی، روز خلوت و آرزو توی تقویم همون خالیه، یه جورای نداریمش، ولی نه تقویم میخواد نه برنامه ریزی نه هیچ چیز دیگه ای روزی که خیلی خسته بودی از همه جا و احساس کردی تحملت کم شده، توی تقویم خودت علامت بزنی همون روز بشه روز خلوت و تنهایی، خاطره نه چون میشه گذشته آرزو که باشه مال آینده، فکر کردن به روزهای خوبی که شاید هرگز اتفاق نیوفته ولی تو رو دور میکنه از روزای خسته کننده و شلوغی ها و حسای خوبت رو جمع کن و خودت رو دوباره آماده کن برای تمام روزمرگی ها و

بین این همه شلوغی و همه، بین تمام روزمرگی ها، بین تمام ردپای خاطره ها، نمیدونم چرا دیگه هیچ کجای قصه برام آشنا نیست، انگار نه صدای هست نه قصه ی نه ردپای از گذشته ها، سخت بود ولی حالا که نگاه می کنم می بینم ممکن شد، با تمام غیر ممکن به نظر رسیدنش، فراموش کردن روزها و آدم های گذشته، قدم زدن بین آدمای ولی نشیدن و ندیدن بهترین حس ممکن دنیاست... لذت فراموش کردن خیلی چیزا بیشتر از داشتنشونه وقتی فاصله می گیری و خوب نگاه می کنی، امتحان کن سخته ولی ممکن و خوب.....

قهوه را تلخ نمی خوردم اما، از همان شب که که تو گفتی که چه می چسبد، قهوه ام را در شب فقط می نویسم، از همان شب که تو گفتی دو فنجان، جای یک فنجان دوتا کنار هم، به همان تلخی نه گفتن تو مینوشتم

من که از تنهایی و رفتن دگر نمی ترسم، تو برو من کنار پنجره چشم انتظار تو نشستم ام فرق دارد حس من با آنچه تو تجربه کردی تا حالا برف می بارد و دوچندان قهوه ی تلخ، میزنم گپ ریز کنار تو که هرگز نخواهی آمد.....

دل نوشته های جدیدی از خانم رضایی نیا برای ما ارسال شده است به پاس قدردانی از تلاش ایشان و علاقمندی شان به این ماهنامه بخشی از آنها را در اینجا با هم مرور می کنیم:

دنیا به وسعت یک بی کران و حس خوب داشتن و محکم خودت را در آغوش گرفتن است، موهایت که بلند می شود و روی دوش می ریزی روزی به نظرت جذاب بود، به یاد نوجوانی لاک قرمز و دامن صورتی، اما نگاه آدم ها شبیه افکار تو نیست، عادت کرده اند به زشتی ها به پشت پرده و در راز ها، نه معنی دلتنگی پشت نقابت را می بیند و نه تصویری از ذهنیت، کلام شان پراز درک است و زیبای ولی دنیای درون شان به گمان تاریک تر از تاریکی است، گفته بودم دگر قضاوت نخواهم کرد مخاطبم نه تو بلکه خودم هستم که چرا هرگز شبیه دیگران بودن را نیاموختم..... تمام تلاشم را می کنم تا شبیه آدم های معمولی و روزمره باشم تا کسی خورده به دل نگیرد و آزرده خاطر نشود.....

دنبالت گشتم، در تمام طول تنهایی ها، نه کسی را دیدم که دل ببندد نه کسی را نیاز داشتم که در کنارش آرام بگیرم، گفته بودند زن قوی تنها به کافه می رود، مسافرت در تنهایی و خودش را در آغوش می گیرد، من سالهاست همه ی این ها را بلدم ولی قوی بودن و محکم بودن را وقتی یاد گرفتم که دیدم با تمام سو برداشت هایشان با سکوت فقط نگاهت می کنند، بزرگتر شدم یک سال دیگر گذشت و من باورم بر تنهایی بیشتر و به گمانم که دنیای مان با تمام شعارهای زیبا و رنگارنگ که در کلام ها جاریست متفاوت، یک سال دیگر بر سن عددی ام اضافه شد، ولی باور دارم روحم کودک ترشد، دنیا را دیدم که فقط طعم قهوه ی تلخی را می داد که هم دوست داشتنی بود هم تلخی که برای من متفاوت، گم شدیم در تکرار بی تکرار باورمان، و همه گم شدیم در بازی افکار کودکانه و گاه صادقانه و گاهی..... بماند که تلخی قهوه در تنهایی شاید به تعبیر تو دلچسب تر است.....

دلیم فراموشی می خواهد، که از یاد ببرم روزهای سخت و گاهی تلخ را، فراموشی که به یاد نیآورم کجای قصه ایستاده ام، گاهی فراموش کردن خودت هم زیباست، وقتی فراموش میکنی، میبخشی، دور میشوی و آرامش دوباره بر میگرده، همیشه فراموش کردن بد نیست گاهی لازم است مثل آب مثل نان، لطفاً کمی فراموشی.....

هر زمان احساس کردی فکرت زیادی به سمت و سوی که نباید ولی می رود، سریع حواست را جای دیگر خیلی دورتر از جای که باید پرتش کن، گاهی با قدم زدن، با نگاه خیره به نقطه ای یا حتی اگر لازم بود با خودت حرف بزنی، بگذار بر خلاف آنچه می گویند در همان جای که قسمت تاریک ذهنت بوده بماند، آدم ها هنوز به بزرگی دیدن و حس کردن مفهوم های تو آشنایی ندارند، باور نکن هرگز شعارهای که می دهند و تعارف های که می کنند، که بگذار عیان شود افکارت و از پس پرده برون آید حس نابت که ما تبر برداریم بزیم به ساقه های سبزه، نه با بی رحمی بلکه با تمام واژه های در ظاهر زیبا و احساس های ظریف.....

یاعلی گفتیم و عشق آغاز شد

...این سروده زیبا را تقدیم می کنیم به همه شیفتگان مولا
امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام

.... از یابان بوی گندم مانده است
عشق روی دست مردم مانده است
باز هم یک روز طوفان می شود
هر چه می خولد خدا آن می شود...
آب زمزم در دل صحرا خوش است
باده نوشی از کف مولا خوش است
فاش می گویم که مولایم علی است
آفتاب صبح فردایم علی است
هر که در عشق علی کم می شود
مثل گل محبوب مردم می شود
تا علی کسرم زبان آتش گرفت
پیش چشم آسمان آتش گرفت
آسمان رقصید و بارانی شدیم
موج زد و دیاو طوفانی شدیم
بغض خدین ساله ی ما باز شد
یاعلی گفتیم و عشق آغاز شد
یاعلی گفتیم و دریا خنده کرد
عشق ما را باز هم شرمند کرد
یاعلی گفتیم و گلها و اشند
عشق آمد قطره ها دریا شدند
از سکوت و گریه سرشارم علی
تا همیشه دوست دارم علی
شعر: محمود اکرامی فر

معرفی کتاب فیروزه جان

سرعت روزافزون چرخ های زندگی ماشینی گویا ضرورت اخلاقی زیستن را از ذهن انسان زدوده است.

در روابط اجتماعی، عطش سبقت و رسیدن به خط پایان آن هم به هر قیمتی حتی لگدمال کردن حریم و حرمت و حقوق دیگران، جای اصول اولیه ارتباطات انسانی و آداب زندگی اجتماعی را گرفته و کمتر کسی همچنان به ارزشهای حیاتی زیست انسانی باور و عمل دارد تا جایی که در این رقابت تمام نشدنی، هر آنکس حرمت دار دیگران و پایبند چنین ارزشها و اصولی است، عقب مانده تلقی می شود.

اینکه چه شد به اینجا رسیدیم، حکایتی طولانی دارد به درازای تاریخ جامعه بشری. اما می توان راهکار را جست شاید با بازخوانی قابلیت های آثار ادبی کلاسیک ایرانی از جمله تذکره الاولیای عطار نیشابوری.

کتاب فیروزه جان که به تازگی از سوی نشر گستره منتشر شده، حاصل این رویکرد و گزین جویی های دکتر مهدیه حمزه ئی (متخصص علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی) برای یافتن گمشده های حسی و اخلاقی هوش معنوی ما از طریق بازخوانی تذکره الاولیای عطار است.

مطالعه تذکره الاولیای عطار شاید خارج از حوصله مخاطب امروز باشد که به مطالعه پیام های کوتاه فضای مجازی عادت دارد.

اما فیروزه جان، با انتخاب روایت های کاربردی، ترکیب مضامین مرتبط و دسته بندی موضوعی، اعراب گذاری و تعریف واژگان قدیمی، و نشر این کتاب در قطع جیبی، مطابق حوصله و نیاز خوانندگان و برای تمام گروه های سنی از نوجوان تا کهنسال تنظیم شده است.



از عمری که سپری نمودی

چه چیز یاد گرفتی؟

مطربچ دستی در پنج جای این دنیا باشیم و اشک های
مان را با

دستان خود پاک کنیم

زبان، استخوانی نذر دوی آتقد

قوی هست که بتواند به راحتی قلبی

را بشکند (مراقب حرف های خود باشیم)

به کسانی که پشت سرمان حرف

می زنند بی اعتبار باشیم. جای آنها

بهنجاست و قیامت سرمان.

عمر ما کمتر از ۱۲۰ سال یا بیشتر.

ولی مثل برق می گذره (تو این دقیقه

های کم، کسی را از دست خودمان

ناراحت نکنیم).

انسان به اخلاقش هست نه

به منظرش. اگر صدای بلند شناگر

مردانگی بود سک، سرور مردان بود.

قبل از اینکه سرمان را بالا ببریم

و دشته های مان را به پیش خدا

گلایه کنیم نظری به پایین میندازیم

و دشته های مان را ساگر باشیم.

تغییری کوچک در

عادت های روزانه می تواند

زندگی مان را به مقصدی

مقاوت هدایت کند.

اتخاذ تصمیمی که اوضاع را

یک درصد بهتر یا بدتر می کند

شاید در خط بی اهمیت به نظر برسد اما در مجموع خطائی که

یک عمر را تشکیل می دهند

این انتخاب های تواند

تفاوت ایجاد کنند.

تفاوت میان کسی که بهتیم

و کسی که می توانستیم باشیم.

از حکیمی پرسیدند:

از عمری که سپری نمودی چه

چیز یاد گرفتی؟ پاسخ داد:

یاد گرفتم کسی که مرتب

می گوید: من این کار را می کنم و

آن کار را می کنم تو خالی است و

نمی تواند کاری انجام دهد.

یاد گرفتم کسی که معذرت طلبا است همواره طلبا باقی می
ماند

بدون تغییر، اما کسی که معذرت آهین

است تغییر می کند و رنگ می زند.

یاد گرفتم تمام کسانی که

در کورستان هستند چه کارهایی داشتند و آرمان هایی
داشتند که نتوانستند محقق گردانند پس

حرص زیادی نزنم.

یاد گرفتم که دنیا قرض است

باید دیر باز و دیر پس بدیم.

یاد گرفتم که مظلوم دیر یا



زود حقش را خواهد گرفت.

یاد کر فقم که دنیای ماهر

بخط ممکن است تمام شود

اما غافل هستیم.

یاد کر فقم که سخن شیرین،

کشاده روی و بخش سرمایه

اصلی مادر زندگی است.

یاد کر فقم که ثروتمندترین مردم در دنیا کسی است که
آرامشی، امنیت و آرامش بهره مند باشد.

یاد کر فقم کسی که جورا

می کارد، کدم برداشت نخواهد کرد.

یاد کر فقم کسی که می خواهد

مردم به حرفش گوش بدهند، باید

خودش نیز به حرف آنان گوش دهد.

یاد کر فقم که مسافرت کردن و

هم سفره شدن با مردم بهترین معیار

و دقیق ترین راه برای محک زدن شخصیت و درون
آنان است.

یاد کر فقم که ساطع عمر و زندگی مان را در دنیا طوری
بچین کنیم، که در موقع جمع کردن دست و پیمان را کم
نگینیم.

اگر ذهنمان را آلوده کنیم،

قانون طبیعت در همین دنیا

مارا تنبیه خواهد کرد.

* این قانون صبر نمی کند تا ما بمیریم و ما را به جهنم ببرند

ما عذاب جهنم را در همین دنیا

حس خواهیم کرد و احساس

بدبختی خواهیم نمود.

همین طور اگر ذهنمان پاک و لبریز از عشق و دلسوزی
و خیرخواهی باشد، در همین دنیا پاداشی گیریم.

مکاه کنیم اگر ذهنمان پاک است و

بج نوع منفی گرایی در آن نیست؟.

احساس آرامش و شادی فراوان

می کنیم.

مطلب به همین سادگی است.

به هر کس که می ریم، از

شکوفایی و از نیکبختی سخن بگویم

به جنبه خوشایند هر چیز مکاه کنیم فقط به بهترین ها فکر کنیم

با دادن و شنیدن موفقت دیگران به همان اندازه
شاد شویم که از موفقت خود شاد می شویم.

از اشتباهات گذشته درس گرفته و آن را به فراموشی
ساریم و با عزیم راسخ و ثبات قدم به سوی
دستاوردهای عظیم آینده بشتاییم

به هر کس که می ریم، بگذریم. برای دیدن چیزهای
نشت در زندگی و اطرافیان به قدری وقت صرف
کنیم که وقتی برای جستجوی منفی مانده نبایم.

خود را لایق بهترین بدانیم زیرا هر انسان تحفه ای
الهی است.

از یادداشت های حجت الاسلام امینی





حامیان این شماره از ماهنامه جلا
(نیاز اندیشه روز)

پایگاه اطلاع رسانی فکر ورزی به آدرس Fekrvarzi.ir و کارگاه تجربی برنامه ریزی
فرهنگی می باشند.



FEKRVARZI.IR

راه های ارتباط با ما:

اینستاگرام:

@fekrvarzi

@fardroo

@jalamonthly

یوتیوب:

fekrvarzi.ir

در این شماره می توانید این مطالب را مطالعه نمایید:

- انسان گذشته با انسان امروز متفاوت است
- تغییرات اساسی که بر زندگی بشر اثر می گذارد
- نقش های تعیین کننده در تولید و ترویج معرفت
- جایگاه و قدرت رسانه ها در شکل گیری افکار عمومی
- رقابت، ماهیت اصلی رفتار اجتماعی در جوامع انسانی
- نشاط اجتماعی در دوران پسا کرونا
- راهکارهایی برای افزایش هوش هیجانی
- چطور حس بهتری نسبت به خودم داشته باشم؟
- توازن بین ترس و شجاعت
- اقتصاد شادمانی
- چگونه در شرایط بد اقتصادی، رئیس خوبی باشیم؟
- اصل کاهش وابستگی ها
- اقلیت قدرتمند
- از خود بیگانگی اجتماعی و سیاسی
- آینده تان را شکل دهید
- روبرویی با بحران
- تقاضای فزاینده آب